

شورشگری

و

ضد شورشگری

ترجمه و انتشار از :

نهضت آزادی ایران (خارج از کشور)

۱۵ خرداد ۱۳۵۳

کتابخانه و مرکز اسناد  
سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران

00054

Archiv für Forschung und Dokumentation Iran e.V.

AFDI, Waldemarstr. 36, 10799 Berlin, Tel.





## بنام خدا علوم انقلابی را فراگیریم

"بدون درك عمیق "علم انقلاب" در عصر حاضر  
درك عمیق و تحلیل کم و کیف جامعه افکان پذیر نیست"  
مجاهد شهید علی مهین دوست

••• وزمان ما ، عصر اوج گیری نهضت های آزادی بخش و عصرهای خلق های استعمارزده جهانست • نسل ما شاهد جنگ آشتی ناپذیری است میان نور و ظلمت ، حق و باطل ، نبردهای حق طلب و طاغوت های زمانه •••••  
••• و امروز انقلابیون ایران ، از مجاهد و فدایی ، دست اندرکاران برانداختن نظام غیرعادلانای هستند که حاکم بر سر نوشت و مقدرات خلق مصلحان ایران می باشد • و این یعنی تقابله بانظامی استبدادی که از پشتیبانی قاطع و همه جانبه بزرگترین قدرتهای نظامی و اقتصادی جهان و تاریخ برخوردار است •

نهضت آزاد یبخش خلق مصلحان ایران ، بخشی است از نهدیه جهانی مبارزات رهائی بخش خلقهای مستعبد و مستضعفین جهان علیه دشمنی واحد ، که امروزه در شکل امپریالیسم آمریکا و شرکاتش متجلی و نمودار است •

این راه ، راه رهائی توده های اسیر بند ، راه خداست • این چنین رسالتی را نمیتوان بدون تجربه انجام داد بلکه باید مسائل مربوط باین راه را دقیقاً بررسی و تحقیق کرد و آنرا شناخت • راه را روشن دید و سپس براه افتاد • به عبارت دیگر ضرورت مجهز بودن به اندیشه تحولی انقلابی یک مسئله است و ضرورت فراگیری "علم انقلاب" هر خورداری از آن مسئله ای دیگر •

انقلابیون ایران ، برای آنکه بتوانند با دشمن خود در میهند خواه و ناخواه باید تجارب دی قیمتی را که سایر خلقهای جهان در مبارزه بر علیه امپریالیسم بدست آورده اند فراگیرند •

علم انقلاب "را از کجا بیاموزیم : علم انقلاب هم نظیر سایر علوم ، حاصل تجربه و عمل است • مجاهد شهید علی مهین دوست ، که پادشاه همیشه زنده بر ازش مستمر سر نهاد ، در دفعات خود میگوید : "انقلابیون باید "علم انقلاب" زمان را فراگیرند •" بعد اضافه میکند : "علم و تئوری و دانش بخشد را شریک خود باد نهی خارج و کنار (عقل) بوجود میآید ، که خود مقدمه ای برای کسب دانش و جریان تکامل باهنگامه اش در تفکر انسانی میشود • این علم وقتی شکل انقلابی بخود میگیرد که برای تغییر جامعه بکار گرفته شود •••••"

و اکنون ما وظیفه داریم علوم انقلابی را هرچاکه هست آموخته ، و خود نیز بر آن افزیده و سپس در خدمت جنبش رهائی بخش مستضعفین زمین فرارده ایم • هیچ تفاوتی میان علم انقلاب و سایر علوم وجود ندارد • برای مصلحان هوشیار و متعهد فراگیری هر علمی منجمله علم انقلاب در هر جا و از هر کس صرف نظر از وابستگی ایدئولوژیک آنها ، یک وظیفه است •

آموزش علم انقلاب بمعنای پذیرش ایدئولوژی محل رجوع شده نمیباشد . مطالعه بررسی جنبش انقلابی مردم روسیه  
یا چین و آموزش تجارب گرانمای آنان یک مسئله است و جهان بینی سازمان رهبری کننده آنان ، موضوعی دیگر که  
نباید این دو را با هم مخلوط کرد یکی دانست .

بشریت قرنهای ظلم و استعمار جنگیده است . و در طی این جنگها اردوگاه مستضعفین جهان تجارب فراوانی  
آموخته است ، که بتدریج بصورت "علم" درآمده است . همانطور که در قرن ۱۸ و ۱۹ ، در غرب یک دگرگونی  
وتغییر جدید و وسیعی در سیر تکامل علوم بوجود آمد ، در نیمه اول قرن بیستم هم ، "علم انقلاب" ، مراحل تکاملی  
چندی را پیموده و شکل جدیدی بخود گرفت . این تحولات با انقلاب اکتبر روسیه آغاز میگردد ، و طی انقلاب عظیم  
مردم چین و هندوکشا ، الجزایر ، ویت نام و ... توسعه و تکامل پیدا میکنند . بطوری که امروز ، این تئوری تجارب  
انقلابی تمام خلق های زحمتکش جهان است که در ویت نام ، بزرگترین قدرت نظامی تاریخ را بنیان آورده است  
و هنرمردم ویت نام در تئوری ساختن کلبه این تجارب و کارگرفتن آنها می باشد .

همانگونه که امروز ملت های دنیای سوم ، برای بنیاد ساختن صنعتی و فنی و بهداشتی جامعه خود نیازمند فراتر رفتن  
علوم مربوط بدان از "غیر" میباشند ، جنبشهای انقلابی نیز نباید خود را از آموزش دستاورد ها و تجارب انقلابات  
مردم ویت نام ، کوبا ، الجزیره و چین وغیره بی نیازند . تصور قبول اینچنین بی نیازی ، تنها حاصل ذهنی  
گری یا فقدان بینش انقلابی میباشد .

برای نهضت های انقلابی ، که از ایدئولوژی غنی و سرشار اسلامی برخوردار میباشند ، بررسی نهضت ها و انقلابات  
سایر ملتها ، چه آنها که موفق و سرروز شده و چه آنها که یا شکست خورده اند و مراحل ابتدائی را طی میکنند ، یک امر  
اجتناب ناپذیر است . تنها از این طریق است که میتوان خود را با "علم انقلاب" آشنا و مجهز نموده و سپس آنها را در  
قالب شرایط زمانی و مکانی خاص نهضت خود پیاده کرد . همه نهضت های انقلابی این بررسی را بطور عینی انجام  
داده اند .

و این است که مجاهد شهید علی مهین دوست در طی مداخلات خود در ادگاه نظامی به مطالعه کتب مائوتسه تونگ  
و چه گوآرا اشاره کرده و میگوید : " افراد اصلی ما این کتب را مطالعه کرده اند و لازم هم میدانستند که مطالعه کنند .  
تجرباتی که سالها از تجربه خستگی ناپذیر خلفاء رنجک آزاد بیخس پدست آمده در این کتب جمع آوری شده . برای  
ما که میخواهیم دست بیک نبرد مسلحانه انقلابی بزنیم ، فراگرفتن این تجارب و کار بستن آنها در جهان عدل و سبز  
برای تعیین خط منی و استراتژی انقلابی کاملا ضروری است . آثار زندگی درخشان مردان بزرگی که امپریالیسم  
کوشید بهر شکلی مانع انتشار تجارب ارزنده شان گردد . اگرچه از نظر رژیم و داد ستان این تجارب انقلابی ، کتب  
ضالّه محسوب میشوند . "

چند نکته درباره کتاب حاضر : امپریالیسم آمریکا در طی جنگ جهانی دوم ، کفتر از هر کشور دیگری زبان دید و  
پیش از هر کدام آنها سود برد . و من از جنگ مغرورتر ، پرنخوت تر از پیش در برابر امپریالیسم و استعمار غریبی ، بعنوان  
ژاندارم و پلیس قدره بند در برابر نهضت های ضد استعماری و آزادی بخش ملی قرار گرفت . اعداءم پیروزی امپریالیسم  
در جنگهای کره و ویت نام توسعه روز افزون نهضت های آزادی بخش در آمریکای جنوبی و دیگر نقاط جهان ، موجبات

نگرانی و وحشت گردانندگان اصلی سیاست آمریکا فراهم ساخت . از طرف دیگر برای این بانکی های مضر و متکبر نهایت تمجیب آور بود که چگونه ارتش آمریکا با تمام قدرت جهشی اثر نتوانسته است از این يك ضمت مردم لخت و سوزی هی سلاح برآید !

برای پاسخ باین سؤال از اوائل سال ۱۹۶۰ ، حکومت گفندی طریقی را تصویب نمود که بموجب آن سازمانهای علمی و مخازن فکری آمریکا بوسیله گردیدن ناکله جنگهای انقلابی - آزاد بپخش ملی و غیره در هر کجای دنیا را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل " علمی " فرار دهند . با اجرای این طرح هر اساس این تحلیل ها ، عوامل و موجبات اصلی فزونی که به بروز و ظهور جنبش های انقلابی منجر شده اند را خواهند شد " تمهین " گردیدند . استادان و اعضای مشخص گردید که بموجب آنها کشورهایی را که دارای ظرفیت انقلاب هستند ، تعیین کردند . سپس حکومت گفندی از پاسخ " مخازن فکری " و " مؤسسات علمی " خواست تا راه حلهای مناسب و قابل قبول را برای خنثی ساختن موجبات و عوامل انقلاب ها مقابله با جنبشهای انقلابی را تعیین و ارائه دهند . از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۵ ، ده ها کتاب و مینسار و مقالات متعدد در تحلیل جنبشهای انقلابی دنیا ، توسط محققین آمریکا برشته تحریر گردیدند . نهضت های آزادی بخش از جنگهای داخلی اسپانیا گرفته تا الجزایر و قبرس و مالزی و ویتنام و چین و کوبا - همه بطور سیستماتیک مورد بررسی قرار گرفته و طبل بریزی و شاکست همی بنا بر این نهضت ها ارادتیافته تجزیه و تحلیل کردند .

بزرگی دشمن غد ارجلهای جهان ، نه تنها از طریق نظامی در مقام سرکشی جنبشهای انقلابی برآید ، بلکه برای پیشگیری و خلع سلاح کردن جنبش های انقلابی ، هر طرف ساختن با اصطلاح عوامل اصلی انقلاب ، به پیاده کردن طرحهای سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و روحی است .

از همان ابتدای حکومت گفندی ، مطالعات محققین آمریکائی نشان داد که ایران ، از آماده ترین شرایط انقلابی برخوردار است . و این محققین در اکثر نوشتهجات خود از ایران بعنوان بیت نام بحدی سخن گفته اند . بی دلیل نیست که ایران ( و همچنین فیلیپین ) آزمایشگاه نمونه ای است از پیاده کردن طرحهای سیاسی و اقتصادی و اجتماعی بظن پیشگیری رشد پتانسیل انقلابی در ایران . اینکه تا چه حد موفق گردیده اند و چه عواملی در درون جنبش ملی ایران ، بهره برداری از این طرحها را خنثی ساخته اند ، مسئله ای است جداگانه .

کتاب " شور شکر ضد شور شکر " از اولین معمولات مطالعات محققین آمریکائی میباشد . این کتاب از همان کلیه نشريات و کتب فراوانی که از آن زمان بپهد منتشر شده اند ، دارای اضاها خاصی است . باین معنایکه توانسته است ماهیت جنگهای انقلابی را ، حد اقل آنطور که دشمن می بیند ، در لنگرد و معرفی نماید و همسرا راه حلهای مناسب را هم ارائه دهد . بطوریکه میتوان گفت این کتاب نتیجه گیری کلیه مطالعات مخازن فکری آمریکا از جنگهای انقلابی و نوشتهجات پها ایران انقلاب را معرفی مینماید .

ترجمه این کتاب را به سازمان مجاهدین خلق ایران و همه مبارزین راه حق و حقیقت ، راه رهائی خلفهای اسیر در بند تقدیم مینمائیم .

نهضت آزادی ایران ( خارج از کشور )

۱۴ اسفند ۱۳۵۲



شورشگری

و

ضد شورشگری

ایستادگان و دانشوران  
مقامات عالی رتبه  
وزارت معارف و اوقاف  
و صنایع مستظرفه  
تهران

## فصل اول

### جنگ انقلابی - ماهیت و مشخصات

- ۱ - جنگ انقلابی چیست ؟
  - ۲ - انقلاب - توطئه - شورشگری
  - ۳ - شورشگری و جنگ داخلی
  - ۴ - تناقضات میان شورشگری و ضد شورشگری
  - ۵ - هدف : توده مردم
  - ۶ - جنگ انقلابی يك جنگ سیاسی است
  - ۷ - انتقال تدریجی از صلح به جنگ
  - ۸ - جنگ انقلابی يك جنگ طولانی است
  - ۹ - شورشگری ایزان و ضد شورشگری کران تمام مینور
  - ۱۰ - سهالیت شورشگری وجود ضد شورشگر
  - ۱۱ - قدرت ایدئولوژی
  - ۱۲ - تبلیقات سلاح يك طرفه
  - ۱۳ - جنگ انقلابی تا پایان قیامی باقی میماند
- دو - بحران شورشگری  
سه - دگرین عززی  
سوم - وضعیت جغرافیائی :
- ۱ - محل و موضع کشور
  - ۲ - اندازه و وسعت
  - ۳ - ساختار و وضعیت عمومی سرزمین ها
  - ۴ - سرحدات بین الطالی
  - ۵ - صحنه
  - ۶ - آب و هوا
  - ۷ - جمعیت
  - ۸ - اقتصاد
- چهارم - حمایت خارجی :
- ۱ - معنوی و روحی - ۲ - سیاسی - ۳ - فنی - ۴ - مالی
  - ۵ - نظامی -

## فصل دوم

نه

### شرایط اولیه برای يك شورشگری پیروزمند

- ۱ - انگیزه : ضرورت انگیزه - منجنج استراتژیکی انگیزه - ماهیت انگیزه - هنر تاکیکی انگیزه - از بین رفتن اهمیت انگیزه
  - دوم - ضعف ضد شورشگر :
  - ۲ - نقاط ضعف و قدرت رژیم سیاسی حاکم
  - ۱ - عدم مشکلات
  - ۲ - افکار عمومی موافق
  - ۳ - رهبری ثابت و صمم ضد شورشگر
  - ۴ - درك و دانش رهبران ضد شورشگری از نظم جنگهای ضد شور<sup>شگری</sup>
  - ۵ - دستگاه کنترل مردم : الف - سازمان سیاسی
  - ب - سازمان اداری . ج - پلیس . د - نیروهای مسلح .
  - قدرت کی ارتش
  - ترکیب ارتش
  - احساسات و درك سربازان نسبت به رهبريك از دو طرف
  - ۶ - شرایط جغرافیائی
- ### فصل سوم
- ### دگرین شورشگری
- طرحهای استراتژیکی برای شورشگری
- ۱ - طرح ارتدوگس . کونیستها :
  - قدم اول - خلق حزب
  - قدم دوم - جبهه واحد
  - قدم سوم - جنگ چریکی
  - قدم چهارم - جنگ متحرک
  - قدم پنجم - عملیات عاجزکننده
- ۲ - طرح میان بر - بهرولازی طی :
  - مرحله اول - تهریم چشم بسته
  - مرحله دوم - تهریم انتخابی
  - زخم پذیری شورشگری در طرح ارتدوگس
  - زخم پذیری شورشگری در طرح میان بر

## فصل چهارم

### ضد شورشگر در جنگ سرانقلابی

عل مستقیم علیه شورشگر

عل غیر مستقیم علیه شورشگر

نفوذ در جنبش شورشگر

تفویت مائین سیاسی

۱- جهت واحد سیاسی

۲- برتری قدرت سیاسی بر قدرت نظامی

۳- هماهنگی کوششها

۴- انطباق نیروهای مسلح با جنگ ضد شورشگری

هماهنگی کردن افکار

دوم - انتخاب منطقه کوششها، مشکلات استراتژیکی - عوامل تاکیکی

سوم - آمادگی سیاسی - تدارکات برای آمادگی

چهارم - اولین منطقه بعنوان آزمایش

## فصل پنجم

### ضد شورشگر در جنگ گرم انقلابی

اول - قوانین و اصول جنگ ضد شورشگری

۱- محدودیتهای جنگ عادی

۲- چرا جنگ شورشگری برای ضد شورشگر قابل عمل نیست ؟

قانون اول - حمایت و پشتیبانی توده مردم همانطوریکه برای

شورشگر ضروری است برای ضد شورشگر نیز ضروری میباشد .

قانون دوم - حمایت توده مردم از طریق يك امنیت فعال

بدست میآید .

قانون سوم - حمایت توده مردم شروط است .

قانون چهارم تشدید کوششها توسط وسائل و راهبها اساسی

هستند .

دوم - استراتژی ضد شورشگری :

۱- در يك منطقه انتخاب شده

۲- اقتصاد نیروها

۳- حضور قابل بازگشتی

۴- ابتکار و پیشقدمی

۵ - بکارانداختن کامل تمام سرمایه های ضد شورشگری

۶- سادگی

۷- فرماندهی بحیثیت کنترل کردن

## فصل هفتم

### عظیات

مرحله اول - تخریب ، نابودی یا اخراج نیروهای شورشگر ؛

تلهفیات - برای نیروهای ضد شورشگر - برای مردم و برای نیروهای شورشگر .

مرحله دوم - واحدهای غیر متحرک :

تلهفیات - برای نیروهای ضد شورشگر ، مردم و شورشگر .

مرحله سوم - تماس و کنترل پانوده مردم :

۱- تماس . کنترل و حفاظت مردم

۲- جمع آوری اطلاعات

۳- آغاز جلب حمایت مردم

تلهفیات - برای نیروهای ضد شورشگر ، مردم و شورشگر

مرحله چهارم - نابودی سازمان سیاسی شورشگر

مرحله پنجم - انتخابات با انجمنی

مرحله ششم - آزمایش رهبران محلی

مرحله هفتم - سازمان دادن و تشکیل حزب سیاسی

مرحله هشتم - بهروزی ، پانابودی آخرین نیروهای شورشگر

## فصل هشتم

### نتیجه گیری و ملاحظات

## فصل نهم

### از استراتژی تاناکیک ها

اول - مشکلات فرماندهی :

## مقدمه مولف

قوانین جنگ: سائسی است که هرکس جنگی راهبری میکند باید آنها را مطالعه نموده و عمل نماید.

قوانین جنگناظر: سائسی است که هرکس یک جنگی انقلابی راهبری میکند باید مطالعه نموده و عمل نماید.

قوانین جنگ انقلابی: سائسی است که هرکس یک جنگ انقلابی راهبری میکند باید آنها را مطالعه نموده و عمل نماید.

ماتریسه تونک - مشکلات استراتژیکی

جنگ انقلابی چین - دسامبر ۱۹۲۶

هیچ شطرنج بازها برای هرگز نتوانسته است برای پیروزی

نهایی از همان حرکت اول بازی، راه مطمئن را پیدا نموده و ادامه دهد. در آینده هم هرگز کسی نتواند نتوانست چنین راهی را پیش بینی نماید.

بازی بگری دارای حرکات متعدد و متنوع است که حتی ماشینهای الکترونیکی هم قادرند نتوانند یک بازی مطمئن و کوشش مات نهایی را تعیین نمایند.

جنگ بازی شطرنج نیست اما یک پدیده اجتماعی وسیعی است و تعداد فاکتورها و عوامل بگری متنوع و وسیع هستند که برخی از این عوامل حتی در موقع تجزیه و تحلیل از نظر پنهان میمانند.

مثلا هیچکس نمیتواند اهمیت "شانس بخت" را در جنگ انکار نماید. اما چه کسی میتواند بخت و اقبال را پیش بینی نماید؟

اما پیش از آنکه برای عوامل متنوع و متعدد جنگ هرگونه جستجوی اساسی برای یافتن یک سیستم ساده نشده است. و از آنجا که جنگ مسئله حیات و مرگ برای ملت و وادولت است در هیچ رشته ای از فعالیتهای بشری تا به حال مسئله ای بلندآوازه جنگ

مورد تجزیه و تحلیل و مطالعه ویدام و گال فرانکرته است.

زنانی که بشر فکر کرده است (و گاهی بویکس اول جنگ کرده و بعد فکر) تا بحال کوششهای فراوانی برای مطالعه جنگ نشده است. و

مطالعه جنگناظر فلسفی خواه برای آنکه مغز بشری تا حد فلسفه است و برای آنکه بهانه و تکیه گاهی برای جنگ، جهت ارضای نفس خود بنماید و در چهارچوب این فلسفه جنگ را توجیه بنماید و نیز مطالعه علمی جنگ برای استخراج روشهای علمی از جنگ ها گذشته برای جنگ های آینده.

در محض از موارد انفرادی مطالعه جنگ باعث نفی آموزش آموختگی این مطالعات شده است. بخصوص وقتی که تصور شود که کیفیت عملیات جنگی فقط حاصل قدرت خلا فیت فکری و شیطانی محیط میباید بود و در چنین موارد انفرادی کار به عدم توجه به واقعیتها و حقیقتها کشیده شده و ایجاد تعصب وجود راننده است تاریخ نظامی فرانسه نمونه های قابل توجهی را از چنین نوسانات نشان میدهد. فرانسه در جنگ ۷۱ - ۱۸۷۰ با پیروز برنانه و با شتری خاصی نداشت. در ۱۹۴۰ فرانسه در جنگ با آلمان از همان روشهای ۱۹۱۸ استفاده میکرد. در هر دو مورد نتیجه یک فاجعه بود. صرف نظر از این مسائل مطالعه مجبوره تجارب جنگی قوین گذشته و مشاهده یک سری واقعیتهای مخصوص که بگرات و بی سری در جنگ ظاهر میشوند (میتدند) باعث تشکیل یک سلسله قوانین شده است.

البته واضح است که این قوانین قاطعیت و آموزش قوانین علوم فیزیکی را ندارد اما نمیتوان در بین حال با این دلیل که این قوانین حاصل درک و احساس ساده مغز بشر است آنها را نادیده گرفت و آنها را حله کرد. این قوانین از نظر تعداد بسیار کم هستند.

قانون اول: آردوی قویتر پیروز میگردد و این اصل تا به بعضی مصروف است که پیروزی نصب لشکر پیروز میگردد.

قانون دوم: اگر دو لشکر پیروی مساوی داشته باشند آنکه مصمم تر و با اراده تر باشد پیروز میگردد.

قانون سوم: اگر چنانکه اراده و خواست هر دو طرف برابر باشد پیروزی نصب اول و گاهی خواهد شد که ابتدا پیروز می و در دستند. قانون چهارم: تبیین (طیل خاکگیری) ممکن است نقش تعیین کننده ای داشته باشد.

این قوانین که صحت و درستی آنها طی موارد متعددی و حرکات ثابت شده است آنها را جنگ را تشکیل میدهند. این قوانین که (از نظر تعداد بسیار کم هستند) بنده خود باعث تکلیف و تعیین اصول دیگری شده اند. نظیر: تمرکز پیروزی و مرکز - انحصار نیروها - آزادی عمل - سلاحی ویژه.

موارد استعمال این اصول ممکن است دوره بدو در زمینهای مختلف با تغییرات تکنولوژی و تکامل سلاحهای جنگی بسیار قابل تفسیر باشد. اما بطور کلی این اصول آموزش خود را طی تمام این تحولات که بهیچ حفظ خواهند نمود.

در اکثر جنگها اصول و قوانین مشابهی بر هر دو طرف متخاصم حاکم

است . تفاوتی که وجود دارد در نحوه بکار بردن این اصول بر حسب لیاقت و موقعیت و در شمس هریک از طرفین میباشد .

جنگهای عادی ( Conventional ) تابع مقررات بالا هستند اما جنگهای انقلابی از این قوانین مستثنی هستند نه تنها بخاطر آنکه قوانین مخصوص بخود دارند بلکه باین علت که اکثر قوانین که برای یک طرف صادق است برای طرف دیگر قابل انطباق و استفاده نمیشاند . در جنگ میان پیروزیه ، پشه نمیتواند بهر ایا یک غریه " ناک اوت " کند و پیروز نیز نمیتواند بدنبال پشه پرواز نماید .

از نقطه نظر " زمان " و " فضا " شرایط برای هر دو طرف جنگ ساری و مشابه است اما حداقل در نوع جنگ مشخص وجود دارند ؛ جنگهای انقلابی و جنگهای عادی متفاوت است .

آنکس که جنگ را طبقه یک جنبش انقلابی هدایت میکند جواب مشکلات خود را در میان تغییرهای مانع سایر تئوریسین های انقلابی پیدا نخواهد کرد . لفظ نمیتواند با مطالعه جنگهای انقلابی با اطلاعی مفیدی درباره نحوه و چگونگی جنگهای انقلابی وصل انقلاب بین جمع آوری نماید .

بسیار توجه باین نظریه قوانین جنگهای عادی انقلابی که اندک در اینجا یک واقعیت جالب وجود دارد . بلوچ بود آنکه تعداد تجزیه و تحلیل جنگهای انقلابی از نظر انقلابی بسیار است اما نسبت به مطالعه بررسی این جنگها از نقطه نظر عادی انقلابی بسیار خالی میباشد . آنچه تا بحال گفته شده است صرفا یک صفت شمارهای توخالی است ؛ " شمارهای گداز حل مسئله است . و با مثلا " پشتیبانی توده مردم را باید جلب کرد " اما اینکه چگونه این گداز را بهر خاتمه با چگونه میتوان در جلب پشتیبانی مردم موفق شد یک جواب قاطع و روشن وجود ندارد .

یک چنین شمارها برای آنکه صلا در جریان کار هستند و انبوهی های انقلابی و پیوسته گاری صوت نمیدهند . این مسئله راهرس که در یک جنگ عادی انقلابی خواه در بالا خواهد در مراکز این تفرار دارد میتواند درک کند و تصدیق نماید .

آن افسر جوانیک در صحنه نبرد بعد از هفت ماه با ماهها متعب دشمن بالاخره توانست است یک دو جین جاهد را که دشمن او بوده اند ازین نبرد بی بندگان جای آنها را بر سر یک دو جین تازه نفس در کمر گرفته آنها کار شده اداری که برای ه تومان اضافی جهت انجام بعضی اصلاحات عجز و لایه میکرده است اما حالا با وجود آورده شده که یک برنامه اصلاحات هزار تومانی را در منطقه ای که کتر لسی

برای اجرای آنها وجود ندارد اجرا نماید ؛ بآن ترتیبی که خطه الف را تازه تصفه کرده است اما حالا چون فرمانده میخواهد در هنگام زفرات او را برای یک منطقه ب از او بگیرد و در این بهواسطه ؛

بآن سئوالمطرحاتی که نمیتواند بطریق معینی که توضیح میدهد چرا بعد از چند پیروزی موثر هنوز شورشیان قوی و در حال توسعه اند ؛ بآن ستاد و اوکل مجلس که نمیتواند بفهمد چرا دولت در حالیکه برای بودجه کلانی که در گذشته تصویب شده است کار قابل توجهی ارائه نمیدهد و باز درخواست پول میدهد بودجه بیشتری میخواهد بآن رئیس دولتی که از همه طرف تحت فشار است و بی غیریتگران میباشد و نمیداند تا کی سرکار خواهد بود و نظایر اینها همه سائلی هستند که با " ضد انقلاب " همراه و توأم است بطور آشکار بیک قلب نامواچراغ راهنمای جهت جنگهای عادی انقلابی احتیاج داریم . این کتاب کوششی در این جهت است . آنچه در این کتاب بحث میشود مشخص و معین کردن قوانین جنگهای عادی و استخراج اصول این جنگها از آن قوانین و سپس طرح ریزی صوری استراتژی و تاکتیکهای مربوطه میباشد . اما این کار آسان نیست . اول از همه اینکه در حالیکه تعداد جنگهای عادی از هر نوع و بهر وسیله ، از حد فزین است جنگ های انقلابی تعدادشان بسیار کم و محدود میباشد و اکثر آنها بعد از ۱۹۱۴ اتفاق افتاده اند .

آیا مطالعه این تعداد محدود برای استخراج یک سلسله قوانین کافی میباشد ؟

از آنجا که ما یک جنگ عادی انقلابی خاصی را بررسی نمیکیم بلکه مسئله را بشکل کلی و صوری بررسی میباشیم لذا همیشه خطر نصب وجود نیست در استنتاجات و استنباطات وجود خواهد داشت . تازه آنچه که ممکن است در اکثر موارد درست و مناسب با نتیجه گیری های ما باشد ممکن است در سایر موارد که عوامل و خصوصیات دیگری وجود دارند و نتیجه حوادث و وقایع را بطور دیگری تحت تاثیر خود قرار داده اند درست نباشد . بنابراین نمیتوان یک جواب کامل بشمار مشکلات جنگهای عادی انقلابی داد . تنها میتوان امیدوار بود که بعضی از پیچیدگیهای آن را مطالعه کرده و روشن ساخت . آنچه در اینجا در مرحله اول مورد بررسی قرار گرفته است جنگهای عادی انقلابی در مناطقی است که بنام مستعمره یا نیمه مستعمره و محظمانده خوانده میشوند . آيا ممکن است در مناطقی خارج از این مناطق جنگهای انقلابی اتفاق افتاده باشد ؟ بله امکان دارد ولی پیروزی آنها بسیار محدود است چه آنکه اجتناب ثابت ظاهر اکثر رژیم پذیر است . در رساله های اخیر فقط یک جنگ انقلابی در اردو گاه با اصطلاح سرمایه داری اتفاق افتاد آنها در میان رساله های ۵۰ - ۱۹۴۵ بود که انقلابیون شکست

خوردند . مکن است امروز انقلابی جنگ انقلابی را در ایدت  
کوک در کاند اشاده نمائیم اما آنچه روشن است اینستکه در  
قستیهای پیشتره دنیا حاد نیست .

قبل از آنکه در اصال مسئله وارد شویم يك بحث لغوی لازم  
است از آنجا که ما طبقه بندی " انقلابی " ضد انقلابی " با پس  
ترتیب که هر کسی که با جنبش انقلابی مخالف باشد او را ضد انقلابی  
بنامیم موافق نیستیم ضد انقلابی مترادف با ارتجاع و مرجع میباشد  
لذا ما در نوشتجات خود : طرف انقلابی را شورشگر INSURGENT  
و صل آنها را شورشگری INSURGENCY  
و طرف مخالف را ضد شورشگر COINTEGRINSURGENCY و مطنان  
را ضد شورشگری مینامیم . و چون شورشگری ضد شورشگری هر دو  
در موضوع مختلف از یک پدیده پیچیده اجتماعی واحد هستند  
جنگ انقلابی را برای بیان کردن و انعکاس کامل این پدیده بکار  
میبریم .

مؤلف

\* \*

## فصل اول

### جنگ انقلابی : ماهیت و مشخصات

۱ - جنگ انقلابی در مرحله اول يك شك پیچیده داخلی است  
نقد عوامل خارجی نیز در آن اثر میگذارد . در بسیاری از موارد شورشگر  
بسهولت بصورت گروههای ملی مشخص و شناخته شده اند . نظیر  
اندونزیها - ویتنامها - تونسها - الجزیره آنها حکمونی ها  
آنگولایها . و این در مورد جنگهای ضد استعماری است اما از آنجا  
که واقعت استراتژی در هر حال نبرد با سازمانهای حاکم موجودها  
پس : با نیروهای مسلح میباشد تفاوت میان جنگهای ضد  
استعماری با جنگهای انقلابی خالص نظیر آنچه در کوبا و ستام جنوی  
اتفاق افتاده است وجود ندارد .

وقتی شورشگر برای تصاحب قدرت و خلق حاکم واپسای جدا  
شدن از حکومت مرکزی ( نظیر کرد ها ) دست بمطبات میزند و ضد  
شورشگری مقابله بر میخیزد ؛ جنگ انقلابی آغاز میشود . در حالیکه  
در جنگهای عادی برای هر يك از دو طرف مساوی امکان آغاز جنگ وجود  
دارد . در جنگ های انقلابی شروع عمل فقط با شورشگر است عمل  
ضد شورشگر صرفاً عکس العمل و نتیجه شورشگری است . ضد شورشگر  
را نمیتوان شخص کرد . مگر آنکه علت با شورشگر شناخت و آن عطف  
نمود .

کلا زویتز ( CLAUWITZ ) میگوید " شورشگری امره سیاست  
هر چیزی در داخل طلکت بهر وسیله میباشد " ( ۱ ) چه آنکه شورشگری  
خطی جلوتر از آنکه شورشگری برای استعمار از زوره واهی پیدا کند آغاز میگردد  
( کلا زویتز متفکر نظامی روسی در قرن ۱۹ طی کتاب پرورش خود  
بنام " درباره جنگ " بزرگترین تحولات را در تاریخ نظامی بوجود آورده است .  
افکار گل زویتز ضمیمه الهام فر مانده ها و رهبران نظامی و انقلابی در سرتاسر دنیا میباشد .  
مارکس و انگلس شده اند تحت تاثیر افکار او بوده اند . لنین و ماوتسه تونگ  
در بسیاری از موارد از کلا زویتز الهام گرفته اند . ( ۲ )

#### ۲ - انقلاب . توطئه و شورشگری :

انقلاب و توطئه و شورشگری سه طریقه ای هستند که برای تصاحب و  
کسب قدرت بکار میروند . تشخیص هر کدام برای بحث ما مفید است .  
انقلاب : انقلاب معمولاً يك انفجار ناگهانی - غیر مترقبه و کوتاه - خود

( ۱ ) - ( این شورشگری نظیر جنگهای عادی نیست بلکه " امره

سیاست از راه دیگر میباشد . )

بخود - بدون برنامه تئلی میباشد . نظیر فرانسه در ۱۷۸۹ - چین  
 ۱۹۱۱ روسیه ۱۹۱۷ مجارستان ۱۹۰۶ - انقلاب ب يك تصادف است  
 که میتوان آنرا بعد آتشریح کرد : اگرچه میتوان شرایط و موقعیت انقلابی  
 را مشاهده کرد و شناخت . اما میتوان خود انقلاب ب راهپش بینی و باطرح  
 ریزی کرد . مثلا شرایط و موقعیت انقلابی در ایران وجود دارد . اما  
 چه کسی میتواند بگوید که چه اتفاق خواهد افتاد آیا یک انفجاروی خواهد  
 داد و اگر نه دهد چگونه و چه موقع این انفجار ظاهر خواهد شد . در انقلاب  
 اول توده ها حرکت میکنند سپس رهبران ظاهر میشوند . سون بات سن  
 در انگلستان بود که سلسله مان چورنگون شد . در روسیه وقتی  
 خانواده رومانف از این رفتن در روسیه بود .  
 توطئه : توطئه يك عمل مخفی و سری توسط يك گروه شورشگر برای  
 سرنگون ساختن رأس و مرکز رهبری در کشور میباشد . بخاطر ماهیت مخفی  
 بودن توطئه مردم نمیتوانند در آن شرکت کنند . گرچه تهیه خدمات  
 توطئه ممکن است طولانی باشد اما خود عمل بسیار کوتاه است و ناگهانی ،  
 توطئه همیشه يك فشار است . نمونه های توطئه فراوان هستند نظیر  
 توطئه طبه هینتر در ۱۹۴۴ - توطئه طبه نوری سمید و تک فیصل در  
 ۱۹۰۸ و طبه قاسم در ۱۹۲۲ .  
 شورشگر : شورشگری يك مبارزه طولانی است که اجرا آن بطور منظم  
 و هم بهم بوده و با برخورداری از يك سلسله پیرزیمهای کوچک در خانه  
 بسرنگونی حکومت موجود منتهی خواهد شد . چین ۱۹۲۷-۱۹۲۲ و یونان  
 ۱۹۴۰-۵۱ و ایالات ۱۹۴۸-۶۰ و الجزیره ۱۹۵۴-۶۲ .  
 شورشگری رانیز نظیر انقلاب نمیتوان از قبل طرح ریزی کرد . در حقیقت  
 شروع و آغاز شورشگری بهدوی وسیع است که تعیین اینکه چه موقع و  
 کی شورشگری آغاز میگردد يك مشکل سیاسی ، قانونی و تاریخی است  
 مثلا آیا میتوان گفت که شروع شورش چین در ۱۹۲۷ وقتی که حکومت  
 کمونیست هاوکومین نانگ در هم شکست وصال زیر یمن آمد میباشد یا  
 از سال ۱۹۲۱ . تا مس حزب کمونیست چین ؟  
 اگرچه نمیتوان شروع و باطرح ریزی و پایش بینی کرد اما توسعه  
 شورشگری بسیار آرام و آهسته است و هیچ وجه با تصادف نیست  
 در شورشگری رهبران را بعد از ظاهر میشوند سپس توده های مردم  
 برای حرکت بسیج میشوند . اگرچه تمام شورشگرهای سالهای  
 اخیر باستقایی یونان حاصل وابسته به شرایط انقلابی موجود  
 در جامعه بوده اند اما اوضاع و احوال و موقعیتهائی نظیر ایالات  
 ۱۹۴۸-۶۰ ، تونس در سالهای ۱۹۵۰-۱۹۵۲ ، مراکش ۱۹۵۶-۱۹۵۲ و  
 تونس ۱۹۵۶-۱۹۵۰ ، و کوبا ۱۹۵۹-۱۹۵۷ . و سایرین حاکم از آنست

که برای آغاز و شروع شورشگری لزومی ندارد که آمادگی شرایط و  
 وضعیت انقلابی حاد باشد .

۳ - شورشگری و جنگ داخلی : با وجودیکه شورشگری يك  
 جنگ داخلی است معذالك اختلافاتی میان این دو در نوع جنگی  
 که حادث میشود وجود دارد . جنگ داخلی بطور ناگهانی طت  
 را بدو و یا چند گروه تقسیم میکند . هر يك از این گروهها بعد از يك  
 مرحله گنگ و پیچیده اولیه ، خود را در کنترل قضی ازاراضی و  
 نیروهای مسلح موجود یافته و بلا فاصله برای دفاع از آن توسعه  
 و تکمیل نیروها اقدام میکنند . جنگ میان این گروهها ممکن است  
 بزودی به يك جنگ معمولی بین الطلی تبدیل شود . مگر آنکه  
 مخالفین هر دو هموطنان هم باشند . نظیر جنگ داخلی آمریکا  
 یا جنگ داخلی اسپانیا .

۴ - تناقضات و اهدم تشابهات ( ASYMMETRY ) میان  
 شورشگری و ضد شورشگری :

عدم تشابهات چندی در دو طرف جنگنده جنگ انقلابی وجود دارد این  
 بدیده نتیجه ماهیت نوع جنگ ، عدم تناسب قدرت میان دو  
 طرف در مرحله آغاز و تطبیات . نتیجه اختلاف میان مزایا و ضررهای میان  
 سرمایه ( امکانات ) و هدم امکانات میباشد . از آنجا که تشابه شورشگر  
 میتواند جنگ را آغاز کند ( و این ضرورتا بدون معنائست که او اولین کسی  
 است که به افعال زیر متصل خواهد شد ) از نقطه نظر استراتژیکی ،  
 ابتکار در دست است . و از آزاد است که ساعت و زمان عمل را انتخاب کند برای  
 شرایط مساعد و مناسب صبر کند مگر آنکه عوامل خارجی او تسریع حرکات مجبور ساز  
 عوامل خارجی در نهی امریزگ بدو و قطب شرق و غرب تقسیم شده است  
 در هر جنگ انقلابی دخالت دارند و مانع از آن هستند که آنها بصورت خالص  
 باقی بمانند .

تازمانیکه شورشگر با شرکت در عملیات خرابکارانه با نددت عمل و افعال زهر  
 طنی ، مقصود و فرض خود را بطور آشکار و واضح و ظاهر نکرده است نیروی جز  
 يك تهدید بالقوه در برابر حکومت وقت نبوده است و يك هدف قاطعی  
 برای عملیات ضد شورشگری نخواهد بود . در بعضی از کشورها نیک  
 فعالیتهای سیاسی مخالفین تحمل شده و مجاز است شورشگر ممکن است  
 با واسطه قانونی و صلح جویانه ای به حد اکثر میزان توسعه خود برسد .  
 در چنین شرایطی امکانات ضد شورشگر برای پیش گیری و خلع  
 سلاح شورشگر محدود خواهد بود . معمولاً اکثر کارگی که او  
 میتواند انجام دهد تضعیف یا تامل و یا ازین بدن شرایط مساعد  
 برای رشد شورشگری است .

دارندایی آموزش اعمال زبرد در مرحله آغاز شروع جنگانقلابی، که  
تراز و نفع ضد شورسنگراست و اودارای مزایای قابل لسی است .  
ضد شورسنگرا تمام امکانات و وسائل و شرایط ضروری و لازم داخلی  
و خارجی يك حكومت مستقر برخوردار است عملاً همه چیز دارد .  
شناسائی دیپلماتيك، قدرت قانونی در رشته های قضائی اجرائی،  
قانونگزاری، کنترل سازمانهای اداری پلیس، مطابع صنعتی و کشاورزی  
در داخل و مطابع ککچای آماده از خارج کشور گنجه امکانات و  
تسهيلات حمل و نقل و ارتباطات، استفاده و کنترل وسائل تبلیغاتی  
و اطلاعاتی، فرماندهی نیروهای مسلح و امکانات برای اژدریاد  
کمی و کفی آنها .

ضد شورسنگردر حالیکه در جریان و در "رین" امر است همه چیز دارد  
اما شورسنگر عملت اینکه " در خارج " از امور بیرون از این سیستم  
و مجبوسه است با هیچ يك از مزایا براند اورد و یاکمی از آنها براند اورد .

املاقی پای ارزیابی و بررسی از مسائل نامرئی بهمان میآید قضیه  
کاملاً برعکس میگردد . شورسنگر اداری يك سنگر غیر قابل تصاحب  
است . این سنگر با مزیت بزرگ و اساسی شورسنگر است از  
قدرت ایدئولوژیک، که بخاطر آن و بر اساس آن عمل خود را پایه گذار  
کرده است . استراتژی شورسنگر بطور طبیعی تبدیل مزایای نامرئی  
به مزایای قابل لمس و قاطع میباشد . ضد شورسنگر سئولیت و حق  
سنگینی دارد و آن حفظ امنیت در سر اسر کشور است . استراتژی ضد  
شورسنگر جلوگیری از تبدیل مزایای نامرئی شورسنگر به مزایای قاطع قابل  
لمس میباشد .

بنابراین در جنگانقلابی شورسنگر باید از يك نیروی کوچک به بزرگ  
و از يك نیروی ضعیف به قوی رشد کرده و توسعه پیدا کند و گرنه  
مردوم خواهد شد . در حالیکه ضد شورسنگر از يك قدرت بزرگ بیک  
نیروی کوچک، از قوی به ضعیف که نسبت آن بستگی بر ضد شورسنگر  
دارد . تنزل پیدا خواهد کرد .

حاصل و نتیجه این تناقضات با تعارضات میان دو طرف جنگ انقلابی است  
که آنرا از جنگهای عادی جدا و مجزا میسازد بطوریکه نمیتوان آنها را با  
هم مقایسه نمود .

۵ - هدف : توده مردم

باتوجه به ضعف ذاتی و دینی شورسنگر، مبارزات خواهد بود که  
اگر اتمام نیروهای خود را متراکم ساخته و برای فتح يك ضلعه نظیر  
جنگهای عادی حمله کرده و بخواند نیروهای دشمن را نابود سازد  
این عمل باعث صحر و نابودی خود خواهد شد . چه، نیروهای نظاً

دو طرف متعادل نیستند برعکس عمل و ضلوع او را مجبور میسازد که نبرد  
و در يك زمینه دیگری ادامه بدهد که از آن طریق شانس و احتمال  
بهتری برای ایجاد تعادل با نیروهای دشمن برای او وجود خواهد  
داشت . توده های مردم عامل اصلی در استراتژی او میباشد .  
اگر شورسنگر موفق شود که توده مردم را از ضد شورسنگر جدا سازد و آنها را  
بطور فیزیکی کنترل، و پشتیبانی فعال او را بدست آورد جنگ را خواهد  
برد . بنابراین کوشش برای فتح مردم، مشخص بزرگی جنگانقلابی  
است .

۶ - جنگ انقلابی بي يك جنگ سیاسی است :

تمام جنگها از نقطه نظر تئوری برای يك هدف سیاسی میباشد البته  
در بعضی موارد نتیجه گیری سیاسی نهائی با آنچه در ابتدا ای کار  
مطرح بوده است بحد ارزیابی متفاوت میباشد در جنگهای عادی و حمل  
نظامی، توأم با فشار دیپلماتیک، تبلیغات، فشار اقتصادی، و عوامل راه اصلی  
برای وصول به هدف میباشد .

سیاست " بصورت وسیله ای برای جنگ " به پشت صحنه میروند  
و دوباره وقتی جنگ تمام شد باز بصورت وسیله ای ظاهر میشوند .  
در جنگهای عادی بعضی اینکه هدفهای سیاسی که حکومت ممکن  
است آنها را تخمین بدهد، تعیین شده و بعضی اینکه فرمانها و  
دستورات و راهنماییهای نظامی که حکومت باز میتواند آنها را ترمیم  
نماید به نیروهای مسلح داده شد عملیات نظامی در مرحله اول  
فرا خواهند داشت . باین ترتیب تقسیم وظائف و مسئولیت میان  
حکومت که عملیات راهبردی میکند و مردم که وسائل را فراهم میسازند  
و سازمان که این وسائل را با کار میبرد آسان و ساده خواهد بود .  
در جنگانقلابی قضیه کاملاً برعکس و متفاوت است . هدف توده  
مردم میباشد . طرح عملیات توسط شورسنگر بطور جلب حمایت  
مردم است . و توسط ضد شورسنگر بطور حداقل طمع ساختن آنها  
است . و این هر دو اساس اداری يك ماهیت سیاسی است . در  
نتیجه در يك جنگ انقلابی سیاست در تمام طول جنگ متغیر است  
و رهبری کننده را خواهد داشت .

برای دولت این کافی نیست که يك سری هدفهای سیاسی برای  
خود تعیین کند و محاسبه نماید که چقدر نیروی نظامی قابل استفاده  
در دسترس دارد و یا دست به تشکیل پیمانهای بزند و یا پیمانهای  
را برهم بزند . بلکه سیاست باید وسیله و ابزار فعال عملیات او باشد  
موسسه سیاسی شورسنگر حزب است و نیروهای مسلح او کارهای حزبی  
هستند . لذا از این سلسله مزایای واضح و آشکاری نسبت به دشمن

خود برخوردار است . چه مومنه سیاسی دشمن دولت است که  
 ممکن است توسط یک حزب و یا مجموعه ائتلافی چند حزب پشتیبانی  
 بشود و یا نشود . و نیروهای دشمن او ارتش اندک به بحرال جزئی از  
 ملت است که ممکن است پشتیبانی افکار عمومی ملت را منعکس نماید  
 یا ممکن است برعکس عدم رضایت و پشتیبانی ملت را منعکس سازد .  
 ۷ - انتقال تدریجی از صلح و آرامش به جنگ : در جنگ عادی

تجاوز کار برد داخل سرحدات خود با بصیرت و حوصله و برخوردار از امنیت تمام  
 ضایع طبیعی و انسانی خود را بسیج کرده و خود را برای حمله تجاوزکاران  
 آماده میسازد . هر قدر حمله ناگهانی تر باشد و حد اکثر نیروها در آن شرکت  
 نمایند امکان پیروزی بیشتر است . انتقال از صلح به جنگ بسیار ناگهانی  
 ضرورت نظر مییابد . اولین ضربه ممکن است تعیین کننده باشد .  
 چنین جبهائی در جنگ انتقالی غیر ممکن است . شورشگر در آغاز مرحله  
 شروع فاد قدرت کافی است . بعضی اوقات ممکن است سالها طول  
 بکشد تا او نتواند متناسب با قدرت سیاسی خود ایجاد قدرت نظامی بنماید  
 لذا در جنگ انتقالی بی باخبره اولیه نیست و یا خیلی کوتاه و مختصر خواهد  
 بود . عاقل گیری یابست و یا مختصر خواهد بود . در مراحل اولیه احتمال  
 وقوع نبردهای تعیین کننده جنگ ( سرنوشت جنگ ) وجود ندارد .  
 در حقیقت شورشگران تا زمانی که احساس نکند که قادر بر برعکس العمل  
 قابل پیش بینی دشمن میباشد به ضربه زدن علاقه ای ندارد . با  
 تاخیر انداختن زمانی که شورشگر بصورت یک خطر جدی نسبت به حیات  
 خود شورشگر ظاهر گردد و شورشگر عکس العمل خود شورشگر را تاخیر میاندازد تا  
 بتواند خود را مجهز تر سازد . با بهره برداری و حسن استفاده از یک واقعیت  
 که مردم صوماخیلی زود تر از رهبران خود شورشگر خطر را احساس میکنند می  
 توان عکس العمل خود شورشگر را پیشتر تاخیر انداخت .

۸ - جنگ انتقالی بی یک جنگ طولانی است ؛

ماهیت طولانی بودن جنگ انتقالی حاصل نتیجه تصمیم و یا طرح استراتژی  
 هیچ یک از دو طرف متخاصم نیست بلکه این امر نتیجه ضعف اولیه شورشگر  
 میباشد . یک گروه رهبری کننده شورشگری برای آنکه بتواند یک جنبش  
 انقلابی را شکل سازد تا نیروهای صلح را بوجود آورد و توسعه دهند و قدرت  
 آترابان نیروی دشمن متعادل سازد احتیاج بر زمان دارند . بنا بر این جریان  
 صلح بسیار طولانی خواهد بود . جنگ انتقالی بی تنها وقتی کوتاه خواهد  
 بود که خود شورشگر در همان مراحل اولیه سقوط و سکه نماید . نظیر کوبا  
 که رژیم باقیست با بطور ناگهانی از هم برانگاشته و این ضلای شدن  
 رژیم باقیست با بیشتر به علت ضعف درونی خود بود تا تحت تاثیر حملات  
 نیروهای شورشگر . بعضی از موارد جریان انتقالی ب به علت موافقتیهای سیاسی

در همان مراحل اولیه میان دو طرف کوتاه خواهد بود نظیر تونس مراکش و  
 قبرس و یمن جنوبی .  
 تا با پیروزی هر یک از نیروی شورشگر در مراحل اولیه سکه نکرده و متلاشی نشده  
 است . جنگ انتقالی بی در چین ۲۴ سال ( اگر ماخذ را ۱۹۲۲ بکیریم ) طول  
 کشید در یونان ۵ سال ، در هند و چین ۹ سال ، در فلسطین ۹ سال در  
 اندونزی ۵ سال ، در مالایا ۱۳ سال ، در تونس سه سال ، در مراکش ۴ سال  
 در الجزایر ۵۰ سال ، در برمه از سال ۱۹۴۸ شروع شده و هنوز هم ( ۱۹۶۴ )  
 طولشک ضعیف و خفیف ادامه دارد .

۹ - شورشگری از آن وقت شورشگری گران تمام میشود ؛

ایجاد تروسه بینظمی یک هدف ضلکی و منعی برای یک شورشگر میباشد .  
 بینظمی ، به از هم گسیختگی اقتصادی کمک میکند و نتیجه ایجاد ناراضی  
 میکند . بینظمی باعث نقصان قدرت و تسلط نیروهای خود شورشگر  
 میگردد . بینظمی در شرایط عادی را خیلی از آن میتوان  
 بوجود آورد اما جلوگیری از آن بسیار گران تمام میشود . شورشگر خیلی  
 را ضعیف میکند بنا بر این باید تمام بلهرا را محاطت نمود . شورشگر یک  
 سینما تا رنگی پر تاپ میکند بنا بر این هر کسی که وارد مراکز عمومی  
 میشود باید تحت بازرسی قرار گیرد . وقتی شورشگر گروه ای را آتش  
 میزند فریاد تمام زارمین به او میروید و آنها را درخواست حفاظت مینمایند .  
 اگر خود شورشگر نتواند آنها را حمایت نماید ، آنها خود بطور خصوصی  
 وارد مذاکره و معاطله با شورشگران میشوند نظیر آنچه در یونان و الجزایر  
 اتفاق افتاد .

شورشیان صرفا با یک تلفن مجهول به فرودگاه و اعلام خطر از  
 نصب یک بمب در یک چندان یکی از صافترین مثلا میتوانند برنامه  
 خطوط هوایی را برهم بزنند و ایجاد جنگ اصاب نموده بسیاری از  
 برنامه ها را متوقف سازند . خود شورشگر نمیتواند نسبت به حفظ امنیت  
 بینظر نماید و کاری انجام ندهد . لذا مجبور است با بینظمی مبارزه  
 کند بنا بر این میزان مخارج او بسیار زیاد است مخارج امنیت به  
 شورشگره نسبت ۲۰ به یک و گاهی بیشتر است .

ارقام و اعداد در هر مورد و هر موقعیتی در طول جنگ انتقالی بی تغییر  
 مینماید . انگلیس با مخارج هر یک از فلسطین ، الجزایر ، مالایا به ۲۰۰ هزار  
 دلار تخمین زده اند در الجزایر دو جبهه آزادی بخش در بالاترین  
 سطح خود بین ۳۰ یا ۴۰ میلیون دلار در سال برآورد شده است  
 و این مبلغ کمتر از آنچه بود که نیروی فرانسه در دو هفته صرف می  
 نمود . هر قدر فعالیت های شورشگر توسعه یابد میزان مخارج خود شور  
 به نسبت بیشتری افزایش مییابد . این افزایش در مرحله ای بعد  
 اشباع میگردد .

وقتی شوهرگرفالیتهای تیره یعنی با هر یکی خود را میباید با چهار  
پانچ براتوسمه دهد اینطور نیست که میزان مخارج فد شوهرگر  
نیز به نسبت توسعه طبقات شوهرگرا افزایش یابد . مثلا وقتی  
شوهرگرموشی به تاسیس يك پایگاه جغرافیائی ثابت میشود نظیر  
آنچه کومنتهای چین در شمال فری چین توت مینه در تونکن  
انجام دادند مجبور است نظیر يك دولت صل نماید نظم و آرایش را  
بشدت و قدرت در نظر خود برقرار سازد تا بتواند تفاوت راند مان هزاره  
را در سیستم رژیم خود با بقدان راند مان در رژیم دشمن بطور محسوس  
بنوده مردم نشان دهد این خود مخارج اضافی برای اینوجودی  
آورد .

بعلت عدم تناسب مخارج طبقات شوهرگرمیتواند فشار يك جنگ  
طولانی را تحمل نماید . در حالیکه فشار چنین مخارجی برای فد  
شوهرگر يك مدت طولانی قابل تحمل نیست و اورا طبع میسازد .

۱۰ - سیالیت شوهرگر وجود فد شوهرگر

گنیم فد شوهرگر همه چیز دارد قدرت و نیرو، زور، ضابط  
اقتصادی و مالی، روابط بین المللی و تمام آنچه را که يك دولت  
صغیر حاکم برخوردار است . مجوسه همه اینها سرمایه فد شوهرگر  
است . در برابر این سرمایه / فد شوهرگر سلولیت هائی نیز دارد .  
شوهرگر بر عکس نه سرمایه ای دارد و نه سلولیت (۱) شوهرگر خاطر  
آنکه نه سرمایه قاطعی دارد و نه سلولیتی میتواند سیال و متحرک  
باشد در صورتیکه فد شوهرگر چهارچوب است و قادر به متحرک نیست . چه  
هم دارای سرمایه هائی است و هم سلولیت هائی . این حقیقت  
برای هر دو طرف وجود دارد . با هر دو جنجال و با خواهش و انتماس نی  
توان آنرا تغییر داد . هر يك از دو طرف باید حقیقت واقع را آنطور که  
هست پذیرفته و از آن به بهترین وجهی استفاده کند .

اگر فد شوهرگر خواهد که خود را از این وجود خلاص کند مجبور  
است که تاحدی از قسمتی از اموالهای خود را در اداره ملکت صرف نظر  
نماید و بابه عبارت دیگر از سرمایه های خود صرف نظر نماید . بکن از  
راههای انجام آن اینست که همه چیز بابه شوهرگر تحویل داده و  
سپس خود دست بطلقات شوهرگری طیه او بزند . اما هیچ فد شوهرگر  
در تاریخ جرأت نکرده است که دست به چنین راه حل افراطی  
بزند .

(۱) بهترین است در مورد داشتن سلولیت در ترقی توسعه کرد تا به

در ابه ای گارد دست باشد (۲) .

اما شوهرگر دلایلی ندارد که علاقت به وجود فد متحرک با شستنام  
قدرت و طقت وجودی شوهرگر در متحرک است . او مجبور است حداقل تا  
زمانیکه قدرت آنها قدرت فد شوهرگر متعادل بشود متحرک و سیال باقی  
بماند .

هر قدر داشتن يك پایگاه و نظیر نفوذ ، داشتن نیروهای عادی  
و تزویر گنجینه بودن با سلا حهای قوی و بدین برای شوهرگر دلچسب و  
جذاب باشد دست زدن و تکان بردن آنها قابل از موقع مناسب و در حالیکه  
شرايط خاص و عام همه نارس و نرسیده هستند باعث وجود در نتیجه مرگ  
و نابودی شوهرگر خواهد شد . قضی از شکست و سقوط کومنتهای بیژان  
ممكن است مربوط باین واقعیت باشد . آنها ريك کردند و قبل از موقع  
و نظیر نارس نیروهای خود را از فرم چریکی به شکل ارتش عادی با لژ و  
هنگ و ضربه فرمان دادند و تراز آن طبقات خود را در يك حلقه بیژان  
آزاد متحرک ساختند .

ویت مینه در سال ۱۹۵۱ در تونکن نظیر همین اشتباه را کرد

و شکست های فاحشی رو رو شد که بالاچاره بلا فاصله طرح طبقات  
خود را تغییر داد . ( این تغییرات بلا فاصله پس از برخورداری فد و  
تراز ککهای فکری چین بر قوه پوسته ترجم )

بنابر این در جنگ انقلابی ، حداقل تا زمان ایجاد متعادل میان قدرت  
و طرف . تنها يك طرف . آنهم شوهرگراست که میتواند از مزایای تاکیک  
طبقات بزن و در و استفاده کند .

فد شوهرگر هدفی ثابت و مستقر بر ضعف این طبقات هستند . بعلت  
سیالیت و بعلت عدم وجود سلولیت و سرمایه ( از زوئی که فد شوهرگر  
دارد ) شوهرگر دارای آزادی کامل در شرکت با فد شرکت در هر  
نوعی میباشد . ممكن است فد شوهرگر برای انجام و اجرای يك نبرد  
در يك مکان بزمان معینی دست به تهیه خدمات و مدارکات فرولوتسی  
بزند تمام نیروهای خود را متحرک سازد اما در آن لحظه و بعل شوهرگر از  
شرکت در نبرد شانه خالی کند و در نتیجه تمام کوششهای فد شوهرگری  
اثر نخواهد ماند .

سیالیت و متحرک راهبری يك طرف وجود فد متحرک راهبری طرف دیگر  
میتوان از زوئی ماهیت طبقات محاسبه نمود و در نظر گرفت . مثلا برای  
شوهرگر ایجاد توسعه بطنی بسیار ساده و کم خرج است اما برای فد  
شوهرگر بکن بسیار پیچیده و مشکل و بیخرج است . عوامل متعدد در هر  
پهچیده و گاهی متضادی را باید در نظر گرفت ( حفاظت و حمایت توده  
مردم اقتصادی و کسروی طبقات تهاجی طیه شوهرگر ضربه ) و متحرک  
از همه فد شوهرگر باید محتوی نیروهای خود را احاطه سازد ( نظیر

سازمانهای اداری پلیس، ارتش، تبلیغات و غیره ( )

شورشگر می تواند یک سازمان نامرتب، نخلختره و پست افی را بوجود آورد . او می تواند از ابتکارات بیسی بهره مند گردد و آنها را بنفع خود بکاراندازد . اما مخالف او نمی تواند .

۱۱ - قدرت ایدئولوژی :

شورشگر نمی تواند عظمت خود را بطور جدی آغاز نماید مگر آنکه از یک انگیزه پایه دار و پایداری برخوردار است که قادر به جلب توجه توده ملت باشد بر خود را گرداند .

انگیزه تهاجمی راه شورشگر بزرگترین مزیت او در ضد شورشگر می باشد . اگر شورشگر می خواهد که برضف اولیه خود نظریه پایه پایه یک انگیزه قوی بجهت یابد . آنگاه شورشگر شورشگر یک جامعه و کشور می تواند هر کدام چه بین یک انگیزه قوی اما مخالف هم باشند ؟ چنین امکانی بسیار ضعیف و نادر است . در جنگهای داخلی امکان آن بیشتر است . مثلا در امریکه در جنگهای داخلی جنبش ضد بزرگی با کمترین حقوق ایالات که هر کدام در جای خود انگیزه قوی بودند تصادم نمودند . در هر کشوری وقوع چنین وضعی به جنگ داخلی منجر میگردند به جنگ انقلابی .

احتمال امکان در هر جامعه ای اینست که تهاجم انگیزه قوی وجود دارد و اگر شورشگر این انگیزه را دستگیر قرار دهد و اثرات صاحب نماید آن تکلیف که آنوقت نیروی ایدئولوژیک بنفع او کار خواهد کرد نه ضد شورشگر . عموماً واکرا جنگ انقلابی حاصل ضرورتی است که در بین جامعه بوجود می آید و این ضرورتها هم توجه و اقدام انقلابی آنهاست آنکه انگیزه هائی است که برای توده های ملت دارای ارزش حیاتی میباشند . عدم توجه و یا عدم اعتقاد حکومتها به این انگیزه هائی خود حاصل ماهیت نظام حاکم بر جامعه میباشد و توجه جدی و ملی باین ضرورتها منجرت با وجود نظام موجود پیدا خواهد کرد . بنابراین ساله جنگ زمین یک انگیزه قوی در جامعه ای که بالقوه آمادگی انقلابی دارد تنها و تنها از جانب شورشگر امکان پذیر است نه از جانب ضد شورشگر .

در یک جامعه ای وقتی ضد شورشگر یک ایدئولوژی شورشگر در بنامیک روبرو شود چارای هر جنبه نشینی نه اشتمال نتیجه جنگ جز شکست او نخواهد بود . هیچ یک از تکنیکها و هیچ یک از تکنیکها به هم میزنند و هر طرفه ارفاق و ترمیم و اجابتگری نقش ایدئولوژیک او نخواهد بود . در جنگ انقلابی نقش و اثر انگیزه انتخالی در مراحل اول بسیار مهم و قوی است اما به تدریج که جنگ توسعه مییابد خود جنگ یک موضوع و محور اصلی میگردد آن انگیزه اولیه در نتیجه نظری اهمیت خود را از دست میدهد . ( در اینجا باید توجه داشت که ایدئولوژی

انگیزه نیست . انگیزه آن بهانه ای است که شورشگر آنرا وسیله تمام قرار میدهد . اما ایدئولوژی انگیزه اصلی شورشگران در دست زمین بیک چنین عملیاتی است که فلسفه حیات آنهاست زمینهای برنامه های آینده آنها میباشند . در تحریک امتیازتوتون و تهاجم در ایران ایدئولوژی جنبش طریز نفکار اسلامی و انگیزه ان مخالفت با تسلط اجنبی و فریض سلمان بر هندرات مردم بود . در نهضت ملی ایران وجهه ملی اولیایه با شرکت غاصب نفت انگیزه بود .

نوعی است که تفاوت میان ایدئولوژی و انگیزه اولیه و نقش هر کدام را در جنگهای انقلابی نشان میدهد بسیارند . انگیزه اولیه ممکن است اثر خود را از دست بدهد و در طی جنگ انگیزه های جدید و شاید جذاب تری مورد استفاده شود و فراتر برود اما ایدئولوژی همچنان تا پایان جنگ وقتی بعد از پیروزی شورشگر تا زمانی که اوضاع حاکم باشد ارزش و اهمیت اولیه خود را خواهد داشت .

اینطور نیست که انگیزه به تنهایی عامل جذب و جلب توده مردم باشد . در ابتدای کار انگیزه اولیه بسیار مؤثر است اما برای جلب یک گروه از مردم . در اواسط جنگ انقلابی بی برای توده مردم مسئله اضمت خود آنهاست و ترس از هزسته بدی . ایننگه که اهل ساز و طرف جنگ حفاظت و حمایت بیشتری را بآنها تقدیم نماید یا کدام طرف بیشتر تهدید نماید ، در جهت تیری مردم عامل مؤثر خواهد بود . البته وقتی وجه ملی بودن - راندمان داشتن - جواب گویی به احتجاجات معنوی ضربه همه با هم توأم نندند ، اثر آن در جلب مردم بیشتر خواهد بود .

۱۲ - تبلیغات، اسلحه بکفره :

وضعت آسای شریک ( ناهماهنگی Asymmetry ) میان شورشگر و ضد شورشگر اثرات بسیار مهمی در تبلیغات دارد . گفتم که شورشگر مستقیمی ندارد . بنابراین او در یکا بردن هر نوع تبلیغات و حمله های تبلیغاتی آزادی بیشتری دارد . اگر ضرورت ایجاد نماید او میتواند دروغ بگوید . حقه بزند و یا مبالغه نماید . او میبویست آنچه را میگوید ثابت کند . در باره آنچه وده میدهد قضاوت میکنند نه آنچه انجام میدهد .

( در اصل این امر صحیح نیست . چنانچه خود نویسنده بعد از سه ساله املا اسرای جنگی بیان میکند . میباشند در باره نگاههای آزادند آنها میگویند باز در باره راندمان، جلب توجه توده هارا بنامند حاکم از آن است که توده مردم دارای درک عقلی بوده و مسائل را احساس کرده و از روی اصل قضاوت مییابد و در هر چه از جنگهای انقلابی نی توان

بصرف حرف پشیمان ندانن نمونه ای از اصل موفق به جلب توده ها شد. از همان اولین قدم بدان، میدان مظاهره است. توده مردم کسانیراک برای ضامن جامعه یا حداقل برای آنچه بدان محققند از آن وصال و فرزندان خود دست کشیده اند با کسانیکه جزو شهرت، چیل و نظام و ضامن فردی و شخصی یا طبقاتی هدف دیگری ندارند و می بینند که این اشخاص صلا حتی حاضر نیستند برای آنچه که بدان علاقه میباشند (حکومت برجامه) بایستد و تجربه با آنها نشان داده است که "اولین فرصت فرار برقرارتر جمیع میدهند، مظاهره میکنند. آنگاه توده مردم بدنهال کسانیکه میروند که دم از مبارزه بزنند، اما خود سرنا باغری و گرفتار و لایق حیات مادی هستند؟

تاریخ همه ظل و ملت مانع های زنده ایست از جواری که توده مردم روی عطل قضاوت میکنند. آخرین تئوری جامعه شناسی میگوید "جامعه توده مردم بصورت جمع نظیر افراد منفرد دارای ضمیر یا ضمیر (کسیانس) میباشد. با همین وجدان و با ضمیر ارگانه قضاوت میکند." (مترجم)

با توجه به وضعیت آس شریک در وطنی جنگ انقلابی و تبلیغات یک سلاح یکطرفه در دست شورشگر است.

حتی بدون یک سیاست مثبت و پایه داده اما با یک تبلیغات خوب و پایه در از شورشگر احتمالاً میتواند پیروز گردد.

ضد شورشگر محدود و بواسطه مسئولیت حال و اعمال گذشته خود

میباشد. برای اویزیت باوقالیق پرسرود انرولند ترصمیت کرده و قضاوت میکنند. او را آنچه انجام میدهد میسجندنه با آنچه میگوید. اگر اوردوغ بگوید. حقه بزند و میبانه و گرافگولی نماید، اما نتواند ثابت کند

صکن است بعضی موفقیتهای نسبی و موقتی بدست آورد اما بقیه از دست

دادن اعتبار خود. اوقتی میتواند حقه بزند که ساختمان سیاسی او یک

پارچه و یک دست باشد. و گرنه مخالفین قانونی اورد دستگاه خود او به

زودی و سرعت مانورهای همگولویک او را برملا و آشکار خواهند کرد. برای

ضد شورشگری و با گاند و تبلیغات نمیتواند یک سلاح برارزش باشد. ارزش

آن فقط در حد انتشار اخبار و اطلاعات میباشد نه در سطح گول زدن و تحمیل

و انحراف مردم. خیلی بندرت ضد شورشگر میتواند با تبلیغات یک سیاست بد

و طوطی سیاسی را که اصلا وجود ندارد پنهان کرده و آنرا آرایش دهد و

با بر آن سریش گذارد و این حاصل ماهیت و ساختمان ضد شورشگر است.

۱۳ - جنگ انقلابی. نا پاهای غیر عادی (UNCONVENTIONAL) باقی میباشد.

هر چند ظاهر اینطور بنظر میرسد که هرگاه شورشگر قدرت کافی بدست آورد و نیروی قابل توجهی تشکیل دهد، جنگ انقلابی غیر عادی به نوع جنگ

عادی (CONVENTIONAL) تبدیل خواهد شد که در آن هر یک از دو طرف مخالف قسمتی از هم را کپیورت امت نفع خود دارند و لزوماً جملات خود را طبقه قلب در گه دایت میکند. اما اینطور نیست. اگر شورشگر مشکلات استراتژیکی خود را بخوبی درک کرده و فهمیده باشد، جنگ انقلابی هرگز یک جنگ عادی تبدیل نخواهد شد.

در مرحله اول، خطی ارتش عادی توسط شورشگر معنایش آن

نیست که فعالیتهای چریکی و خرابکارانه خانه پذیرفته است. بلکه

برعکس هم از جهت وسعت و هم عمق شدت میباید متابتوانند عملیات ارتش

عادی را تسهیل کرده و اثرات آنها را ضمیمه نمایند. دوم آنکه شورشگر

از همان آغاز کار توده مردم را در جنگ بیوزاع شرکت داده است و آنها را به

کسبه است شرکت فعالانه مردم در حقیقت عامل تعیین کننده برای

پیروزی او برده است.

تشکیل کردن و مجهز کردن مردم در اردوی شورشگر دارای مزایای

تعمین کننده ای بفتح شورشگر است. استفاده از چنین مزایایی است

که بنیروهای عادی شورشگر تحریک و سیالیت میدهد.

دلایلی وجودند ارد که شورشگر از این سرمایه بدست خود صرف نظر نماید،

چیزی که ضد شورشگر نخواهد توانست بدست آورد.

تازمانی که شورشگر کنترل توده های مردم را در دست دارد او امکان آزادی

فقط در آن نبردهائی شرکت خواهد کرد که نفع آن برایش مسلم باشد. نه

آن نبردهائی که ضد شورشگر آنها را ترتیب داده و خواهد شورشگر را آنجا به

میدان بکشد. در ۱۹۱۷ نیروی کومین تانک در چین دست

یک حمله تهاجمی علیه پیمان (YISHAN) پایتخت کومینسها

در منطقه شنزی شمالی (SHENSY) زدند. نیروهای

کومینست حاضر در شرکت در نبرد بر اساس نقشه کومین تانک نشدند.

نیروهای کومین تانک بدون کترین اشکالی شهر را تصاحب کردند.

حکومت کومینستی و نیروهای عادی بدون کترین مقابله با دشمن

نام ضلعه را تخلیه کردند. اما بزودی آنها نبرد خود را بر اساس برنامه

و تاکیکهای خودشان آغاز کردند. توده های مردم سر بازاران گارد

طی (جنگجویان غیر نظامی) گروههای کوچک چریکی و نغزات

و سر بازاران محلی به حملات عاجز کننده و ستوری علیه کومین تانک

دست زدند. هماهنگ با این عملیات نیروهای عادی کومینستی که

منطقه را تخلیه کرده بودند خطوط ارتباطی کومین تانک را که شمال

راناسیان (SIYAN) بهم وصل میکند مورد حمله قرار دادند.

کومین تانک قادر به تحمل حملات و ادامه جنگ نشد و اجباراً عقب

نشینی کرد. کومین تانک بدون آنکه چیزی از این حملات کسب

کرده باشد، در بسیاری از مسائل باخته بود.

در ۱۹۰۴ نیروهای فرانسوی در هندوچین بیه سربازی از اخلالات طالبانی فرمانده بیت مینه دسترسی پیدا کردند. مطالعه این امرای حاکی از آن بود که فرمانده بیت مینه در قضا حساب کرده بود که آید در رهرویت مینه و تأسیسات ثابت و مابایگامهائی ثابت که دفاع از آنها ارزشی داشته باشد وجود دارد یا نه؟ جواب منفی بود. در همان سال در رهرویت مینه در شمال غربی هانوی فرانسوی یک انبار بزرگی از گامین و وسایط را که بدین دفاع رها شده بود تصاحب کردند. مجموعه عوامل و واقعه‌های بالا نشان می‌دهد که چرا یک جنگ انقلابی با تاپانان، جنگی از نوع جنگهای عادی نخواهد بود.

آنچه در بالا بیان شد مشخصات عمومی جنگ انقلابی را باجمالی نشان می‌دهد. این مشخصات حاصل ماهیت طبیعت این نوع جنگ می‌باشد. شورشی‌ها در شورشی، هر گام که عطیات جنگی خود را اخلال ف هریک از این مشخصات طرح ریزی و اجرا نماید، خلاف طبیعت و مشیت عمل کرده و مطلقاً شانس موفقیت آنها بسیار ضعیف و یا صفر خواهد بود.



## فصل دوم

### شرایط لازم اولیه

#### برای يك شورشگري پيروزمندانه

اكثر شورشگري‌هاى سالهاى اخير ناشى و حاصل ويرايش و وضعيت و شرايط انقلابى مى‌بوده كه بطور بالقوه بر جامعه حاكم بوده اند. و اين وضعيت انقلابى در تحت شرايط مناسب و مساعد بخودى خود ضعيفتر شده اند. اين انفجار اثراتى باقى گذاشته است كه از مجموع تمام اين اثرات محضتر پيروش و تربيت گروهى از رهبران دردمان خود ميشناسد. و اين رهبران هستند كه بعد ازاى سازمان و اجراء عطيات نورش كرى ميروند. با توجه باين حقيقت: انتباه است اگر تصور كنيم كه شورشگري به اصرار نتيجه ايتكارا نمايلت وانگيزه‌هاى شخص رهبرانى است كه جنبش را بوجود آورده اند به عبارت ديگر فرض و تصوراينكه يك جنبش شورشگري پديد آيد اى تخصصى و محصول كار جمع معدودى باشد غلط است. براى روشن شدن مسئله فرض ميكنيم كه در كشورى گروهى از عناصر ناراضى در حاليكه از كليه مشخصات رهبرى برخوردار هستند، مجذوب بسيارى از موفقيتهاى بهت سالها شورشگران اخير كشورشان بوده و با الهام از مبارزات گذشته و در حاليكه از تمام مشكلات استراتژيكي و تاکيكي مستتر در اين نوع عطيات آگاه بوده و بر آنها توجه دارند، تصميم ميگيرند كه نظام موجود را از طريق شورشگري سرنگون سازند.

شانس و موفقيت آنها، با توجه به برترى مادي خود شورشگر در موقع آغاز عمل، بطور آشكار و ضمير قابل انگاري وابسته باين خواهد بود كه آنها واجد شرايط اوليه مسلمى هستند يا نه؟ منظور از اين شرايط اوليه چيست؟ و اما اين شرايط يك «بايد و ضرورت» ميشناسد؟ به عبارت ديگر شرايط لازم و ضروري اوليه براى يك شورشگري پيروزمندانه كه استند؟ شناخت اين شرايط و درك و توجه و تجزيه و تحليل معني آنها نشان ميدهد كه يك گروه چه احساس و زخم پذيراست، و براى عطيات شورشگري بالقوه آماده است. با آمادگى دارد. اين شرايط بشرح زيرند:

اول: انگيزه. دوم: ضعف ضد شورشگر. سوم: شرايط جغرافيايي. چهارم: حمايت و كلك خارجى.

اول - انگيزه پسا محسوس

بطور كلى منظور ما از انگيزه يا محرك، هر نوع حركت يا نهضت مردم پسند ما است كه مردم بدان علاقه مند بوده و آنرا حمايت و تقويت ميكنند.

الف - ضرورت انگيزه: چگونه شورشگري را آماده و راست كه بتواند توده هاى

مردم را از ضد شورشیگرچه اسارت آنها را کنترل برهبری نموده و مجبور سازد؛ با یافتن طرفدارانی در مردم، مردمی که خواه بصورت شرکت فعالانه در مبارزه و با بصورت تآك، ضعیضی، ضعیضی، شورشیگرا تآئید و تقویت مینمایند.

برای يك نهضت آزاد بیخش که هدف کوششها و فعالیتهایش فقط ایجاد در سرمایه‌داری تصویر برای دشمن میباشد؛ اولین و اساسی ترین احتیاجش برخورداری از يك - انگیزه - و یاد ستاو و یز جذاب مردم پسند و جالب میباشد بخصوص بانوچه بانیک طرفداران اولیه و ضاهرفعال کسانی هستند که با يك ایمن و اعتقاد قوی و محکم سر باز گیری خواهند شد. شورشیگرها بر خورداری از يك انگیزه منطقی و واقعی، از يك سرمایه بسیار قاطع و قابل لسی برخوردار است که میتواند آنرا مستورا بصورت يك قدرت عریقابل شکستی تبدیل سازد. گرچه گروه معدودی از ضاهرفعال اگر که فایده يك انگیزه باشند میتوانند با يك توطئه خوش شانس قدرت را در دست گیرند. و در تاریخ نظارت آن بسیار اتفاق افتاده است، اما این دیگر شورشیگری نیست بلکه توطئه است که بحث آن جداست. آن چیزی که مانع میشود تا يك سند یگانه از جنايتكاران حرفه ای باتمام قدرت سازمانشان برای تصاحب قدرت، عطلی انجام دهند فقدان همان انگیزه و معرك نموده ای میباشد. چه آنها میدانند و تشخیص داده اند که فقط جنايتكاران حاضر به تمهیت از آنها خواهند بود.

شورشیگری سالهای ۵۰ - ۱۹۵۰ کمونیستها در یونان يك مورد و نمونه كلا سیک کامل از مجموعه تمام اشتباهات و نواقصی است که يك جنبش شورشیگر ممکن است مرتکب گردد. نمونه ای از سقوط و شکست است که در میان دلایل بسیاری که وجود داشته و چندان مهم نبوده اند بهترین و اساسی تر از همه عدم برخورداری از يك انگیزه دلچسب و مردم پسند بود.

حزب کمونیست یونان ( K.A.M ) و ارتش حزب ( E.O.A.S ) در طول جنگ جهانی دوم که سر تا سر خاك یونان در اشغال نیروهای مهاجم هیتلری بود بوجود آمد و در طول مقاومت مردم یونان بر طبقه اشغالگران رشد نمود. در چنین دورانی انگیزه قانع کننده ای برای جنگ و مقاومت صلحانه وجود داشت. اما به محض اینکه جنگ تمام شد و ارتش اشغالگران به یونان رانده شد یونان آزاد گردید. حزب کمونیست نتوانست يك بهانه و انگیزه قانع کننده ای برای ادامه جنگ ارائه دهد.

یونان دارای صنایعی است مختصر. لذا طبقه کارگر وسیع نیست. در یونان شکل اراضی زراعتی حاد که بتواند دستاو یز را بر گیرد وجود نداشت. سرمایه داران یونانی که معمولا سرمایه های خود را از خارج

از یونان تهیه دیده اند؛ بجای آنکه مورد تنفیذ و باز جبار قرار گیرند؛ مورد احترام بودند. در یونان فشار طبقاتی وجود نداشت. زیر و بار داری بسیاری ممکن است پسر خاله مستخدم يك کافه باشد. اما علاوه بر اینها حزب کمونیست دچار يك اشتباه تاکیکی بزرگی نیز شده است. حزب کمونیست با بلخارفارهاك دشمنان قدیمی یونان هستند و با یوگسلاوی که قسمتی از شمال مقدونیه را در بر میگیرد. با آلبانیهاك یونان بسیار قشعی از سرزمین این روس ( APYPOC ) واقع در گلبانی را در بر میگیرد کرده اند متعهد شدند. بانوچه به احساسات ضد بد ملی گری ( ناسیونالیسم ) در شبه جزیره بالکان این ضد شدن ها هو همگان بهانه و وجهه حزب کمونیست یونان چیزی اضافه نکرد.

در پایان جنگ کمونیستها تمام قدرت خود را متمرکز کرده و با استفاده از موقعیت جغرافیایی زمین در منطقه عملیات، یوزهای رفت و آمد به داخل سرحدات کشورهای هم پیمان نتوانستند دست به عملیات صافه دار ( کاندو ) بزنند نه عملیات چریکی. واحدهای سیاسی نامحور نفوذ در مردم در مواردی که وسیله ای برای تهیه مردم به تقاری در دست نه داشته خود را مجبور میکنند که پنهان سازند.

عملیات آنها از زمانی ادامه داشت که ارتش آنها ( E.L.A.S ) که ارگانش تمام نشده بود. در بسیاری از موارد نقرات چریکی نیز وسیع مینمیدند و چریکهاك ظاهر رومیه بوده و علاقه ای به جنگ نداشتند. موضوع خطر کمیسر سیاسی را در پشت سر خود کترا احساس میکردند فرار کرده و به نیروهای ملی می پیوستند. اما طاعت ادامه طولانی جنگ و ضعف ابتدایی دولت یونان بود. در موقع شروع انقلاب مجبوره نیروهای عادی دولتی فقط مرکب از يك بریکار بود که با ناطاقی متفقین در صحنه جنگ به پترانه جنگیده بود و از نظر تمدن ادب مراتب کترا از شورشیگران بودند. بیزوی که ارتش توسط انگلیسها و آمریکاها تبه بد سازان یافت و قوی شد؛ فرماندهی ملی صرفا باصل نظامی ضاطق آلوده را قضاقت به قسمت تصفیه نمود و سپس ضاطق تصفیه شده توسط جنگجویان غیر نظامی گاردهای ملی محافظت شدند. این عمل ایجاد اشکال زیادی نمود چه مردم بطور آشکار و شخصی ضد کمونیست بودند. و فرماندهی ملی نتوانست با آنها اعتماد نماید.

ب: سنجش استراتژیکی انگیزه؛  
در ترمیم بهترین انگیزه برای هدف و منظور شورشیگری آنست که بتواند حد اکثر افراد را بطریق لری جلب نماید و حد اقل مخالفین را بوجود آورد. بنابراین در يك کشور عقب مانده و نیمه مستعمره ساقی که دهقانان را جلب نماید انگیزه های خوبی هستند. يك نهضت سیاه پوستی که میگوید در وطنی مثل آمریکا که ۲۰ میلیون نازک ۱۶۰ میلیون نفر

سیاه هستند شکل سیاهان را انگیزه می‌باید و اساس نهوش خود قرار دهد. از همان آغاز محکوم خواهد بود. اما با همین انگیزه در آفرینای جنوبی که ۱۱ طین سیاه و ۱۱ طین سفید هستند؛ شانس بعضی چنین جنبش‌سازیدار خواهد بود. کسب استقلال کامل و نابودی استعمار راکوهای آنگولا، کنگو، دکن و جزایمیک و غیره انگیزه و محرک بسیار خوبی است. واضح است که شورشی‌ها به‌توانند عامل انگیزه را بطور دقیق و کامل باخاف و ملاحظه اکثریت مردم تطبیق داده و خود را با آن شخص و معرفی نماید. در مالایا استقلال از انگلستان انگیزه انتخابی شورشگران بود. ۱۹۰۸٪ اعضای حزب کونیست مالایا چنین بودند. نمرود بوسی مالایا. در نتیجه مردم اکثریت بشورشگری و حزب کونیست به‌ظلمت و بطرف ماندند. در کما (KENYA) نیز داستان مشابه اتفاق افتاد. البته اطلاق شورشگری بآنچه در آنجا اتفاق افتاد کمی قابل سکوت است. چه نحوه عمل نسبت به استناد دارد جنگ انقلابی بسیار خام و نارس بود. درخواست استقلال تنها توسط یک قبیله بنام کی کویوس (KIKOYUS) مطرح و تقویت گردید و هیچ قبیله دیگر آن حمایت ننمود. (در کشور خودمان میتوانیم نمونه‌هایی از گذشته ۳۰ ساله ذکر کنیم. شمار موازنه مثبت حزب تودمین بر ارضای امتیازات سابه شرکت فاضل نفت جنوب بوسه در شمال و امریکاییها در کرمان و بلوچستان به‌طور ایجاد موازنه مثبت، در برابر سیاست موازنه منفی دیگر مدعی‌هایی بر ضم و آذاری هر نوع امتیازات خارجی و استغای حقوق ملت ایران از شرکت نفت و تزیلی کردن صنایع نفت سکست خسورد. مترجم)

برای آنکه انگیزه بتواند بطور کامل جلب توجه تمام قشرها جامعه را بنماید. باید آن چنان باشد که غرضشگر نتواند آن را مستحکم و دستاویز قرار دهد. و اگرخواست چنین کد به‌بهای از دست دادن قدرت خود اتمام شود. و چون این قدرت آن چیزی است که غرضشگر برای حفظ آن می‌جنگد لذا قادر نخواهد بود که انگیزه را به‌بانه و محرک قرار دهد و می‌باید عبارت دیگر رسیده ترا چنگ زدن به انگیزه نیز شورشگر را خلع سلاح نماید. اصلاحات ارضی یکی از انگیزه‌هایی است که میتواند مورد استفاده غرضشگر نیز قرار گیرد. در همین انگیزه‌هایی دهقان و اصلاحات ارضی محرک قابل توجهی برای شورشیان بود. اما پس از خاتمه جنگ و سکست واپس و کسب استقلال قلمین وقتی دولت اراضی را میان زمین تقسیم کرد و هر کجا (هوک بعضی دهقان است) که طرفداران اصلی

شورشگران بودند، صاحب زمین شدند؛ شورشگران بازی را باختند چه دولت انگیزه آنها را دستاویز قرار داد. آنها را خلع سلاح نمود. جامعه مشابهی حزب کونیست مالایا را در هم کوبید انگیزه کسب استقلال بود. وقتی انگلیس‌ها خودشان استقلال مالایا را وعده کردند و یک تاریخ قاطعی برای آن مشخص نمودند؛ دیگر انگیزه استقلال نمیتوانست کافی برای ادامه جنگ مسلحانه باشد (نسبت به مثال دوم تمهید استقلال دکن پس از سه سال. خارج شدن نیروهای انگلیس از بلخ و همچنین برکاری سلطان سان و سقط). بالاخره انگیزه باید قابل دوام بوده و موقتی نباشد. اگر که نمیتواند برای تمام دوره جنگ انقلاب کافی باشد باید حداقل تا زمانی که شورشگر نتواند بآن حد قوی برسد که روی پای خود بایستد، استمرار پیدا کند. توجه به این امر انواع انگیزه‌های استراتژیکی را از انگیزه‌ها تاکیکی و انگیزه‌های قوی و وسیع را از انگیزه‌های موقتی که حاصل مشکلات زودگذر است جدا و مشخص می‌سازد (نظیر انگیزه‌های زودگذر نظیر ترقی قیمت ها که بود مواد غذایی خشکمانی و مصلحتی و غیره میباشد.)

### ج- ماهیت و طبیعت انگیزه :

یک شکل سیاسی چیست؟ یک ناراضی و مخالفت حل نشده؟ (جواب مائوسه تونگ). اگر این پاسخ را به‌یوم آتوتک انگیزه سیاسی عامل بر ترو قابل توجهی خواهد بود. به‌بابت دیگر آنجا که هیچ مشکل و مسئله‌ای وجود ندارد انگیزه‌ای نمیتواند دست‌آویز قرار گیرد. اما همیشه در هر کشوری مشکلاتی وجود دارند. آنچه که یک کشوری را احساس و زخم پذیر نسبت بشورشگری می‌سازد مصلحتی حادث بودن مشکلاتی است که وجود دارند مشکلات او هر نوع و طبیعتی که باشند قابل استفاده و بهره‌برداری برای شورشگری می‌باشند و میتوانند انگیزه‌هایی که واجد شرایط بالا باشند ایجاد نمایند. مشکل ممکن است سیاسی باشد که بوضعیت داخلی یا بین‌المللی کشور مربوط بشود. دیکتاتوری یا بنسبت رده‌شورشگری که با خطه‌ها این سه چیز در انقلاب چون نمونه‌هایی از مشکلات سیاسی هستند. بطور کلی در هر کشوری که قدرت در دست یک گروه معینی مضمحل شده باشد خواه بوسی مصلحتی یا خارجی و بیگانه زمینه بر طرفینی برای یک جنگ انقلابی وجود دارد. مشکل ممکن است اجتماعی باشد. نظیر اشتراک طبقاتی از طبقه دیگر یا محرومیت قشری از جامعه از هرگونه امکانات برای بهبود وضع. این مشکلات از زمان مارکس مورد تجزیه و تحلیل کامل قرار گرفته‌اند و احتیاجی به اضافه کردن مطلبی

در اینجانب دارد. مشکل مخصوصاً وقتی حادث می‌شود که جامعه قشری از اکثریت توده مردم را با بهرمت سطح تعلیم و تربیت با بهرمت درآمد با هر طریقی نتواند در خود بگیرد و پدید آید. نقطه های شورشگری در میان این اکثریت منعقد شده و در هرمان خود را از این توده ها پیدا خواهد کرد.

مشکل ممکن است اقتصادی باشد نظیر کمی قیمت محصولات کشاورزی در مقابل به محصولات صنعتی؛ یا کمی قیمت مواد خام به محصولات تهیه شده؛ یا واردات محصولات خارجی بجای توسعه و تکمیل صنایع ملی و بالاخره استثمار جدید بزرگترین شکر مشکل اقتصادی را امروزه نشان می‌دهد. مشکل ممکن است مذهبی باشد نظیر یهودیان اگرچه جمعیت در آنجا بطور مساوی از مسلمان و مسیحی تشکیل شده است.

مشکل است که مشکل فرهنگی باشد نظیر تمدن زانها در هند که اکثر ایجاد تحریکات و تشنج‌هاست.

گاهی اوقات مشکل می‌تواند باشد اجتماعی باشد و سپس به صورت یک مشکل واقعی در آید. یک ماشین تبلیغاتی مؤثر می‌تواند یک مسئله ذهنی را به حقیقی تبدیل نماید. حادث بودن یک مشکل البته کارشورگرها بسیار تسهیل می‌نماید اما الزاماً ضرورتی ندارد که مشکل حادث باشد.

اگر چنانچه مشکل نارضایتی باشد قابل است اولین وظیفه یک شورشگر آنستکه قضا را در این زده و آنرا حاد نماید. بالا بردن سطح آگاهی سیاسی مردم یک طریقه است. ترویج ممکن است سر بهترین وسیله برای حادث کردن بعضی مشکلات باشد.

دیپلماتوری با نیت ساختن خود و ناگهانی فریاد تحمل برای مردم گویاننده بود. گویاننده‌های قبل نیز در تحت دیپلماتوری های مختلف منجمله حکومت اول خود با نیت سازندگی کرده بود. گویا

در سال ۱۹۰۸ طریقه هم تناسب فراوان در تقسیم ثروت، کسری نداشتند بود. اگر چنانچه گاستور پرفر ارایش موضوع دیپلماتوری با نیت را بطور غیر عادی طرح نمی‌کردند و بطور موجدانه ای به مخالفت و

مبارزه خود ادامه ندادند با نیت تا ممکن بود سالهای سال بحکومت خود ادامه می‌داد.

د - هنر اداره تا کیکن انگیزه:

شورشگرها به وجه مجبور نیست که انگیزه را مستصک قرار دهد گاهی اوقات انتخاب یک انگیزه کمی نظیر "شادانگاری" به تنهایی کافی خواهد بود. زیرا چنین انگیزه ای تمام محرکات و انگیزه های

مذهبی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، و ترویجی را که شرح دادیم همه را با هم توأم نموده و در خود مستتر کرده است و شامل همه آنها می‌گردد. گاهی اوقات واگرا شورشگرها با انتخاب انگیزه های متعدد و پیچیده آنگاه می‌تواند گروهی را مخفی جامعه را بخود جلب نموده و قدرت بیشتری کسب کند.

فرض کنیم که یک چنین جنبش انقلابی از کارگران و دهقانان فقیر دهقانان میانه حال مضمی، صنعتگران و علاوه بر روزی طی و سرمایه دارانی که از سازمان اداری و تشرفات دولتی و تجار و اقتصاد امریالیزم زبان می‌بینند تشکیل شده باشد شورشگرها به

با تمام آنها رو می‌شود و حمایت آنها را جلب نماید. انگیزه باید تا همین کفنده این هدف باشد. از آنجا که اتحاد "طبه" همیشه آسان تر از اتحاد "برای" و یا "کمیسیاس" مخصوصاً در آنجا که جنبش دارای محتوی بسیار متفاوتی باشد محرک و انگیزه با احتمال بسیار زیاد یک شمار ضعیف خواهد بود. چیزی نظیر "سپهبد" یا "سپهبد" را سرنگین کند.

که در همین ملاحظه این "سپهبد" همانجا که یک ورتجیحی کومین تانگ، خوانین بزرگ، سرمایه داری بزرگ، کاپیتالها، کاپیتالها و کاپیتالها

امریالیسم " و مالکین بزرگ بوده اند. چون گفتیم که شورشگرها به هر یک از عناصر ترکیب دهنده جنبش را جلب بنماید انگیزه مختلف ایجاد نماید شامل عوامل سازنده ای باشد. برای کارگران امید به جامعه بی طبقات و حکومت کارگری، برای دهقانان زمین، برای دهقانان میانه حال طلبانهای منصفانه، توسعه تجارت و صنعت، حمایت و حفاظت در برابر رقابت امریالیسم.

هیچ چیزی شورشگر را مجبور نمی‌کند که اگر یک محرک جالب توجه و رضامت تر دیگری پیدا کرد و یا موجود آید و یا امکان دست زدن بدان را داشت همان انگیزه اولی بچسبند و بدان اکتفا کند.

در چین کومینتسها در سالهای (۲۰-۱۹۲۱) برای جلب حمایت کارگران ابتدا قیام مارکسیستی بسیار شدیدی بخود گرفتند. سپس آنها در انگیزه ملی کومین تانگ که صارت بود از "اتحاد چین طبه خدایان جنگ" شرکت کردند.

(۲۷-۱۹۲۰) پس از بهم خوردن اتحاد میان کومینتسها و کومین تانگ کومینتسها به اروسیمی بنفع دهقانان، کارگران را فراوان کردند و از اصلاحات ارضی بروشی تند و شدید و سریع طرفداری نمودند. سپس در سالهای (۳۱-۱۹۲۸)

شده کومینتسها بهبه واحد ملی را طبه و اینها تا به وقت کومینتسها (۴۰-۱۹۲۳) - در این دوره سیاست اصلاحات ارضی آنها بسیار



این است که در اشکای کامل بتوانند خود را حفظ کرده و بطور کلی ضرر فعال خطر فرجه‌های ضابطه بهتری باشند .

هستند کسانی که خراب ایجاد شور و شکر و اندر کسریهای کوششی می بینند و میگویند "آباد راتجامردم از دم صفرتیستند؟" برای روشن شدن ذهنی و تفسیری از ساختمان سازمان سیاسی این قبیل کشورها بمان چند مثال طیف است .

در شهر کانتون در چین در سال ۱۹۰۴ هجری ای خانم پوری را مشاهده می‌شاید که بگره خود بزیج می‌دهد خانم هجری فرانسوی صاحب گرته رفته می‌گوید - من متاسفم که مجبور هستم در گزارش خودم در جلسه خیابان بعدی عمل شرط را اطلاع بدهم . بیژن پرسید چرا؟

چونکه بزج جوهر بندی است و شما آنرا بدین بگره خود ( در حالیکه میلیونها انسان احتیاج دارند ) تلف می‌کند . اما اگر شما گزارش بدهید آنها جوهر بزج مرفوع خواهد کرد . شرط را فاضلی و سکوت نمی‌کند؟

فرض کنید یک عضو دیگری شماره بد و گزارش داد . آنوقت بیژن که هجری شاهتم چه خواهد آمد؟ که چرا اول من گزارش نداده ام ؟ من دوست شاهتم اگر آنها جوهر شماره قطع کردند من نصف جیره خود را ب شما خواهم داد .

در میان سال ۱۹۰۲ یکی از اربابان جزیره هی نان ( HAINAN ) که سابقان دراز در آنجا ساکن بود از آنجا اخراج شد و رفتی به هنگ کنگ وارد شد گزارش داد که دهقانان شدیدی آنرا می‌تفرستند و شواهد بسیار و اطمینان بخشی را ارائه داد . او بعد اغا طر نشان ساخت که طبقین ( نیروها ) چنانکه یک در بار کوشیدند که جاسوسی در این منطقه با پاراشوت ( چتر نجات ) بفرستند اما هر دو مورد جنگ جهانی غیر نظامی و شکر گردان مصلحی ای متوجه هواپیمایاراد رشب شنیده و باراشوتها در حال نزول مشاهده و نظام خطر نبودند جاسوسان چین طی بعضی فرود آمدن توسط دهقانان مسلح دستگیر و تحویل داده شدند . از این مرد ایرانی سوال شد که آیا در میان داستان شما مورد تفریق دهقانان آنرا هم با رویه جنگ جهانی سطحی تافلسی وجودند ارد؟ چرا آنها سکوت نکردند؟

ا توضیح داد که شما خودتان را جای یکی از این جنگجویان غیر نظامی بگذارید و بگویند بدانند که سایرین علامت خطر ندیدند؟ اگر آنها با بدین پاراشوتها اقدام خطر کردند و لو سکوت کرد بیژن بعد که طهوران کوششی برای تحقیقات معمولی بعد از حادثه می‌باید اینها یک خطر جدی می‌بیند و خواهد نشد در جولای ۱۹۰۲ در طول جنگ کره، چین طی تصمیم می‌گیرد که بسوزین

اصلی حمله کند آنها هدف حمله رانشه جزیره کوچک تنگ شان اقتضاب کردند . شبه جزیره مذکور دارای بیشتر تنگهای طبیعی و در سواحل فوکن ( FOKIEN ) واقع بود . پادگان کوشینته در محل عمارت از یک گردان عادی با خانه هزار جنگنده غیر نظامی بود . طبقین تصویر می‌کردند که در موقع حمله جنگجویان غیر نظامی بطور جدی جنگ نخواهند کرد . حقیقتا هم اطلا تابع که می‌دید همه از دل بی بی مردم از کوشینته آشکای می‌کرد . بر ناه حمله این بود که یک تنگ چتر باز در محل فرود آمد و گردان دشمن داخل سلاح ناپدید می‌شد و دهانه شبه جزیره را انفجار می‌کند

کنترل آن رابطه شبه جزیره را با سوزین اصلی قطع و مانع رسیدن ککهای بعدی می‌شود . سپس در مرحله بعدی نیروهای بیشتری از دریا پیاده شده عملیات گردان چتر باز را ادامه و مخالفت را متوقف می‌کند . بعلت اشتباه در محاسبات و در بر آورد وضعیت محل ساحلی، پیاده شدن نیروهای دریایی با تاخیر افتاد . گردان چتر باز بالاچاره تنهایی در برابر فشار حملات مخالف ایستادگی می‌کردند .

جنگجویان غیر نظامی برخلاف انتظار عمل می‌کنند . چگونه آنها می‌توانستند بنمود دیگری عمل کنند در حالیکه می‌دانستند عمل چین طی ستر نیست و یک حمله تاکتیکی بیش نمی‌باشد . گردان چتر باز یکی ناپوشند . یک چنین کنترلی، از این قبیل امکانات شور و شکر و از این می‌برد . تا زمانی که برای افراد " خلوت " وی سرخری وجودند ارد و تا زمانی که محرکت غیر عادی و با واقعه ای گزارش می‌گردد و باز بدین روش تا زمانی که به راه پیاده‌ها از صحبت در حضور فرزند شان ترس دارند چگونه تا سه ساعت بتوانند برقرار شوند . عقاید فشنر شوند و سازمان بتوانند ریش گرفته و افراد جدیدی را بکشوری بنمایند . در چنین شرایطی تنها عمل ممکن ترور هم در حد محدودی می‌باشد چه آنکه حتی یک نفر که یکی از هوکی جدا باشد می‌تواند دست بپا عمل ترور می‌زند . اما شکر که بنظر می‌رسد که دولت حاکم اجازه دهد که اخبار را به ترور همانتر گورد . در حالیکه اثر ترور هم بر اثبات اثرات تبلیغاتی می‌شود آن .

ریش و تاکیک دیگری که امکان اجرای آن می‌باشد . دست زدن به عملیات غیر عادی که کند و بمانند می‌باشد . البته در مناطقی که وضعیت جغرافیایی امکان آترابه‌دهد . و این تاکیکی است که کوشینتهای بیژن بکار بردند .

نقطه ظاهری وضع بالا وقتی است که در کشور با یک هرج و مرج برقرار باشد در آن صورت شور و شکر تمام تسهیلات و امکانات مورد نیاز و در دسترس خواهد داشت . این روش که جلسات خود را تشکیل دهد . بهر کجا می‌خواهد مسافرت کند با مردم تماس بگیرد . بر ناه خود را معرفی نماید .

طرفداران اولیه خود را به یاد آنها را تشنگ سازد. پول دریافت نماید آنرا پخش کند. تحریک و خرابکاری نماید با عملیات وسیع تروریستی براه اندازد. در میان ایندو افراط و تفریط ساختارهای سیاسی متفاوت و متعدد وجود دارند که نسبت به ماهیت و وضعیت سلطنت سیاسی خود انجام برنامه‌های شورشگری را تسهیل و یا ممانعت خواهند کرد. نظیر دیکتاتوری یک حزبی و دیکتاتوری بدون ارتباط با توده مردم، استبداد مطلقه، دیکراسی آگاه، دیکراسی مست و مثل و در هم و درهم ۰۰۰۰۰ و غیره.

**ب - تشکیلات سازمان اداری:**

زندگی روزمره هر کشور به دست سازمان بزرگتری آن اداره میشود که دارای قدرت خاصی میباشد و اکثر ارتباطی به ضعف و یا قدرت رهبری سیاسی در بالا ندارد و مستقل از آنست. فرانسه در طی جمهوری سوم و چهارم دارای رهبری سیاسی بسیار ضعیفی بود اما دارای دستگاه اداری بسیار قوی بود. امرین برعکس این مسئله در صورت نام جنسی است. در آنجا شورشگری، نهضت از پائین به بالا است. علاوه یک دستگاه اداری قوی و موثر در پائین و وجود نیروی کراسی فاقد صلاحیت که منفع شورشگری نسام خواهد شد.

الجزیره نمونه دیگری است. در آستانه و آغاز انقلاب سازمان اداری رسوای هام بود. نه بدلیل آنکه کارمندان غیر نظامی واجد صلاحیت نبود بلکه بیشتر بخاطر آنکه حجم تأسیسات اداری با وسعت سلطنت و جمعیت ارتباطی نداشت. الجزیره دارای ۶۵۰ مایل مربع در ساحل مدیترانه میباشد و پهنای صحرا ۳۵۰ مایل عرض آنست. مساحت الجزیره ۱۱۵۰۰۰ مایل مربع است و جمعیت آن ۱۰/۵ میلیون نفر است که از این تعداد ۲۰۰ هزار نفر اروپائی هستند. سازمان اداری الجزیره باین ترتیب بود که در رأس آن حاکم عمومی الجزیره قرار داشت و سپس تمام کشور به منطقه ایران و الجزایر و گستانین تقسیم شده بود. هر قسمت تحت نظریک نفر ( *provinc* ) که هیئت اورد و وظائف کک میکرد قرار داشت. هر یک از قسمتها بنوعی خود به تقسیمات کوچکتری تقسیم شده بودند. مثلا در الجزایر یکسی از قسمتهای تابعه " قبایله " بود که مرکوز درونی زی اورد قرار داشت. قبایله یک منطقه کوهستانی با مساحت ۵۰۰ مایل مربع و ۴۰۰/۰۰۰ نفر جمعیت بود که ۹٪ آنها مسلمان بودند. مناطق کوهستانی بسیار سخت و دراز صخره بودند. در مناطق گابلا اسلامی واحدهای تابعه و پائین تر توسط یک مدیر فرانسوی و یک پاد و آسیستان و ده نفر از اندام اداره میشد در سطح پائین تر از این، قدرت در وجود یک پلیس بومی متمرکز بود. این پلیس بومی با یک طایفه قبیلی مسلح بود. این طایفه دارای

یکجمله چرمی بود که بر روی آن لغت قانون نوشته شده بود این پلیس بومی با چنین تجهیزاتی میبایستی منطقه ای را به مساحت ۶ دره ۱۵ مایل و جمعیتی برابر ۱۵۰۰۰ نفر را در قبایله اداره کند. طایفه چنین تأسیسات اداری شورشگری آغازند.

**ج - پلیس:** چشم و چراغ و بازوی دولت در تمام مسائلی که مربوط به نظم داخلی است پلیس میباشد.

پلیس عامل اصلی در مراحل اولیه شورشگری است. پلیس اولین سازمان ضد شورشگری است که باید در آن نفوذ کرده و آن را به طرز ساخت رانده مان یا بازدهی آنها به عوامل چندی بستگی دارد. این عوامل عبارتند از کمیت ( تعداد آنها ) و کیفیت ( صلاحیت اعضای آنها ) وفاداریشان به حکومت و تقویت سایر واحدهای دولتی از آنها بخصوص در دستگاه قضائی.

اگر یک طومار سازمان شورشگری توسط پلیس شناخته و توقيف شود و سپس با استفاده از ارزیابی سیستم قضائی آزاد گردد پلیس کاری از دستش ساخته نخواهد بود. جرح و تعدیل دقیق سیستم قضائی و تطبیق آن با شرایط جنگ انقلابی اگرچه مشکل بسیار پیچیده‌ای میباشد اما یک ضرورت غیر قابل اجتناب است. میتوان بازار الجزایر را مثال زد. در سال ۱۹۵۴ تعداد پلیس در آنجا ۵ هزار نفر بود. که برابر تعداد یک پلیس در پاریس است. وقتی شورشگری الجزیره مراحل تدارکات خود را طی میکرد پلیس الجزایر با خبر شد و اعلام خطر کرد اما پادان ائتفاقی نشد. یکسال بعد از آغاز شورشگری بالاخره مجلس ملی فرانسه " قدرتهای مخصوص " را که جهت مقابله با وضعیت فیرادی جنگ انقلابی لازم بود تصویب کرد که دولت بتواند اقدام نماید. در این موقع پلیس ملی الجزایر بخصوص پلیسهای مسلمان بومی ( که انقلاب آنها را تحت تأثیر قرار داده بود ) دچار هرج و مرجع بود.

**د - نیروهای مسلح:**

عوامل قدرت نیروهای مسلح را که قابل استفاده در تمام جنگهاست ( بخصوص جنگهای عادی ) صرف نظر کرده و در اینجا صرفاً آن عوامل قدرت را که مناسب با جنگهای انقلابی است بیان میکنیم:

یک - قدرت عددی نیروهای مسلح به نسبت وسعت و جمعیت کشور:

در شورشگری نه جبهه جلوی جناح پشت سر مقیاس جنگهای عادی وجود ندارد. هیچ منطقه ای هیچ قسرو قسمتی از توده مردم را نمیتوان برای مدت طولانی بحال خود واگذاشت. مگر آنکه بتوان خود مردم در دفاع از خودشان در برابر شورشگر اتمام کرد. لذا وقتی شورشگری

توسعه یابد، نسبت نیروهای ضد شورشی به نیروهای شورشی باید به نسبت ده یابست به یک باشد. نیروهای فرانسوی در دهه هجدهم هرگز نتوانست به چنین نسبتی برسد و این، صورتی از قدرت دیپلماتیک انگیزه ناسیونالیستی در جنبش شورشی، بیش از هر واقعیت دیگری نشان می‌دهد که اگر نیروهای فرانسوی حتی توسط ناپلئون رهبری میشد باز شکست می‌خورد.

## دو - ترکیب و محتوی نیروها

در نهای امیجیت جنگهای عادی (کشونال) یک ارتش مدین مجبور است که تمام نیروهای هوایی - زمینی - دریایی خود را تقاسم و متعامل، قوی سازد. اما جنگ انقلابی اساساً در مرحله اول جنگ پیاده نظام است. برخلاف جنگهای عادی در جنگ انقلابی هر قدر نیروهای ضد شورشی گسترده و گسترده‌تر باشند بهمان اندازه بهتر خواهد بود. لشکریهای مجهز و پیاده همان تاقوی فرانسه در الجزایر یکی به‌یادماند بود. و مسائل مدین آنهاست پشت سر گذاشته شد. واحدهای بسیار مجوزی مشخص می‌شد و با مسافرانی مجبور شدند به سرعت و با عجله و شتاب به واحدهای عادی پیاده نظام تبدیل شوند.

اجرای عملیات دریایی توسط شورشی‌هایی به‌مید و غیره می‌است. تمام آنچه را که نیروی دریایی ضد شورشی لازم دارد نیروی کفنی برای کتیل و حفاظت و محاصره و مژده ساحل و خطوط ساحلی است. تا شورشی نتواند براضی در این نواحی ساحلی رفت و آمد نماید. نیروهای هوایی که برتری و ترقی آن بر نیروهای شورشی در مقابل بحث است آنچه لازم دارد هواپیماهای جنگنده و حمله کن کدر و حمله کن تر و هواپیماهای "زود خیز" میباشد.

## سه - احصای شخصی سربازان نسبت بانگیزه

### شورشی نسبت برزم ضد شورشی

شورشی عملیات خود را با تعداد کمی شروع میکند. شورشی آنها را به وقت انتخاب می‌نماید. آنها از نظر فیزیکی و باطنی بسیار قوی هستند. اما هرگز ضد شورشی نیروی انسانی زیادی احتیاج دارند بنابراین برای اطمینان انتخاب و دست چینی کردن وجودند ارسال با استخدام سربازان فاسد و بی اثر مجبور است. و در بسیاری از موارد با جنگ و وفاداری آنها دست بگیرد خواهد بود. چند مورد کوچک فرار سربازان به‌دلی اثر ضعیف و سوزن و شک در نیروهای ضد شورشی میباشد که ایزن علی آنها را به سرعت تظلم می‌دهد. در بازنشانی از الجزایر نیز نتیجه در ابدای شروع جنگ، فرار تعداد

کسی از سلیمان طرودهای تشنگ ایران الجزایر است شد که طریف استقامت این واحد ها و افرادی که به آنها وجود داشت نتوان آنها را در عملیاتی که طی آن بالا جبار مردم مستقیم تاس می‌گرفتند مورد استفاده قرار داد و صرفاً آنها را در عملیات خالص جنگی شرکت دهند.

چهار - فاصله زمانی (LAPSE) قبل از آغاز

## عملیات ۱

یکی در گزارشات جنگهای انقلابی این است که انتقال از حالت صلح و آرامش به مرحله جنگهای کابانی نیست بلکه در جایی می‌باشد بنابراین گمب نیروهای صلح به سرعت جنگهای عادی در عملیات نظامی شرکت نمی‌کنند. این تاخورداری مصایب زیادی برای ضد شورشی می‌آید. رهبران سیاسی ضد شورشی باید برای تظلم این تاخورداری تلاش کنند.

## پنج - شرایط جغرافیایی

ویضت جغرافیایی می‌تواند قویترین رزم های سیاسی را تضعیف و یا هرگز ضعیفترین آنها را محفوظ و صحت از تعرض نماید. این مسئله را بعداً بسط و تشریح خواهیم داد.

مجموعه این عوامل ذکر شده در بالا می‌تواند شخص نماید که یک جنبش بالقوه شورشی که دارای انگیزه دیپلماتیک میباشد با لفظ خواهد شد یا غیره. احتمال بیرون‌رود آن خواهد بود یا غیره؟

## ب - بحران و شورشی

شورشی باید واقعیتی را در دست که نمیتواند از آن فرار کند و باید آنها را منظر که هست بپذیرد. این واقعیت، قدرت فراوان دشمن است. شورشی در انتخاب دشمن خود آزادی عمل ندارد. بنابراین شورشی برای شروع عملیات مجبور است صبر کند تا وقتی که دشمن اوج قدرت پاره ای از حرانهای داخلی با این طلایی ضعیف شود.

اگر جنگهای ضد استعماری سالهای اخیر حاصل بحرانهای غیر قابل اجتناب است که به علت جنگ و در نتیجه آن، گریبانگردد رتبه‌های استعماری شده است. در حالیکه شرایط انقلابی در مناطق استعماری از سالها قبل وجود داشته اند مضافاً آنکه ایشان نمیدانند که هیچ شورشی و طغیانی در مناطق استعماری در سالهای قبل از ۱۹۳۸ موفقیت پیدا کرده باشد. تاریخ شورشی در روسیه نمونه‌هایی از تجربه برداری شورشیان بر آنها بنفع خونشان می‌دهد تعداد اعضای حزب کمونیست چین در ۱۹۲۱ موقع تاسیس

جمعا به ۵۰ نفر میرسد. این تعداد در ۱۹۲۵ به هزار نفر ارتقا پیدا کرد در این سال حزب کونیست خود را به کومین تانگ و مبارزات آن وابسته ساخت. در سال ۱۹۲۶ تعداد اعضاء بطور ناگهانی به ۹۰۰۰ نفر جیش نمود. شرایط و اوضاع و احوال در هم هم و هرچ حاکم بر چین محبوبیت مبارزات کومین تانگ طبع زمین داران بزرگ و اشراف و اعیانستی یکی از عوامل مؤثر توسعه حزب گردید. در ۱۹۲۷ در حزب از هم جدا شدند و در مقابل هم صف آرائی کردند. حزب کونیست چین دست به قیام مسلحانه علیه حکومت کومین تانگ زد. بلافاصله تعداد اعضاء به ده هزار تنظیم یافت. گروهی از کونیستها برهبری ماوتسه تونگ به مناطق کوانگری - هونان (KIANGSI-HUNAN) پناهنده شدند. در حالیکه سایر گروهها در مناطق مختلف دیگری پراکنده شدند.

جنگهای چریکی بتدریج آغاز شد. اگرچه در اوایل با حمله به شهرها تانگ کومین تانگ تجهیزات نظامی مستحکم داشت مرتکب اشتباهاتی شدند اما بتدریج توانستند قدرت نظامی خود را توسعه دهند. تا سال ۱۹۳۴ تعداد اعضاء آنها به ۳۰۰ هزار نفر ترقی کرد و تنها قدرتی بودند که در برابر حکومت کومین تانگ عرض اندام کردند. کومین تانگ که قدرتی وسیع وقتی بود با نیروی فراوانی برای سرکشی طغیان کوشش میکرد و بعد از یک سری حملات و طغیان غیر موفق، نیروهای ملی توانستند کونیستها را آنچنان تحت فشار قرار دهند که تلاش آنها صرفاً محدود به حفظ حیات و ادامه حیات خود گردید. کونیستها به تدریج تحت فشار قرار گرفتند که مجبور شدند دست به مهاجرت و پناهنده شدن بزرگ بزنند و از کوانگری به مناطق دور دست شمال در شانزی مهاجرت کردند. در ۱۹۳۷ بعد از پاره شدن بزرگ ( راهپیمایی بزرگ) تعداد اعضاء به ۴۰ هزار نفر تنظیم یافت. چنانکه بچک مشغول عداکات برای از بین بردن کامل نیروهای کونیستی بود و طبق برنامه قرار بود بلافاصله به ساز و رفع بحران تجاوز از چین به چین این حملات آغاز گردد. اما نیروهای کونیست در طی بحران رشد وسیعی کردند.

وقتی ژاپن عقب نشینی کرد و خاک چین را ترک نمود حزب کونیست چین ۱/۲۰۰/۰۰۰ نفر عضو پیدا کرد و منطقه ای به مساحت ۳۵۰ هزار مایل مربع با جمعیتی برابر ۹۵ میلیون نفر را کنترل نمود. دارای ارتش عادی به تعداد ۹۰۰ هزار نفر و ارتش ملی ( جنگجویان غیر نظامی ) به تعداد ۲۴۰۰ نفر شده بود. بزرگترین زخم پذیر نبود.

ج - دکومین - موزی

هرگزوری بنابه ظل اداری یا نظامی با حمل دیگره استانها

ایالات و ولایات و منطقه ضمیمه تقسیم میشود. در یک رژیم سیاسی با سازمان اداری و این ضابطی مرزی میان استانها و قسمت های مختلف یکی از نقاط ضعف ضد شورشیگر میباشد. خصوصاً اگر روابط اداری بین این استانها مضطرب باشد معمولاً شورشیگران این منطقه ضعف ضد شورشیگری را مزیت مرزی استفاده میکند. بخصوص در مراحل اولیه عملیات شورشی، با حرکت از یک طرف مرز طرف دیگر اغلب شورشیگر از فشارهای ضد شورشیگر فرار میکنند و با حداقل اجرای عملیات را برای دشمن شکر و پیچیده میسازد. تصادفی نبود که کونیستهای چین مناطق مرزی را در استانهای شمالی انتخاب کرده بودند. اجرای عملیات گمراه کننده و گیج کننده در مناطق مرزی برای کونیستهای چین یک دکترین شده بود.

سوم : شرایط جغرافیایی

نقش و موقعیت زمین و شرایط جغرافیایی در جنگهای عادی به درگانی روشن میباشد. در جنگهای انقلابی نیز دارای نقش مهمی میباشد. اگر شورشیگران از مزایای زمین استفاده نمایند، بخصوص در مراحل ضعف اولیه، ممکن است حتی قبل از آنکه شروع کد بهادگی میدم گردد.

بطور کلی اثرات این عوامل متعدد به شرح زیر هستند:

۱ - موقعیت محل : اگر چنانچه حصارهای طبیعی نظیر کوهستان صعب العبور یا حصارهای سخت یا دریاها کسری را احاطه کرد باشند، و با کسریهای همسایه مخالف شورشی باشند شرایط بنفع ضد شورشیگر خواهد بود.

۲ - وسعت : هر قدر وسعت تر باشد کنترل آن برای دولت دشنگ تراست. وسعت مملکت حتی نظامی ترین حکومتها را نیز ضعیف می سازد.

۳ - ترکیب بندی - شکل : هرگاه موقعیت جغرافیایی کشور طوری باشد که بتوان آنرا با آسانی مجزای ارتباط از هم نگه داشت اجرای عملیات برای شورشیگر سخت تر خواهد بود. مثلاً در یونان نیروهای ملی توانستند با آسانی شبه جزیره ( PELOPONNESUS ) را از کونیستها تصفی نمایند. در کشورهایی مرکب از مجموعه ای از جزایر کوچک و بزرگ نظیر فیلیپین یا اندونزی هستند شورشیگری با آسانی قابل توسعه نخواهد بود. حکومت اندونزی با وجود آنکه فاقد روش قابل ملاحظه بود موفق شد طغیانهای جزایر ملوک گاس ( MOLUCCAS ) و آم بونیا ( AMBOHIA ) و سایرین را با رضی در هم بشکند.

۴ - مرزهای بین اطللی : مرزهای طولانی، مخصوص اگر همسایگان طرفدار و موافق شورشگران باشند ( نظیر یونان، هند و چین، الجزیره و بسیاری دیگر) بنفع شورشگراست .

وسعت مرزهای دریایی بنفع ضد شورشگراست، چه مرزهای دریایی را خیلی ساده تر و آسانتر از مرزهای کوهستانی میتوان کنترل کرد . ضد شورشگر صرف نظر از وسعت قدرتش میتواند بر احتی و مسائلی را بکار اندازد که ایاب و ذهاب شورشگران را کنترل نماید .

از نظر مخرج، برای فرانسه کنترل سواحل مدیترانه، بنظیر جلوه گیری از ورود اسلحه قاچاق و جنگجویان، بر مراتب ارز انترناژ کنترل مرزهای میان الجزیره با تونس و مراکش بود .

۵ - زمین :

سرزمینهای کوهستانی با صخره و گردنه و سایر بارزاتی بالاتر از مازرونی و جنگلهای بنفع شورشگر هستند . برای کوهنشینهای چین تپه های کبابی برای شورشگران یونان کوهستانهای شمالی؛ برای گائور و هندیوستان؛ و بالخلای قهای جلگه های ری ( REEDS ) در چین ( COCHINCHIN )؛ مزارع برنجکاری در تونکن ( هند و چین ) و جنگلهای مالایا هم جایگه های بسیار مناسبی برای شورشگران بودند .

بعبارت دیگر از آنجا که برای نیروهای فرانسوی کنترل صحرا بسیار آسان بود چپه آزادی بخش الجزیره هرگز نتوانست از صحرا برای عملیات چریکی استفاده نماید . چه تمام چاههای آب و واحه ها تحت کنترل هوایی بودند . با تجسس هوایی حتی اثرهای غابری روی شنهای صحرا مشخص و قابل کنترل بود .

۶ - آب و هوا : آب و هوای سخت، خواه بسیار گرم یا سرد، بنفع ضد شورشگراست، چه اواز تعداد کات و تسهیلات بهتری برای عملیات خود برخوردار است بخصوص اگر نفقات خود را از میان مردم بومی و محلی که با تمسیرات شدید هوای محلی که آشنایند ان معتاد باشند انتخاب کرده باشد .

فصل بارانی در هند و چین خیلی بیشتر از آنچه نیروهای فرانسه را طبع سازد نفقات ویت مینه را میآزارد .

در الجزایر با فضل حرمان زمستان فعالیت مجاهدین محدود فرسوسید . مثلا برای مجاهدی که محبوس است در تنای مدیدی را در هوای آزاد سرد و یا گرم مرطوب زندگن کند . حفظ و نگهداری اسلحه ها و مهمات و در اورهائیکه برای او واحد اهمیت و ارزش فراوان میباشند بسیار دشوار و مشکل بود و در دسترس مجاهد بود .

۷ - جمعیت : بهمان اندازه که وسعت کشور در جنگ انضالی می اثر میگذارد جمعیت نیز موثر است . هر قدر جمعیت بیشتر باشد کنترل آن مشکلات است . اثر این عامل را میتوان به طور منطقی با نظر وانتقال و کج دادن جمعیت از یک منطقه به منطقه درک کرد و بدینا ضعیف نمود . هر قدر جمعیت پراکنده تر باشد برای شورشگری بهتر است .

بهین دلیل است که ضد شورشگر در بعضی مواقع بکج دادن و شتر ساختن دهات پراکنده میرود از نظیر جبل فرانسویها در الجزیره و هند و چین و کامبوج ( ۱۹۵۲-۱۹۵۰ ) . جمعیت خیلی شتر که نفع شورشگر است، زیادی نسبت جمعیت غیر شهری بشهری بنفع شورشگراست . کنترل یک شهری که برای ادامه حیات خود به مواد خارج از شهر احتیاج دارد بر احتی بانویری کمی میسر است . در حالیکه کنترل همان تعداد جمعیت در خارج از شهر یعنی پراکنده باشد بسیار مشکلات میآید . تنها ایامهای همگانی در شهرهاست که تقریبا کنترل را فریبکن میآورد با این نظرات که طول مدت این قیامها کوتاه است و نمیتواند برای مدت زیادی ادامه یابد، چه قیام بهیزر کرد و یا شکست بخورد در جنگلهای کباب جمع غلظت چریکی در کوهستان بین ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ نفر بود و در حالیکه در همان مدت غلظت سازمان مخفی شهری بین ۲۳ تا ۲۵ هزار نفر بوده است .

۸ - اقتصاد : وضعیت اقتصادی جامعه خواه توسعه یافته و یا خواسته اقتصادی غیر قابل، هر قدر موثر هستند . یک کشور توسعه یافته نسبت به یک مروج تر و زخم کوتاه طولی صوبی بسیار حساس تر و زخم پذیر است اما اگر تر و زخم ادامه یابد از هم گسیختگی بحدی خواهد بود که مردم ممکن است نتوانند آنرا تحمل نمایند و در نتیجه چه بسا در حالیکه در ابتدای کار موافق خود شورشگر بوده اند با اواز در مخالفت درآیند و سها حداقل خود را از اجبار کارکننده یک کشور عقب مانده نسبت به تر و زخم کنتر و زخم پذیر حساس است . طولی حساسیت بیشتر نسبت به طمبات چریکی دارد . در این کشورها واحد های تر و زخم مردم، دهات و حتی بسیاری از شهرها از نظر اقتصادی مستقل و بدون تکیه گاه خارجی هستند و لذا میتوانند بدون احتیاج به محصولات شهری به حیات خود ادامه دهند بطوریکه سه شرایط جغرافیائی ابده آل برای شورشگر بشرح زیر است :

کشوری بزرگ محصور در خشکی، مستورا کوهستانهای جنگلی غار دار و صخره دار و میزها با محاط قهای پراکنده در جلگه ها و آب و هوای معتدل و جمعیت زیاد اما پراکنده .

بایک اقتصاد ابتدائی عقب مانده . هم میباید کشورهایی که از لحاظ جغرافیائی ابده آل برای ضد شورشگر ابده آل

جزیره ایست نظیر یک ستاره چند پرگ در آن شهراتوسط بیابانهای  
صلح و صحراها از هم جدا شده اند و بایک آب و هوای استوائی با  
قلبی واقفان صنعتی پیشرفته .

چهارم - ککهای خارجی

ککهای خارجی بیک نهفت شورشگری بیک از صور انواع

زیریناجسره چند ریاهه آنها می باشد .

۱ - حمايت معنوی : در برخورداری از این حمایت شورشگر  
خود شخصاصلي انجام نموده . شورشگراز این حمایت خارجی  
استفاده های مختلف مینماید .

امروزه اکثر نهفتها و جنبشهای شورشگرا حمایت های معنوی

بین المللی برخوردار هستند . حمایت معنوی توسط و از طریق

انعکاس افکار عمومی و با از طریق وسایل مختلف ارتباطی ضحک

حکومت نظیر گفتارهای محلی ( اتحادیه اعراب ) و یا گفتارهای

قاره ای ، نظیر گروه کشورهای آسیائی و آفریقائی و با گفتارهای

صنایع دسته ای نظیر طبل بیطرف ، در بعضی موارد بخصوص جنگها

فداستعماری و استقلال طلبانه سازمان طلب شده احوال قوی

برای انعکاس این حمایت ها می باشد .

تلیخات رادیویی بیک از ابزارهای مهم این حمایت

معنوی می باشد . این وسیله میتوان افکار عمومی را در یک جامعه

نهفت شورشگری ضحرف ساخت . و با حرکت در آوردن سطح

آگاهی مردم را رشد داند آنها باین جهت پدید می آید .

۲ - حمايت سیاسی : اعمال فشارهای مختلف مستقیم یا غیر

مستقیم بر طبقه ضد شورشگرا از طریق دیپلماسی می باشد . مثلا در مورد

آنکولا بسیاری از دولت های آفریقائی با برتقال قطع رابطه کرده اند

و بسیاری حکومت وقت آنکولا را بر رسمیت شناخته حکومت برتقال

بر اثر فشار دولت های آفریقائی از بسیاری جماع بین المللی طرد

شده است . ( کشورهای عربی با رسمیت شناختن سازمان

آزادی بخش فلسطین بعنوان نماینده مردم فلسطین و صورت دولت

وقت فلسطین حمایت سیاسی خود را ابراز داشته اند . شناسایی

دولت وقت الجزیره و سایر دولت های وقت انتقال بی در موارد مشابه

۳ - حمايت فنی : بصورت راهمائی و تعلیم شورشگر در تحکم

سازمان های خود و راهمائی در اجرای عملیات نظامی و سیاسی

شورشگراست . پس از آزادی کامل چین و برخورداری ویت مینه

از ککهای فنی دولت چین تکمیل هار طرز کار ویت مینه به کار اوسمی

تکمیل شده و بهبودی یافت .

۴ - ککهای مالی : خواه مخفی یا علنی ضمت عده ای از  
بودجه مجاهدین الجزیره از طریق ککها و تمهیدات کشورهای  
عربی و اتحادیه عرب تامین میشود .

چین کونست مقام زیریادی جای به جبهه آزاد بخش الجزیره

هدیه کرد که در مراکش تخلیه شد و با فروش آن در بازار آزاد پهل آنرا

بصارف لازم دیگر رسانیدند .

۵ - ککهای نظامی : بصورت دخالت مستقیم یا غیر مستقیم شورشگرو یا

بصورت دادن تعلیمات نظامی و جنگی و تامین لوازم و احتیاجات آنها .

در گفتار شورش هیچ نوع کک خارجی ضروری نیست . کک نغاً

با مستثنای دخالت مستقیم به از برای برای شورشگران قابل جذب

نیست . مگر وقتی که نیروهای آنان وسعت یافته و بیک حد معینی

از توسعه رسیده باشند . برای گفتار عملیات نظامی در یک نهفت شورشگری

این عملیات خواه بصورت چریکی و یا بشکل تدریجی به وسائل و مهمات

واسطه و مواد انفجاری کنی احتیاج دارد . این احتیاج را میتوان در

محل بدست آورد و با بطور قاجای وارد نمود و احتیاجی بککهای خارجی

نیست . اما وقتی عملیات نظامی توسعه یافت و شورشگری از مرحله جنگهای

چریکی بصورت عملیات کاترینی پیشرفت نمود و نیروهای عادی بوجود آمده

آنیوقت نیروهای شورشگر به ادراکات بیشتر و متنوعتر احتیاج پیدا خواهند

کرد که در آن صورت باستنی با آنها را از نیروهای دشمن و از مراجع ضناع

خارجی کسب نمود . در این مرحله از جنگ اگر این تدارکات بیکي از دو

طریق بالا نرسد توسعه عملیات نظامی برای شورشگرو غیر ممکن خواهد بود .

کونستهای چینی تا زمان اشغال ضحوری توسط روسها با کک

خارجی دریافت نکرده بودند و با آنکه مقدار آن بسیار ناچیز بود . بعد از

اشغال ضحوری توسط روسها بکمی سلاحها و مهمات و لوازم جنگی که از

ارتش ژاپون تصاحب شده بود به یکصد هزار نفر افراد ارتش نجات بخش

که از جهول ( JEHOL ) و شانگتوگ ( SHANTANG ) به

ضحوری وارد شده بودند و انگار شده . کونستهای ضحوری بلا فاصله

توانستند دست به عملیات وسیع و طولانی بزنند . نوع و طبیعت نبرد

در این ضاطق با عملیات کونستهای جنوب دیوار چین نظارت گاملا

شخصی پیدا کرد و دست های کونستها با نیازهای اسلحه و مهمات

و ابیوضی عامل تعیین کننده در سر نوشت جنگ انتقال بی چین بود .

سایر کونستها که سهمی از این اسلحه دریافت نکردند توانستند

خود را با تصاحب سلاحهای نیروهای دولتی مجهز کنند . اما مطمئناً

خورداری کونستها از این سلاحها شکست نیروهای دولتی را در ضحوری

تسریع کرد . شمار کونستها همیشه این بود که بزرگترین آنها رهساری

نخایز ارتش و مراکز اصلی میخانه در برابر دست دشمن است تنها کاری که ما باید انجام دهیم آنست که بیهوش و آتپار انا صاحب کم. شمارشان این بود که جنگ را باید با جنگ بگزارند لغت و ادامه دار .

در همد و چینی سال ۱۹۵۰ نقطه تحولی بود . در این سال ککهای چین به ویت مینه آغازند تا آن تاریخ ویت مینه قادر به توسعه نیروهای خود و اجرای عملیات وسیع نبود . نه بخاطر آنکه از جهت نیروهای انسانی در وضعیت بودند چه آنها پیش از آنچه بتوانند متشکل کنند و حرکت در آوردند نفرات و سرمایه را اختیار داشتند بلکه عدم استطاعت آنها این علت بود که وسائل جنگی ابتدائی آنها مناسب با احتیاجاتشان نبود . آنها نمیتوانستند که احتیاجات خود را از طریق تصاحب مخازن میخان و اسلحه فرانسوی تامین کنند . بدون این احتیاجات آنها نقطه نمیتوانستند به عملیات چریکی مانند تلو لانی دست بزنند و صلا مانع بهره برداری فرا از ضایع هندوچین بشوند . بدون ککهای چین آنها قادر نبودند ارتشهای مجهز و وسیع بوجود آورند .

از اویل سپتامبر ۱۹۵۰ نیروهای <sup>آنها</sup> برای ۲۰ هزار نفر مجهز به مسلسل تویا نه سنگین و صلا حهای ضد هوایی شده بودند . فرماندهی ویت مینه موفق شده که ارتشهای وسیع و لشکری سنگین را متشکل سازد نظیر لشکر معروف ۰۳۵۱ در سال ۱۹۵۱ بموجب برآورد فرانسویها ککهای چین به ویت مینه شامل ۱۸۰۰۰ تفنگ ۱۲۰۰ مسلسل ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ توپخانه سنگین و در حدود ۵۰۰ تفنگ بید لگن زن بود .

در مالایا و چین شورشگران هیچ کک خارجی نظامی دریافت نکردند و نتوانستند توسعه پیدا کنند و ریوزان کونیستهای شورشگرا ککهای دولت‌های هم سلسله بهره مند شدند اما بیزوی با دعوی استالین و تیتو این ککهای بمراسی تعیین شرایط که آنها دست به تشکیل و ترتیب نیروهای عادی رده و سخت حساس و زخم پذیر شده بودند و به آن بسیار احتیاج داشتند قطع شد .

در الجزایر محاصره و کتیل میزهای دریایی از یک طرف و کتیل شدید میزهای تونس و مراکش پشتت مانع استفاده مجاهدین از اینها می اسلحه که در در طرف میزانشته شده بود گردید وضعیت مجاهدین بعد از سال ۱۹۵۹ بقدری بحرانی شده که بسیاری از سلسلهای آنها به علت فقدان و نبودن میخان بی صرف شدند . امری متعارض و برخورد میان شرق و غرب که در تمام دنیا اثرگذاشته هر نهضت شورشگری را در هر کجای دنیا نیز تحت تاثیر خود قرار خواهد داد .

واقع است که کونیستها از حمایت و ککهای بلوک کونیوزم بر خود ار خواهند بود و حتی نهضت‌های غیر کونیستی نیز از بلوک کونیوزم کک

در یافت خواهند نمود چه دشمن این نهضت‌ها نمای غرب و سرمایه داری و دارای دشمنی با بلوک شرق میباشد .

همان اندازه که متعارض میان شرق و غرب به تشدید شورشگری کک میخانه گاهی اوقات ممکن است باعث توقف آن گردد . هر کجای هر موقع که اراده شورشگری و مانند بد آن بنفع و یا ممانعت با سیاست بین اطلالی کونیوزم نباشد مسلما وضعیت به ضرر شورشگری محلی و کسری تمام خواهد شد . نمونه های زیادی میتوان از انجام این تاثرات بین اطلالی را ذکر کرد .

اگر کک های خارجی خیلی بسیار گنی قابل استفاده برای شورشگر باشند ممکن است امتیازات گلا بنس را در واحدهای شورشگر از بین ببرد . و یا حداقل بدان لطمه بزند . همچنین دلیل است که در تمام جنبشهای انقلابی به " ضرورت تکیه کردن بخود و حساب کردن روی نیروهای خود " تکیه کرده و اصرار دارند . ( کس ندارد پشت من جز ناخن انگشت من )

تقلیدنامه اولین جلسه کمیته مرکزی حزب کونیست ویتنام در ۱۹۵۱ به اعضای خود یاد آور میشود که " جنگ مقاومت مانبردی طولانی و سخت است . . . . . و ما باید صرفا بر نیروهای خودمان تکیه کنیم " .

در نتایج این فصل میتوان گفت:

- ۱ - انگیزه
- ۲ - ضعف پلیس و سازمانهای اداری ضد شورشگر
- ۳ - شرایط وسیع جغرافیائی ضابط
- ۴ - کک و حمایت خارجی در اواسط و اواخر بعدی شورشگری اینها هستند شرایطی که برای یک شورشگری پیروزنده ضروری هستند . در حال اول یک ضرورت غیر قابل اجتناب و یک " باید " هستند و در حال آخری کک‌های هستند که ممکن است بعد از ضروری شوند .

## فصل سوم

### دکترین شورشیگری

طرح های استراتژیکی شورشیگری

از آنجا که وجود خود شورشیگر حاصل شورشیگری و مکرر العمل در برابر آنست لذا اصطلاحات و مشکلات خود شورشیگری به بهترین وجهی درک و فهمیده خواهد شد که اول خود شورشیگری آنچه را که باعث وسایه گزینش و جنبش است شناخته شود. در این فصل بطور خلاصه طرحهای شورشیگری را بیان میکنم.

از تاریخ گذشته جنگهای انقلابی، دو طرح اصلی برای شورشیگری قابل شناخته میمانند. لیونالوچی تئوری و طرح و تجربه چین کمونیست را بعنوان یک طرح برای جنگهای انقلابی در کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره بشرح زیر ترسیم مینماید. راهی که مردم چین را به پیروزی کامل هدایت کرده به شکل زیر خلاصه میشود.

۱ - طبقه کارگر باید با سایر طبقات - احزاب سیاسی، سازمانها و عناصر فردی که همبازی و مخالفت با آنها را امری بنیادین و ضروری آن ها هستند متحد شده و تشکیل یک جبهه وسیع ملی را بدست دهد و سپس جنگ قاطعی را علیه امپریالیسم و نوکران آنها آغاز نماید.

۲ - این جبهه ملی متحد، در اطراف طبقه کارگر متمرکز گردید و دست او را به رهبری خود جبهه تنهائلیقه کارگر متمرکز حزب آن حزب کمونیست است که با قاطعیت و جرأت و بدون خودخواهی میباید این جبهه نماینده دست پیروزی و احزاب آن (وابسته بآن) رهبری شود.

۳ - برای آنکه طبقه کارگر و حزب این طبقه (حزب کمونیست) به توانمند مرکز انقلاب و فرماندهی این وحدت و اتحاد همه نیروها در سرنا سرکش و طبقه امپریالیسم بشود و جبهه متحد ملی را به پیروزی کامل رهبری و هدایت نماید؛ نهایت ضرورت را دارد که در طی مبارزات و نبرد های طولانی و یک حزب کمونیست ساخت که با اسلحه مارکسیسم لننیزم مجهز و مسلح شده باشد و استراتژی و تاکتیکها را به خوبی درک کرده و به لحاظ انتقاد و انتقاد از خود و انضباط شدید را عمل نماید و از نزدیک بتوده مردم وابسته و مربوط باشد.

۴ - نهایت ضرورت را دارد که هر کجا بود در هر موقع ممکن باشد ارتشهای ملی برهبری حزب کمونیست تشکیل داده و آنها را طی نبردهای مسلحانه با دشمن آزرده و آبدیده ساخت. باید پایگاهها بوجود آورد که ارتش آزاد بخش بتواند از این مراکز عملیات خود را

هدایت نماید.

مبارزه مسلحانه تنها فرم اصلی مبارزه در بسیاری از کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره برای مبارزات آزاد بخش ملی میباشد.

این راه اصلی است که بوسیله مردم چین در چین

تعقیب و عمل شده به پیروزی رسید. این راه مائوتسه تونگ است که همچنین میتواند راه اساسی برای آزاد ساختن مردم سایر کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره که دارای شرایط صوری با ما هستند باشد.

(نظرات از سخنرانی لیو در کنفرانس اتحادیه های صنفی کشورهای آسیای استرالیا در یک سال ۱۹۴۹).

طرح دیگری که در بسیاری از جنگهای انقلابی توسط نهضت های ملی بکار برده شده است مجموعه ایست از انواع ابتدائی طرح قلمی، مائو و طرح رابط و متوسط طرح ماویم دارد. این طرح ها ممکن است با تاریخ شورشیگری خاصی اختلاف داشته باشند اما اساسا حوادث از جهت علی و واقعی با خطوط کلی این طرحها توافق دارند.

علاوه بر دواصل بالا برای جلوگیری از ورود عناصر ناصالح بحزب میتوان ازضربالکردن در اطلبان عضویت حزب و عضوگیری از طریق يك سیستم حساب شده طی هم چنین مسئول ساختن معرفیین متقاضیان نسبت باصطال گذشته حال و آینده اعضا<sup>۱</sup> جدا استفاده کرد . مبارزات داخلی حزب در صورتیکه بصورت طبیعی و الهام گونده از طریق تفکر حزبی باشد خود عامل موثری برای خالص ماندن حزب و تصفیه حزب میباشد و باید بعنوان يك ضرورت آثار حفظ کرد . ضمنیین ازراه راست را باید باضد های سلامت آمیز پراه راست برگرداند و اگر حاضرین اعتراض اشتباهات و کماها و قصورهای خود نشده باید اخراج شوند . حزب از نقطه نظر عملیات آینده باید بدوشک صغفی وطنی سازمان باید . سازمان صغفی برای دوشظهور میباشد یکی دطای دروقصی که ضد شورشگرها ام بدرهم کوبیدن حزب به نمایندوم اجرای عملیات هماهنگ در مناطق تحت نفوذ دشمن زمانیکه حزب دست بقیام صلحانه میزند .

نیتوان انکار کرد که خلق و ایجاد و رشد چنین حزبی بسیار بطئی و کند و آرام و طاقت فرسا خواهد بود . احزاب کونیست که از مزایای يك ایدئولوژی مدون جهانی برخوردار هستند و سالهای مضاری در این مرحله در جامه میزنند چه بسا در همین مراحل ازین مویزند و در حزب کونیست چین در اولین ملاقات ۱۲ نفر سر مؤسسين آن در شانگهای در اول جولای ۱۹۲۱ تا اولین گروه ۱۰۰۰ نفری اعضا<sup>۲</sup> سال حلول کشید ( بایک محاسبه معلوم میشود که نسبت رشد اعضا<sup>۳</sup> برابر بوده است با معرفی يك عضو جدید توسط هر عضو در هر شش ماه باین ترتیب در سال اول ۳۶ نفر سال دوم ۱۰۸ و سال سوم ۳۶۴ و سال چهارم ۹۷۲ نفر) بنای يك حزب انقلابی قوی مطمئن بدون شك تسریین قسمت شورشگری است . اگر این کار ساده ای بود با توجه بسه توسعه ماشینزوم<sup>۴</sup> از بیاد تجارت صرف پول و کوششهای فراوان کونیست<sup>۵</sup> تا بحال باسستی تمام دنیا رافرا گرفته بود .

اشتباهات در بررسی (حزب توده.م) و بحالی و تنبلی بشری و اوضاع و احوالی که خارج از کنترل شورشگر هستند بعضی اوقات بدانشی در سربراه ابرام جریان طبیعی تکامل حزب و اوانع عظیمی ایجاد نموده اند که بکنی حزب را در هم کوبیده است . ( سر نوشت حزب توده ایران - حزب کونیست عراق - سوریه - لبنان - اردن - مصر - الجزیره - یونان - کوبا قابل مطالعه

از نظر کونیستها<sup>۶</sup> و هر گروهی که مجهز و صلح بیک ایدئولوژی و یکب لکری باشند ) انقلاب صرفاً تنها سازگون کردن رژیم و نظام موجود نیست بلکه شامل ابرامه آن برای انتقال کامل جامعه بآن مدینه فاضله مورد نظر میباشد . مراحل زیر در چنین طریقی باید تعقیب شود

قدم اول - خلق حزب :  
 ابراز اصلی برای تمام عملیات حزب است . اولین قدم برای شورشگری تشکیل حزب میباشد . حزب باید متکی به طبقات اکثریت جامعه باشد . در کشورهای عقب مانده حزب شورشگر باید دهقانان متکی باشد . هر در مبارزات صلحانه در مناطق غیر شهری بیشتر توسعه باید نهضت باید بطور وسیع تری طبقات پایین و دهقانان را در خود بگیرد . از آنجا که در مراحل اولیه دهقانان و کارگران نمیتوانند رهبران شایسته ای برای انقلاب باشند لذا در مراحل اولیه این رهبران باید از میان روشنفکران بخصوص دانشجویان که گرمی و شوق و هیجان را باصل و درایت توأم دارند انتخاب شوند .

مبارزه ای طولانی در برابر حزب قرارداد تغییرات شدیدی با قدرت و ضعف انقلاب به حزب روی آور خواهد شد این امر وجود يك حزب قوی سیاسی و آیدئید و را ضروری میباشد .  
 حزب نباید انجمن بسی سازمان و از هم پراکنده باشد که با اولیین تغییرات سیاسی از هم پاشیده شود و بعد تحت فشار و عکسالمطبا و مانورهای سیاسی ضد شورشگر از هم متلاشی گردد .

مظهور از این تغییرات در جریان انقلاب و مبارزه اینست که حزب گاهی اوقات وشاید اکثریت نتواند نسبت به شرایط زمان سیاست اصلی خود را اعلام نماید و با گاهی مجبور است شمارهای سیاسی خاصی بدهد که اگرچه از نظر اصولی باید تئوریی او تطابق نداد اما دارای ارزشهای تاکتیکی میباشد . باید در حزب آنچنان رشد سیاسی و آگاهی توأم با انضباط وجود داشته باشد که اتحاد چنین سیاستهایی موجب بحران در حزب نگردد .

پس از پیروزی و وقتی حزب دست باصلاحات اساسی و اجرای برنامه خود میزند در چنین مرحله ای متحدین در پیرو از صغوف مبارزه جدا شده و چه بسا بدشمن ریزندیل میشوند . تنها بسیملین و آگاهی حزب است که میتواند حزب را در این مراحل از خطر متلاشی شدن صحن بسازد . همبستگی و یک پارچگی حزب را با آموزش و اجرای دواصل در داخل حزب میتوان تامین نمود . اول - سازمانیزم دموکراتیک و

است. م) در کوردهای یک تاحدی صدای مخالفین و فعالیت آنها داخل میشود و امکان فعالیت وجود دارد مرحله و قدم اول را میتوان از طریق قانونی صلح جویانه طی کرد.

قدم دوم جبهه واحد: گفتم برای تشکیل و توسعه یک حزب یک پارچه و متحد باید اعضا بدقت انتخاب شوند. به عبارت دیگر حزب مرکز تشکیل گروهی است از افراد و عناصر برجسته و نخبه. چنین حزبی بالاچاره یک حزب اقلیت خواهد بود. چنین حزبی نمیتواند به تنهایی همه قدرت تکیه خودش فد شود شکر آشوب و محکوم و آزار برنگین کند. بنابراین تشکیل یک جبهه واحد از تمام مبارزین که دارای حداقل هدف مشترک باشد ضروری است. هر قدر این جبهه وسیع تر باشد اثر آن بیشتر خواهد بود. مهم آنستکه جبهه، دور و اطراف حزب و در تحت رهبری او باشد.

در تشکیل چنین جبهه ای باید عوامل و مسائل چندی را در نظر گرفت. در یک چنین جبهه ای واحد و وسیع با ضروری متحدین است و بشکرت شرکت خواهد کرد. استفاده از همین متحدین در مواقعی که برنامه های شورشی را بر سر خط برود ضروری قرار می دهند باید متوقف کرد. یک راه حل انتخاب تاکتیکهای موقتی و موضعی میباشد. حزب از این عناصر سازمانها استفاده میکند و اولین فرصت که قدرت پیدا کرد و دیگر احتیاجی بآنها نداشت آنها را به یک طرف طرد مینماید.

( نمونه های فراوان یک چنین ائتلافات را در سابق احزاب کمونیست میتوانیم ببابیم. در ایران حزب توده در موارد متعدد و در کرات از این سیاست استفاده کرده است و مورد استفاده واقع شده است هم استفاده برده و هم آلت دست شده است. در جمعیت ضد استعمار و رگانه جوانان دموکراتیک جمعیت صلح، حزب توده توانست گروهها و عناصر و شخصیتهای به طرف زیادی را در جبهه ائتلافی خود بکشد و از آنها استفاده نماید.

در ائتلاف حزب توده با حزب دموکرات و شرکت در کابینه ائتلافی قوام السلطنه حزب توده به شدت آلت دست همانچنین شد و شکست خورد. داستان ائتلاف حزب ایران را با حزب دموکرات آنرا با جان و حزب توده که ضربه خلتا شدن حزب ایران گردیده مدانیم. ( ترجم ) در موقع تشکیل جبهه واحد حزب ممکن است شخصات خود را از دست بدهد. برای نظیل این خطر در هر ائتلاف و اتحاد حزب باید بصورت یک پارچه باقی بماند. حزب میتواند در هر ائتلاف و یا اتحادی شرکت نماید اما هرگز نباید در آنها سهیلک شود. باید شخصیت سیاسی خود را بطور مستقل حفظ نماید. عوامل طرفه آرا که از این رهگذر در حزب جمع می

شوند باید در سازمانهای همگام متمرکز شوند.

سازمانهای همگام سازمانهایی هستند که باید دست خود حزب تشکیل شده و در تحت کنترل حزب میباشند. خط مشی حزب و شمارها در هر یک از مراحل مبارزات باید شامل آن نوعی از مسئله باشد که تمام متحدین او را در برگیرد و ایجاد حداقل ناراحتی را در آنها بنماید و بیا هیچ ننماید. لذا باید نتایج و برنامه های حزب را برای بعد از پیروزی منطقی نگه داشت این برنامه ها باید فقط برای کارهای رهبری کننده خود حزب کاملاً روشن و مشخص باشد. اگر طبقات مختلف حزبی و اعضا آن کاملاً <sup>بسیار</sup> باشند قبول برنامه های تاکتیکی حزب و فهم آن برای آنها آسان خواهد بود و گرنه حزب دچار مشکلات داخلی خواهد گردید.

وقتی از حزب کمونیست چین راجع به برنامه های آینده آنها سؤال میشد آنها با یک لحن قابل اعتدای میگفتند که چین هنوز برای اصلاحات کمونیستی آماده نیست. چین باید یک دوره طولانی انتقالی سرمایه داری طی را بگذراند. در عمل این دوره انتقالی بیشتر از دو سال ( ۱۹۴۱ - ۲۲ ) طول نکشد.

در طی دوره مرحله دوم دستگاه سازمان بندی حزب در عطیات تخریبی که جهت آنهاست و به عامل اصلی زیر میانشد شرکت خواهند کرد.

۱ - سازمان ضد شورشی: از نقطه نظر جلوگیری از این بردن عکس العمل احتمالی بعدی.

۲ - متحدین: برای آنکه فعالیتهای آنها را در جهت انتخاباتی خود بکشانند و از هرگونه تصادم در داخل جبهه بهم خوردن آن جلوگیری شود.

۳ - توده مردم: به منظور آماده ساختن و توسعه مبارزات سیاسی آنها علیه ضد شورشی.

این برنامه ها از طریق نفوذ کردن در سازمانهای همگام، تحریرات، تبلیغات اجرا میشوند. جاسوسی، محصلو مهم و موثر این نوع فعالیتهاست.

بناز یک شدن زمانی آغاز مبارزات مسلحانه، کار در میان توده مردم، بخصوص مناطقی که بطور آرزویش و بوقت بعنوان پایگاه مناسب برای عطیات نظامی آینده انتخابند است توسعه میابد و رتبه بد میگردد. برای موفقیت اولین عطیات چریکی در منطقه انتخاباتی، حزب باید قوی باشد. اکثریت مردم انگیزه شورشی را پذیرفته باشند و بدان جذب شده باشند. در دوران دوم نیز فعالیت شورشیگرها اریسمی میتواند در چهار چوب امکانات قانونی وسع و در غیر خشن و مسالمت آمیز اجرا گردد. در این دوران حزب همچنان به یک طغیان عسوی وطنی که اجباراً ضد شورشیگر

را باقیله و سرگرمی او برآورد دست نمیزند. و اگر چنانچه غد شوشگر دست بحلقه طبعه شوشگر زنده حزب با در دست داشتن ابتکار عملیات همیشه حیوانه کوتاه آمده عقب نشینی نموده و مانع از اجرای تهدیدات غد شوشگر شود.

### مردم سوم - جنگ چریکی

حزب شوشگر شکن است قدرت را در برابر با بنای سیاسی و خرابکاری بدست آورده اما اگر پیوسته آنوقت مبارزه صلحانه ادامه مطلق مبارزات سیاسی خواهد بود. مبارزات صلحانه هم لازم است هم واجب. پیروزی باید با قدرت و پیروزی دست آید رهائی و نجات با سازش با تاسمین و تضمین دشمن بدست نیآید. یک جنگ انقلابی بی فایده استماری مصلحتی از جنگ جهانی طبعه سرمایه داری و امپریالیسم و استعمار است. بنابراین پیروزی نظامی طبعه یک دشمن در حقیقت پیروزی طبعه دشمن جهانی است شکست نهائی او کفک میخاید.

وقتی یک جنبش و نهضت آزادی بخش پیروزی خود را با جنگ صلحانه بدست میآورد و حکومت را تصاحب میکند پیروزی واقعی و اقتصاد او کامل است.

چنگه توده های مردم را طبعه بندی و صفوف را مشخص میکند و دشمنان و دوستان را مطلقاً مشخص میخاید. این امر نتیجه خود اجرای برنامه های انقلابی و آسان و تسریع میخاید. در طی جنگ حزب یک پارچه تیره میست تریگرود. تجربه بدست میآورد. مبارزات صلحانه بسیارهای بیگانه حزب را که در تمام احزاب امری طاری است از بین میبرد و معالجه میکند.

اضافه ضعیف حزب را جدا کرده و تصفیه میخاید. حزب امکان میدهد که بهترین رهبران واقعی خود را انتخاب کند. مفهوم مطلق چنین چیزی نیست که نهضت شوشگری باید صرفاً از طریق گوشه های خود پیروز شود. اگر شوشگر با حالت یک نیروی خارجی قدرت را بدست آورد ضعف داخلی حزب نظیر سرطانی خواهد بود که او را سلباً پیوسته خواهد آورد. (نمونه ها)

این چنین امری فرولان است یعنی یک نمونه از آنست (م) نتیجه مبارزات صلحانه آنست که حزب پس از پیروزی، از نیروی مصلحی برخوردار است که در پیروم عملیات تیرد کاملاً آید و به آرزوهایش شده است و حزب را در تغییرات سیاسی بعد از انقلاب پشتیبانی میخاید. بنابراین خواه بعلمت آنکه جهاد

صلحانه تنها راه شناخته شود، و با این حزب به جهاد صلحانه مظهر قیام صلحانه گردد، چون اتفاقاً تصمیم بر عهد پیوسته شوشگر است، او هر موقع که احساس نماید همه چیز آماده و موقع مناسب است، زمان شروع را انتخاب میخاید. معمولاً این موقع وقتی است که غد شوشگر بعلمت یک بحران تعدادی و با بحران ایجاد شده توسط خود شوشگر ضعیف شده است. خرابکاری اثرات مصلحی ایجاد خواهد کرد. افکار مصلحی متزلزل و متفرق و تفریک شده است اینها از جهات مصلحی بود. در جهات مثبت سازمانهای حزبی در بعضی مناطق غیر شهری توسعه یافته است. از نظر خارجی موقعیت که شرایط بین المللی اجازه نمیدهد که یک دولت خارجی بنفع غد شوشگر دخالت مستقیم نماید و موقعیت که شوشگر میتواند از بعضی کمکها و حمایتهای معنوی و سیاسی خارجی در این مرحله و کمکهای نظامی در مراحل بعدی در صورت لزوم برخوردار شود.

جهاد صلحانه تنها راه ممکن برای عمل در گام میخاید. در این مرحله اولین هدف حفظ حیات مجاهد و ادامه جهاد صلحانه است. در همین هدف و شاید آخرین هدف استراتژیکی استقرار پایگاه چریکی میخاید. زیرا در این پایگاه است که مراکز اداری شوشگر مستقر خواهد شد. نیروی های انسانی و سایر منابع حیاتی مورد بهره برداری قرار خواهند گرفت. نیروهای مصلحی (گوشه های چریکی) خلق و سازمان خواهند یافت. جنگ چریکی بدین پایگاه بر اساس نظریه ماتوزین یک گروه راهزنان سرگردان چیزی نیست و قادر نخواهد بود که با توده مردم ارتباط برقرار ساخته و توسعه پیدا کند. و سرانجام شکست خواهد خورد.

از نظر مصلحی صرف نظر از همه آنها باید فراموشی، میان فعالیت روزانه یک گروه راهزنان طاری هیچ فرقی با عملیات اولیه چریکی وجود ندارد. (البته منظور از نحوه عملیات جنگ و گریز است نه از نظر محتوی چه مثلا میدانیم نظریه رفتار مجاهدان شن و اسراجف با راهزنی متفاوت است (م) چه چیز باعث میشود چریکها زنده بمانند و توسعه بمانند؟

- هدف مصلحی و همکاری مردم.

این گد پیروزی چریکها و در نتیجه پیروزی شوشگر است. مانع این امر اینست که تشبیه چریکها به ماهی و مردم را با آب منعکس میخاید. هدف مصلحی را نباید با هدف مصلحی آنها اشتباه کرد. هدف مصلحی، فعالیت مثبت و مصلحی است، هدف مصلحی غیر فعال است. مصوبیت همس و همکاری

انگیزه شورگره تنهایی کافی نیست که هدفی بوده مردم را به همکاری تبدیل سازد .

شرکت فعالانه مردم در نزاع و دروغ و نفاق از هر چه توسط یک سازمان سیاسی ( حزب ) که در میان مردم زندگی کند و یک منبع زور قدرت ( چریکی ) ، تحقق پذیر است . سازمان سیاسی از میان مردم و آنها که شورگره را حمایت میکنند و میباید به آنها تکیه کند یعنی اصلی را که انگیزه شورگره را برانگیزد آورده باشند جدا کرده و متشکل میسازد اینها ضروری است اما کافی نیست . گروههای چریکی برای این من بردن دشمنان نهضت باید به زور متصل شوند . باید کسانی را که بالقوه آمادگی جهت همکاری با دشمن را دارند تهدید و مانع همکاری آنها با دشمن شوند . تنها با اصلاح زور است که میتوان توده مردم را متحد و متشکل ساخت .

البته برای اصلاح زور یک محدودیت اصلی ، نه اخلاقی ، وجود دارد . قانون اصلی اینست که هرگز در یک زمان واحد بیش از آنچه که قادر به اداره آن هستیم مردم را به زور تهدید تحت کنترل خود در نیاییم بجهان اندازه که ارتباط میان سازمان سیاسی شورگره ( حزب ) و مردم اهمیت دارد بجهان اندازه نیز ارتباط میان نیروهای مسلح شورگره و توده مردم اهمیت دارد . کنترل این که نیروهای مسلح در وضعیت مناسب قرار بگیرند و هرگز این نیروها را در سازمان سیاسی نشوند وظیفه کسبهای سیاسی است . عملیات چریکی در مرحله اول طرح ریزی خواهد شد . این عملیات قبل از آنکه صرفا برای هدفهای نظامی باشند جهت متشکل ساختن مردم اجرا میگردد . اجرای یک کمین طبقه به سازمان دشمن ، ممکن است یک موفقیت نظامی باشد ، اما اگر این عملیات نتواند حمایت اهالی یک ده را جلب کند یا ساکنین ده که رابطه خود شورگره بر زبان نگیزد ، پیوسته محسوب نشود . چه آنکه خبر به " توده " نرسد . به عبارت دیگر فرمایش ( اصل غسته کردن ) دشمن ، حاصل عملیات چریکی است نه آنکه هدف اصلی آن باشد .

- عملیات کجا انجام گیرند ؟

در مناطقی که خود شورگره نمیتواند آنها را با آسانی کنترل نماید در آن مناطق گروههای چریکی میتوانند با آسانی آماده حیات داده و توسعه یابند .

- چه عوامل اولیه ای در انتخاب این مناطق مؤثرند ؟

۱ - قدرت سازمان سیاسی شورگره در میان توده مردم که در طی کارهای عملی بدست آمده است .

۲ - دوری این مناطق از مراکز قدرت اصلی خود شورگره .  
۳ - عدم امکان دست یافتنی دشمن با تجهیزات و وضعیت خود منطقه و ارتباطات ضعیف .

۴ - موضع و موقعیت منطقه در میان مرز اداری و کشوری در ایالت که داشتن عملیات عکس العمل دشمن را متشکل میسازد بعد از آنکه به تدریج پیوسته های کوچکتر خبر به پیوسته های بزرگتر میشوند عامل اول اهمیت کثیری پیدا خواهد کرد . جنگ چریکی را میتوان با انجام چریک و کارهای سیاسی بسیار مناطق توسعه داد و ولایت که سازمان سیاسی شورگره در آن مناطق ضعیف باشد و با وجود داشته باشد . این امر اهمیت موقعیتهای اولیه را تأیید میکند .

تجهیزات و تسلیحات در این مرحله متشکل اساسی نیستند

در این مرحله احتیاجات شورگره بسیار محدود است . سلاحها ( طمانچه ، تفنگ ، تفنگهای شکاری ) عموما در دسترس هستند یا میتوان آنها را خرید یا بطور قاچاق وارد کرد . سلاحهای تخریبی ( نارنجکهای دستی ، مین ها ، حتی خمپاره اندازهای کوچک ) میتوان در سطح ساخت . مواد اولیه را میتوان از منابع دشمن به دست آورد . تضعیف روحیه نیروهای دشمن بسیار مهم است . بهترین طریقه آن اتخاذ روش ترس و اوارا و فرار با اسرای دشمن است . با آنها باید بسیار خوب رفتار کرد . آنها را در پیوستن به جنبش با آزرده کردن و ولایت آنها مجدداً به نیروهای خود شورگره پیوسته ند باید مختار ساخت تا خود هر راهی را که میخواهند انتخاب کنند .

در مراحل اولیه این سیاست ممکن است باعث عقب ماندگی عملیات بشود اما اثرات آن در یک برنامه طولانی ظاهر خواهد شد . نمونه و مثالهای فراوانی در این مورد وجود دارد .

در آوریل ۱۹۴۷ - نویسنده کتاب طی " یک سفره غرب چپ " توسط نیروهای کومیت دستگیر شد . صبح اول با اونیوس یک اسیر جنگی رفتار شد و تمام روز تحت مراقبت شد به بود . اما تمام هفته را با اونیوس یک همچنان علیه رفتار کردند . در تمام طول هفته کارهای ضد نظامی ، سیاسی ، استراتژیکی و تاکتیکی خود را برای او تشریح کردند . یک کسب سیاسی و سیاست و تاکتیکیهای کومیت را در رفتار با اسرای جنگی تشریح کرد . اسرار را انتخاب یکی از راههای زیر آرد بود :

۱ - پیوستن با ارتش کومیت

۲ - اقامت گزید ، در منطقه کونیستهاک در آنجا قطعه زمین  
پاوداده میشد .

۳ - برگشت بولایت ونهر خودش

۴ - بازگشت بارش دولتی (کومین تانگ )

نویسنده چند روز بعد از یک اردوگاه موقتی اسرای جنگی  
دیدن کرد . در این اردوگاه ۲۰۰ نفر اسرای کومین تانگ  
از افسوسناک تازه اسیر شده بودند اقامت داشتند کیمبرسیاسی  
سرگرم صحبت با گروهی از آنان بود . نویسنده از گروه دیگری  
سئوال کرد که آیا کسی از آنها قبلا هم اسیر شده بوده است ؟  
تنها سه افسران طی اعتراف کردند که این دو مین باری است  
که آنها توسط کومینتها اسیر شده اند .

در همان ماه آوریل یکی از همکاران نویسنده اردوگاهها  
را در چین مرکزی که در آنجا ارتش دولتی کومین تانگ ۵۰۰۰ اسیر  
کونیست را نگهداری میکرد باز دیده نموده و از نزول مشکل سئوال  
کرد :

- آنها در کجا دستگیر شده اند ؟

- مین خودمان بماند ما همین از ۱۰ نفر جدا اکثر اسرا کونیست در  
میان اسرا نداریم .

- پس بقیه چه کسانی هستند ؟

- سرمازان دولتی که قبلا بدست کونیستها اسیر شده بودند و  
کونیستها آنها را آزاد کرده اند و ما میخواهیم که آنها بقیه ارتش ما را آزاد  
سازند . بنابراین کونیستها این حق موقتی شده بودند وضعی بوجود  
آوردند که دولتها خودشان یکدیگر را کنترل نمایند .

کونیستهای چین ابتدا این تکلیف را با موفقیت تعجب آوری برای  
اسرای واپس دولتی جنگ طبعی واپس مورد استفاده قرار دادند . بسیاری  
از رهبران مهم حزب کونیست واپس اسرای سابق بودند که از درسه  
چینها برای اسرافارغ التحصیل شده بودند اولین علامت نفوذ چین  
کونیست در ویت مینه در ۱۹۵۰ وقتی آشکار شد که روش ویت مینه پس  
اسرای جنگی فرانسویها کاملا تغییر پیدا کرد . بجای کشاورزی جمعی  
آنها ویت مینه آنها را تحت نظارت و نظایات شدیدی قرار میدادند .  
علاوه بر حل مسئله تدارکات و طبقات ، شورشیها به یک مسئله دیگری  
نیز توجه کرد و آنرا حل نماید .

گفتم یکی از ما با سرما به های شورشی حرکت وسالمت اوست .  
نتیجه ناکیکی این سرما به طبیعت واهیت پراکندگی عطیات او میباشد .  
اگرچه این امر ( پراکندگی نیروها و طبقات ) کار قابل با آنها را توسط حد

شورشیکی بسیار مشک میسازد . اما در مین حال ایجاد وحدت در میان هدفا  
و هماهنگی میان عطیات این نیروهای پراکنده . مسئله ای است که شورشی  
با آن روبروست و باید بدان چاره ای بیندیشد .

یک راه حل ساده و عملی تدبیر وسیع یک دکترین ساده و عادی  
برای تمام نیروها میباشد . جبهه واحد در طول تمام زرد شور و  
جنگهای چریکی بوقت خود باقی است و باید در طی مبارزات استحکام  
یابد .

چگونه میتوان بدون آنکه بوقت استحکام و یک پارچگی سازنا  
شورشیگر لطمه ای وارد شده باشد بین اجازه شرکت در نبرد های چریکی  
را بداند ؟

تنها راه آنست که حزب در سازمان - در مین مین - در مین مین - در مین مین  
رهبری از متحدین همیشه برتر و جلوتر باشد . حزب باید تنها رهبر در جبهه  
واحد باشد . بررهبران مقتدر در میان جبهه اتلا فیء با باید پیروزند و  
آنها را با تقویت ، همکار همراهِ ساخت و با بطرف ساخته و بر کار خود تنها  
حزب باید توسعه پیدا کند . با حزبا متحد ممکن است اجازه ورود در .  
نقطه برای آنکه آنها را راکتور و از بیشتر ترت بازر داشته

تا کیکیکی نظامی جنگهای باویشانی خیلی بهتر از آن شناخته شده اند  
که بخوان آنها را در مین مختصر شرح داد .

### قدم چهارم : جنگ تحرک

با جنگ چریکی به تنهایی نمیتوان یک ارتش هم و مجهز را شکست  
ساخت و بر آن پیروز شد . فعالیتهای متحد و طولانی چریکی که برای  
شورشیگر خیلی ارزان و برای ضد شورشیگر خیلی گران تمام میشود ممکن  
است بالاخره در اردوگاه ضد شورشیگر ایجاد بحران نماید اما در مین حال  
ممکن است مردم را نیز خسته و میزگر کرده و جبهه واحد را شل و باز  
هم بگسلاند لذا باید بتدریج با دشمن مطابق وضعیت و امکانات خود  
اوپر بروند . یک ارتش عادی شورشیگر باید برای مقابله و از مین بودن  
ارتش عادی ضد شورشیگر وجود آید . اما در تشکیل چنین ارتش مسئله  
زمان متناسب را نباید فراموش کرد . اگر تشکیل آن قبل از موعد

مناسب انجام گیرد ممکن است به فاجعه منجر

شود . براد تشکیل ارتش عادی باید وقتی را انتخاب نمود که

پایگاههای آزادنده همون از حملات مکرر ارتش ضد شورشیگر باشد .

و تا نیازمندی که اشکالات تسلیحات تقریبا حل شده باشند و وقتی

این شرایط مهیا و آماده شدند بهترین واحد چریک را میتوان به

واحد ارتش عادی تبدیل ساخت و بتدریج از واحدهای کوچک

شروع کرد و به لشکر سپاه رسید . تسلیحات سنگینتر مسئله است .

میزان سلاحها و انوفی که در دسترس شورشگر هستند محدودیت او را در توسعه نیروهای عادی تعیین مینماید. نمیتوان روی تولید سلاحها در محل چندان حساب کرد چونکه تفرخانه های شورشگر در پایگاههای هدفهای بسیار آسانی برای تخریب از طرف ضد شورشگراست. دوامگن برای تسلیحات وجود دارد. یکی منابع داخلی صاحب اثر شدن و دوم منابع خارجی <sup>بهره</sup> خریدن و پاکهای بلا عوض دولتهای برادر دوست میباشد.

تسخیر و تصاحب اسلحه از میزان و منابع دشمن، ماهیت عملیات شورشگرانه تعیین مینماید. بعضی از عملیات شورشگرانه عملیات تجارتنی هستند. طرح و اجرای آنها بیشتر برای کسب و دست آوردن احتیاجات است لذا از نظر تاکتیکی نیروهای شورشگر گهگاهی بطور ناگهانی و غیر مترقبه علیه واحدهای جزوا و یزوله ضد شورشگر متحرک و موثر ایجاد سلاح نموده نابود سازند. . . و این اساس جنگهای متحرک ( MOVEMENT WARFARE ) است.

در جنگهای متحرک شورشگر از سه جهت خود از سازمانهای جاسوسی و غیره گریز بهتر، از تسهیلات و امکانات لوجیستیک که توده های مردم در دسترس کشورها همگاری و همدردی خود برای او وجود آوردند بهره برداری مینماید. در چنین جنگهایی برای سهولت و تحریک هر چه بهتر باید تسلیحات سنگین ازین بهره. به علت امکانات محدود لوجیستیک ضربه بحرین باید بسیار کوتاه باشد. بهیچ حظه مستعدی نباید دست زد و بنظر استفاده از سیستم خبرگیری بهتر، عملیات ضرورتاً در مناطقی اجرا میگردد که سازمانهای سیاسی شورشگر در میان مردم قوی و فعال میباشد. اما برای عداوت و تهیه سلاح از خارجه، اگر چنین امکانی برای شورشگر باشد و ضرورت ایجاب نماید. پایگاههای بالا جابجا باید در نزدیکی مرزهای بین المللی کشور نزدیک به منابع عداوت باشند. واحدهای شورشگر حلت هم برخوردار از تجهیزات مناسب از شرکت دولتی یا دولتی ثابت خودداری می کنند. واحدهای عادی بخصوص وقتی تازه تاسیس شده باشند بقدری برای شورشگر ازین دارند که تمام از پایگاههای ثابت را باید بچیده سایر نیروها نظیر توده مردم، سازمان گارتی، واحدهای خبری سازمانی که از نظر عملیات دولتی آموزش و امکان بیشتری در اختیار داشته و آگاه گردد.

در عملیات تهاجمی ( OFFENSIVE ) باز همین واحدها و نیروهای نکرده در بالا وظیفه جمع آوری اطلاعات و محافظت پایگاه و نظارت بر آنها را برعهده دارند. از روی مطالعه

انواع پایگاههای ثابت شورشگر میتوان بطرح ضلعه ای استراتژی شورشگری برد.

پایگاههای عادی: مناطقی هستند که در آنجاها نیروهای عادی استراحت میکنند و نیروهای عادی تحت عملیات و یادگیری سازماندهی میباشد. محافظت و دفاع این پایگاه برعهده سازمانها و نیروهای نکرده میباشد. در چنین پایگاههایی حکومت محلی شورشگر در از دسترس و ضمن از حملات دشمن بطور طبیعی حاکم است. امور مردم را اداره میکند و به تعلیم و تربیت و حفاظت محل و وصل مسائل سیاسی واجتماعی و کشاورزی توده مردم می پردازد. برخوردار از چنین پایگاههایی برای شورشگری بسیار ممکن است که ضد شورشگر نتواند نیروی عظیمی را از سایر مناطق کشور برای درهم کوبیدن پایگاه آزاد شده شورشگر گمیل نماید.

پایگاههای چریکی: این پایگاهها بیشتر مورد خطر تجارتنی و حملات می درین ضد شورشگر هستند اما نیروهای دشمن صیانت کرده باقیانند در منطقه نمیانند. در این پایگاهها علاوه بر سایر انواع نیروها نیروهای عادی فعال نیز وجود دارند پایگاه بطور کاملی تحت کنترل سیاسی شورشگر میباشند و سازمان یافته است. ارگانهای اداری برای انجام وظائف طنز باطنی بر حسب شرایط تعیین شده اند مناطق چریکی: مناطقی هستند که نیروهای شورشگر بطور دائم و تابش با نیروهای ضد شورشگر درجنگ و جدال هستند.

مناطق اشغال شده: مناطقی که تحت کنترل نظامی سیاسی ضد شورشگراست و در این مناطق شورشگر فقط قادر است بطور منفعلی زیر منحنی کار کند. هدف و ضد شورشگر این است که بتدریج همه ترتیباً مناطق اشغال شده را به مناطق چریکی و مناطقی چریکی راه پایگاههای چریکی و سپس همه آنها را به پایگاههای عادی تبدیل نماید. برای آنکه بتوان توده مردم را بسیج و مجبور برای یک جنگ نهائی نمود هر یک از سه منطقه تحت کنترل شورشگر باید در آن واحد یکی از انواع سازمان وابسته باشند و در آن فعالیت نمایند. یکی سازمان افقی و بیاترازی که سازمان محلی ( جغرافیائی ) در دهه دهک موضعه میباشد و دیگری عمودی که ساکنین محل را بر حسب انواع طبقه بندی بر نظیر جنسیت، سن، شغل، مذاهب، پیشه و مشاغل می سازد.

حوزه های حزبی در تمام این سازمانها رخنه کرده و سازمانها و سایر عوامل استحکام آنها میباشد. در رأس تمام این سازمانها یک سازمان دیگری به حفظ و انضباط و اینکه هرگز در صورت صحیح

قرار داشته باشد که مینماید. این سازمان مخفی بوده و هیچکس نه  
اعضای آنرا نمیشناخده و مسئولین آنرا تنها آنها در برابر مسئولین بالاسر  
و عالی ترحیب و ایاگو هستند. در واقع وظیفه آنها کنترل کسانی است  
که بخواهند مردم را کنترل و هدایت میکنند. در سال ۱۹۴۷ وقتی نوشتند  
اسیر کونیهستان - ملا حظه کرد که بلا فاصله گروهی از کارگردان غیر نظامی  
کنترل اداری شهراکه حاکم نشین منطقه هسین ( HSIEN ) بود  
در دست گرفتند. این کارگردان از دستقابل برای چنین وظیفه ای  
نعمین شده بودند و صورت یک حکومت نامرئی سایه و اربابانهای  
چریکی فعال در منطقه همکاری می نمودند.

نویسنده از کمیسیسی ارتش سوال کرده که:

- نیروهای شمشیر هسین کیانگ ( KIANG ) را بطور دائم در تحت  
اشغال خود نگه نخواهند داشت وقتی ارتش شمالی بجا ارتک که بر سر کار  
شده ان غیر نظامی شطجه خواهد آمد؟

- آنها نیز شهروان ارتک میکنند و گاو نیز یعنی خود را بجد شروع میکنند.

- آیا آنها که خود را طغی ساخته اند ارتش خود را از دست نمیدهند؟

- ما هنوز عوامل مخفی دیگری در شهراهم . وقتی ما وارد شدیم آنها  
خود را طغی نکردند ما حتی نمیدانیم آنها چه کسانی هستند وقتی ما بریم  
آنها در شهریاتی خواهند ماند

این کارها قبل از هرچیز بر اساس وفاداری و صداقت و در مرحله دوم بر  
اساس کارهای طاعم هر چه است ای که در صحنه عملیات انجام میدهند  
انتخاب میشوند. تا زمانیکه کارهای شورشگر تعلیمات کامل ایند و طولی  
و طغیانات کافی ندیده اند و تا زمانیکه صداقت و وفاداری آنها مطلقا ثابت  
نشده است از این کارها استفاده نخواهد شد.

انتخاب افسران و رهبران در جنگهای شورشگری یک انتخاب  
طبیعی است. آنها قبل از آنکه انتخاب شوند و مسئولیتی بعهده آنها  
و اگر از کرد در میدان جنگ چیزی و فراست و خیره و استخفا خود را بروز  
داده اند. مطالعات نظری و تئوریک در دوره های بالاتر آموزش و  
تعلیمات آنها را کنترل مینماید. چنین انتخاب اصلاح را با انتخاب  
افسران ارتش در سازمانهای ارتش عادی قلمبه کنید.

انتخاب افسران ارتشهای عادی بر اساس استناد دارد و افسران آنها  
است و از آنجا که در اکثر کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره برخورداری  
از امکانات تحصیلی برای طبقات پایین جامعه علی نیست لذا این  
افسران عیلا و صیبا فرزندان شهرها و خورده و بیوزاری میباشند این  
چنین افسرانی بهمان اندازه نسبت به واقفیات زندگی توده واقعی  
در هفتان جامعه بیگانه هستند که افسران امریکایی و انگلیسی اوستا

خیلی کمتر از آنها قابلیت انطباق با شرایط سخت جنگهای انقلابی را  
دارند.

قسم پنجم: عطیات جنگ نابود کننده

بتدریج که نیروی قدرت کمی و صوبی شورشگر شد میکند و در  
همین حال که قدرت دشمن او تقویت مییابد و صوبی خواهد رسید که  
تعدادی میان نیروهای دولتی ایجاد خواهد شد. در اینجایی  
قدرت شورشگر تنها سرمایه های نظامی اولیه یک پارچگی وهم  
بستگی و یک نواختی ساختمان و محتوی سازمان او، وسیع و تنجیب  
توده های طت در مناطق تحت کنترل او بمقتلایت های تخریبی  
و اخلا لگانه سازمانهای زیرزمینی و مخفی او در مناطق تحت  
کنترل ضد شورشگر، و بالاخره برتری بیسیکولونیکی شورشگر  
راه هر را باید با هم در نظر گرفت و حساب کرد.

از این مرحله به بعد میزان وسعت عطیات شورشگر سرعت  
رو باز یابد خواهد گذاشت. یکسری از عطیات تهاجمی به منظور نابودی  
کامل دشمن و انجام آخرین ضمت برای پیروزی نهائی اجرا  
خواهند شد. در هر زمانی از طول جریان علیه شورشگر ممکن است  
پیشنهادات صلح ارائه دهد. اما آنها باید وقتی ارائه داده  
شوند که حاصل آنچه را که شورشگر بدست میآورد بیشتر از آن میزانی  
باشد که از طریق جنگ بدست خواهد آورد.

" طرح میان بر "

هدف شورشگر از این طرح عموما بدینصورتی تصاحب قدرت  
است مشکلات بعد از پیروزی موقاصصوت گذاشته میشوند.  
هدف فوری و طاعم و واضح گروه کوچکی از افراد فداکار و از خود گذشته  
بدون یک سازمان سیاسی وسیع که نهضت شورشگری آنها را احسا  
کند در مرحله اول ایجاد سریع یک حزب انقلابی مییابد.

قدم اول - نورسیم کور ( BLIND )

هدف این نوع نورسیم یک سلسله عطیات برای تبلیغ سر و  
صد اینفک نهضت متوجه و شورشگر ساختن افکار توده مردم و جلب پشتیبانی  
عناصر مسلح و آماده مییابد. این نوع عطیات دارای برنامه  
حساب شده خاصی نیست. نمونه علی بسیار دراماتیک و حد  
اگر جذاب مییابد. عطیات همانگونه بی دری و شورشگر هستند.  
برای این نوع عطیات تعداد کمی لازم هستند؛ بموجب بهمان محد  
بوضایف یکی از اولین رهبران جنبه آزاد بخش الجزایر در عطیات  
نورسیمی روزا ل نوامبر ۱۹۵۴ بین از ۴۰۰ تا ۵۰۰ نفر شرکت  
نداشتند. بدون کشتی برتغالی توسط یکی از مخالفین سالار از

نحوه بودن حتی قهرمانان سابقات معروف ماشین سواری درهاوانا ( کوبا ) توسط طرف اران کاسترودنی جز توجه افکار عمومی جهان نداشته است .

قدم دوم : ترویسم انتخابی

این قدم بلا فاصله وسرعت وشماقتب قدم اول اجرا میگردد هدف اینستکه فدشورگررا ازتوده مردم جدا ساخته، مردم رادرجازات واردوشریک وهمدست نوده ویا حداقل همدردی آنها را جلب وهمدستی ضعیف وانفعالی ( عدم همکاری بادشمن او ) را بدست آورد .

این هدف باکشتن بعضی ازافسران وکارشدان نه زیادعالیرتبه دشمن درقسمتهای مختلف سلطت که ازتزیك باتوده مردم سروکار داشته اندتامین میگردد . کشتن کارشدان عالیرتبه فدشورگرکمی بهدفع نخواهد کرد . چه آنکه آنها ازتناس ریزیره با مردم بسیار دورند وریگ آنها اصلا نمیتواند نمونه ودرسی برای سایرین باشد . پس ازآنکه ترویسم آغازشد اولین گروه طرف اران مشغول جمع آوری پول ازبازار مردم میشوند . اگرچه پول حلال بسیاری ازمشکلات است ونهیه آن يك هدف اصلی، اما عطیات جمع آوری پول خود اوری اثرات جانبی مهمی میباشد .

مقدار پولیکه باین طریق جمع آوری میشود استناد ارد ساده ایرا برای اندازه گیری راندمان وپایزه طرف اران بدست میدهد ووسیله خوبی برای انتخاب افراد واهضا فعال میباشد .

این عطیات همچنین توده هارادرم پیچیده روح انقلا بی آنها رامجبوبه برزویظهورمینماید : " اگرپول بماندهی باما هستی . واگراز پرداخت پول خودداری کی ازخاقتنی " .

چند نفر از آنها که حاضر یکم نیستند کشته وچند نفری تهدید میشوند . برای آنکه توده مردم را بیشتر سیم وهمدست نمود چند مبارزه ضعیف و تعمیم ( نظیر " تعمیم تنباکو " ) ماتعمیم سیگار ویا قند و شکر و یا پاکت اتوبوسها وضیره شروع میشود .

چند نفر خاطی رادرحال سیگار کشیدن باجائی خوردن گیر آورده آنها رامیکشند . این قطعا اگر هدفش انتباه وتوجه دادن به توده مردم باشد اثر میگردد . بنا براین این عطیات نباید مؤدبانه وحرمانه اجرا گردد بلکه حتی الامکان باید پرسرود اوراماتیک باشند . معمولا پس ازصل اطلاق درکار جسد میگردد ارنه وشرح میدهد که این شخص دريك دانشگاه انقلا بی باتمام چنین جرائی محاکمه و ضیابا محکوم

بندام شده است وسپس حکم توسط نیروهای صلح اجرا شده است . شورشگر باید تمام پلها نیروگ مردم را بدست شورشگر ویا متحدین بالقوه او مربوط میسازد خراب نماید .

کسانیکه طرف ارتزاسزش باشد شورشگر هستند هدف این عطیات وحملات خواهند بود .

پس ازآنکه این عطیات بطور وسیع اجرا شد شرایط برای آنکه نهضت دست به عطیات چریکی بزند برای آنکه مردم بطور موثری بسیج شده و مجهز شوند آماده رسیده است . ازاین مرحله به بعد ادامه طرح همان برتوز نظیر طرح ارتودکس خواهد بود . ( جنگ چریکی جنگ تحرک، عطیات جنگی ناپدید کننده )

اجرای عطیات ترویسیم غیر قانونی، غیرصالحیت آموزشی در رابطه ای کار صلح است برای شورشگر خطرناک بشود چه ترویسیم ممکن است نارس بوده ویا جادعکس العمل ضعیف نماید . اما در حال این طرح ممکن است سالها کار کند وسازماندهی راه جلوباناندازد . باترویسیم گروه کوچکی از شورشگران يك شبکه در راس نهضت های انقلا بی بزرگی قرار گرفته اند . بعضی از آنها در همان اوایل کار بریزنده اند بدین آنکه به عطیات بیشتری احتیاج داشته باشند . اما در حال خانه عمل باطنی وشنیدی حاصل از ترویسیم، با از هم گسیختگی معمولی بعد از پیروزی حزبی که آنچنان بسرعت بهم بافته ویرداخته شده بوده است همراه خواهد بود .

زخم پذیری طرح ارتودکس

در چنین طریقی فرض براین بود که شورشگر در کمپوری کار را شروع میکند که افکار وفعالیت های مخالف از طرفی دولت تحمل شده ومجاز باشد بنا براین حساسیت وزخم پذیری نهضت در دور مرحله اول خلق حزب وتشکیل جبهه واحد بستگی کامل بقدرت تحمل فدشورشگر دارد و آن کم زیاد میشود . با از یاد قدرت شورشگر برپایزود فد شورشگر نگران خواهد شد وهکس العمل نشان خواهد داد . لذا زخم پذیری شورشگر زیاد میشود اوظافه يك قدرت نظامی است . و در موقعیتی نیست که بتواند بازو مقاومت نماید . اگر عکس العمل فد شورشگر در این مرحله ضعیف باشد / شورشگر خواهد توانست این مرحله بحرانی را پشت سر گذارد وزنده بماند .

حالا اگر شورشگر توانست همه این مراحل را طی کند حزب تشکیل دهنده جبهه واحد را بوجود آورد دشمن نتواند در هیچ يك از این مراحل او را ضعیف سازد و خواهد قدم سوم را برداشته بدست جنگ چریکی

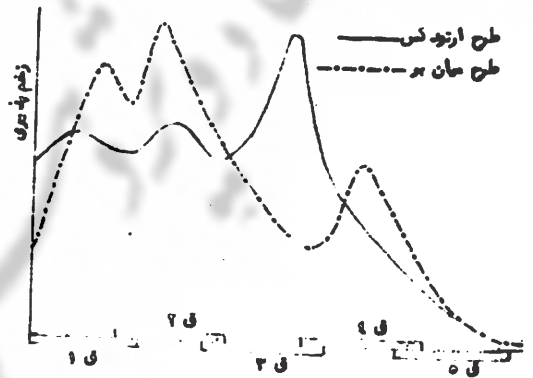
بزند قدرت نظامی او هنوز بسیار ضعیف ونافض است . بطوریکه ممکن است

تأمین وقت و مسافت‌ها صحنه آهسته و روان‌ترین برهمنها را بین نسبت زخم پذیری این جهت اکثری می‌کند. در این مرحله ممکن است نسبت یکی از میان برود. اما اگر بتوانست زنده بماند زخم پذیری او از تنزل می‌کند تا جوتس که بخواهد دست بشکند ارتش‌های بزند. (قدم چهارم). باز مجدداً زخم پذیری ترقی می‌کند و اگر شورشگر توانست این مرحله را هم پشت سر گذارد و یک شورشگر زخم پذیر نبوده و هیچ نیروی قادر به از بین بردن او نیست. اگر بتوان زخم پذیری را اندازه گیری نمود، ممکن است تغییرات آن را بصورت شکل زیر نشان داد.

مراحل مختلف جنگ انقلابی

ضخای آسیب پذیری شورشگر در جنگ انقلابی

شورشگر تمام نیروهای خود را طبقه این سطح می‌گذارد زخم پذیری او ترقی می‌نماید. در طرح میان بر اصولاً نیروهای صلاح خیلی زیاد تر و بیشتر از ارتش و کس بعد از آن می‌آید در مرحله دوم زخم پذیر بعد از خود میرسد و اگر چنانچه نسبت شورشگر توانست این مرحله را بگذراند زنده بماند 6 زخم پذیری او در تبارزه نشان خواهد گذاشت یعنی در مرحله سوم (جنگ چریکی) وارد می‌شود طرح میان بر وارد و کس یکی می‌شوند اما زخم پذیری در این مرحله در طرح میان بر خیلی کمتر از طرح ارتش و کس می‌باشد چه در این مرحله | شورشگر توانسته است ضد بدترین عکس العمل همای ضد شورشگر را پشت سر گذارد.



زخم پذیری طرح میان بر

در صورتیکه شورشگر طرح میان بر را برای اجرای عملیات خود انتخاب کرده باشد نسبت زخم پذیری او در ابتدا بسیار کمتر است، چه آنکه او عملیات خود را بطور مخفی شروع می‌کند، اما این نسبت بلا فاصله پس از شروع عملیات بسرت بالا میرود. این از بد نسبت زخم پذیری بحالت ماهیت خود عملیات می‌باشد. اگر عملیات با خبری و بی‌پندگی کامل اجرا نشود ممکن است پس‌های بتواند آنها را از بین ببرد. در این مرحله شورشگر پیش از هر چیزی تبلیغات احتیاج دارد تبلیغات در تحت فشار شدید و قوی می‌سازد و شورشگر می‌باشد. عملیات ظالم گروانه همزمان زیادی بنفع شورشگر خواهند بود و او می‌تواند روی آنها حساب کند. باید در نظر گرفت که عکس العمل ضد شورشگر هرگز قوی و بلا فاصله نیست اگر شورشگر توانست چند روز اول عملیات ترویجی مرحله اول را پشت سر گذارد و زنده بماند زخم پذیری او تا بل می‌باشد اما بزودی وسعت و ضد

## فصل چهارم

### ضد شورشگر در جنگ سرد انقلابی

از نقطه نظر ضد شورشگر جنگ انقلابی را بدو دوره میتوان تقسیم کرد .

۱ - جنگ سرد انقلابی : وقتی که فعالیت شورشگر در سطح قانونی - مسالمت آمیز - ( نظیر قدمهای اول و دوم طرح ارتودکس ) میباشد .

۲ - جنگ گرم انقلابی : وقتی است که فعالیت شورشگر طنی ، غیر قانونی و با اعمال زور و زورخواهی همراه است ( قدمهای بعدی در طرح ارتودکس و تمام جریان طرح میان بر )

انتقال از " صلح " به " جنگ " همانطوریکه دیدیم بسیار درجه‌ای و واضع‌تر است . حتی وقتی که شورشگر طرح میان بر را انتخاب کرده باشد ، دشمنی و طغیان با دوره کوتاهی از هیجان‌ناپذیری آن همراه است . مثلاً در آنجزیره پلیمس ، مراکز دولتی همه نگران بودند و احساس میکردند که در آن تابستان ( ۱۹۵۴ ) مسائل در دست تهیه و جریان است .

برای آنکه بتوان بهترین روش را تجزیه و تحلیل کرد خط تقسیم را میان دو دوره بالا درجائی میکنیم که نیروهای صلح ضد شورشگر دستور و حالت و حرکت را دریافت کرده اند و مطالعات خود را بدو دوره اول جنگ سرد انقلابی آغاز میکنیم .

در این مرحله عملیات شورشگر بطور عمده در چهار چوب قانونی انجام میگردد . اوسکن است بمنزله شورشگر شناخته شود و یا نشود اگر شناخته شده باشد فقط پلیمس و چند نفری در دولت ممکن است تشخیص دهد که چگونه میتوان با مفعول دست به عملیاتی علیه آن زد و مردم را قانع نمود ؟ چگونه میتوان با واقعیتها و توانمندی موجودات شورشگری را با تقویت گرفت ؟

اگر شورشگر بتواند آگاهانه جنگ خود را طرح ریزی کند به اصل واقعیت بالا تکیه نمینماید . این وضع حاصل اصل انتقال درجه‌ای صلح به جنگ میباشد . الجزایر مثال مینماید ، ضد شورشگر در یک بلا تکلیفی و کجی قرارداد است . شورشگر در وسط چنین سر کچه ای کار خود را با سرود ای زیادی شروع کرد . مجاهدین الجزیره با تبلیغات و مباحثی زیاد روز اول نوامبر ۱۹۵۴ را در شروع عملیات اعلام کردند . عملیات جداگانه ای که در مراکز کور برپا کرده بود اجرا

شد . پرتاب بمب - قتل - خرابکاری - حملات جزئی به پادگانهای نظامی ، بدفعات و مضعیف که همه آنها بی اثر بودند و سپس هیچ چیز .....

اوضاعی یکی از همبران آنری میگوید " نتایج در وقت زیادی از الجزایر انجامه بود . در منطقه اوران فشار دشمن بطور محسوسی بسیار ظالمانه و وحشیانه بود . برای من در طی دو ماه اول غیر ممکن بود که بتوانم حتی ارتباطی میان ریف ( RIF ) در مراکز اوران برقرار سازم .

آبایی چنین عملیاتی کافی بود که در فرانسه حالت جنگ اعلام شود و تمام امکانات و انرژی و منابع فرانسه بسیج و تجهیز گردند و وضع اقتصادی بهم بخورد ؟ این سهل و مستعد ضد شورشگر است . در چنین شرایط و وضعیتی چهار ( ۴ ) راه برای عمل در برابر ضد شورشگر قرار دارند .

- ۱ - ممکن است مستقیماً همبران شورشگر اهدای فرار دهد .
- ۲ - غیر مستقیم روی شرایطی که مسأله منفع شورشگر هستند بر نماند هائی طرح و اجرا نماید .
- ۳ - در جنبش شورشگر نفوذ نماید و آنها را از داخل طغی سازد .
- ۴ - مائین سیاسی خود را ساخته و تقویت نماید .

هیچ یک از آنها با یادگیری مانع الجمع نیست و میتوان همه را با هم بکار برد .

۱ - عمل مستقیم علیه شورشگر : هدف در این مرحله اینست که شورشگر از تناس با مردم محروم ساخت و در نتیجه شورشگر نتواند با مردم رابطه برقرار ساخته و جنبش خود را توسعه دهد . در این مرحله شورشگر در حالت جنبشی است و هنوز فاقد حیات و وجود است . همه چیز بر همبران وابسته است . در نتیجه عوامل اصلی آنها هستند با توفیق یا صحت و در کردن تناس آنها با مردم ، با پیونده سازی و بدادگاه گشایدن آنها با جلوگیری از فعالیت سازمان آنها و سر ضد شورشگر ممکن است شورشگر در نقطه غرق سازد .

در کشورهای تونسائتر ( نظامی ) اجرای چنین طرحی آسان است اما در کشورهای دموکراسی بسیار مشکل است در کشورهای دموکراسی دو حالت پیش خواهد آمد اول آنکه دولت خود را فعلاً با قوانینی که متناسب با آن چنان شرایطی باشد تجهیز کرده است و بنابراین قادر است بطور قانونی با شورشگر مقابله کند . تنها مشکل آنست که چگونه بدون آنکه سرود او تبلیغ بخوردی ، منفع شورشگر بماند ضد عملیات اجرا گردد . بخصوص وقتی که شورشگر با یک انگیزه جذب مجبور باشد .

دوم - عمل غیر مستقیم علیه شورشگر

گنیم که شورشگر را در اجرای عملیات نیست مگر آنکه از  
دو شرط اولیه برخوردار باشد . یکی آنکه شورشگر مجهز به یک  
انگیزه معدل و قابل قبل برای توده باشد دوم اینکه در  
مراحل اول بر اعوضف غد شورشگر وجودیت خود را حفظ نماید . دو  
شرط دیگر هم بود که گنیم یک ضرورت حاد نیست اما قادر به  
ککهای ضعیف میباشد یکی عامل جفرائزای دیگری عامل  
ککهای خارجی .

غد شورشگر میتواند با کار کردن روی این عوامل جنبش شورشگری  
را محدود و ضعف سازد . عوامل جفرائزائی ثابت بوده و نمیتوان  
آنها را تغییر داد مگر در آنها افزودن کرد چو عامل خلط و یرا کدگی  
جمعیت که میتوان آنرا با انتقال و کوچ مردم تغییر داد . اما  
انتقال مردم از یک منطقه به منطقه دیگر بزمان صلح بسیار سخت  
است . و پاکیدن سم خار در این جریان برین در اطراف خلطاً  
آنها در زمان صلح بسیار خرج است بی استفاده . ککهای  
خارجی تا حدی قابل دخالت و تغییر هستند . ( از طریق صالحه  
در پلماتیک ) اما اکثر اخراج از دسترس غد شورشگر است .  
ششم جدا کردن و خلع سلاح شورشگر از انگیزه خوب یعنی حل  
مشکلات اساسی صلحت . این امر ممکن است عملی باشد و یا  
نباشد اما ما امید انهم یک انگیزه خوب برای شورشگر است که غد شورشگر  
قادر بر اجرای آن نباشد مگر آنکه قدرت خود را بخواد از دست بدهد  
و ایند بهایم لازم و بطور میباشند .

( مثلا جامعه ای که قدرت حا که در دست فئودالها است  
شمار اصلاحات و تقسیم اراضی میتواند انگیزه حالی باشد ) .  
هستند مشکلاتی که میتوانند انگیزه هائی خوب برای شورشگر باشند .  
اما برای آنها راه حل عاقلانه ای وجود ندارد . مثلا  
مشکل نوادی در آفریقای جنوبی ( در آمریکا ) . این مشکل تا  
زمانیکه در بزوا مختلف در یک منطقه واحدی زندگی میکنند وجود  
خواهد داشت . آنچه بهتر از همه در عمل غیر مستقیم علیه شورشگر  
عملی و منطقی بنظر میرسد قسمت آخر یعنی ترمیم غد شورشگر است .  
باید این ضعف را تا آنجا که ممکن است از بین برد . باید سیستم  
فضائی را بر این شرایط فیزیقاری و انتقالی متناسب ساخت .  
سازمانهای اداری دولت را باید تقویت کرد . هر قدر قدرت نیروها  
بهبود و نظای بیشتر باشد ترس و نگرانی شورشگر از آثار عملیات بیشتر  
است . رهبری غد شورشگر باید هوشیار و مراقب بر او باشد .

حالت دوم آنکه دولت پیش بینی نکرده است و مجهز نیست .  
بنابراین هشی غد شورشگر مستقیماً علیه شورشگر میخواد عمل کند مثل آن  
است که . رجیمه پاندر و را باز کرده است ( پاندر و را سم زنی است که  
مشهور است برای اولین بار در رجیمه آراک داشت باز کرد و تمام انسانها را  
آلوده و مریز نمود ) .

بازداشتی ها باید در اداری شوند . اما هر چه اساسی ؟ چگونه  
میتوان مخالفین عادی سیاسی را از خرابکاران واقعی جدا ساخت و  
شناخت ؟ مرز وحدت ایند و کجاست ؟

شورشگری که توقیف شده است تقریباً با فاصله میتواند روی  
بعضی از حمایتهای افراد و احزاب مخالف قانونی دولتی حساب کند .  
اگر در ادگاه فرستاده شود حد اکثر بهره برداری را از قوانین خواهد کرد .  
بدتر از همه در ادگاه خودش یک وسیله خوبی برای معرفی و تبلیغ انگیزه  
اوست باشد . ( معاکه گاسترود را اول ) . سازمانهای ضلحه مجدداً  
در تحت نامهای دیگری ظاهر خواهند شد . غد شورشگر چگونه میتواند  
ثابت کند که این سازمانهای جدید همان قدیمها هستند ؟

لذا غد شورشگر مجبور است وضع ترانس را تغییر بدهد و آنها  
را اصلاح نماید ( ۱ ) . برای درک اشکال کارگانی است توجه کرد  
که برای دولت امریکاده سال طول کشید تا قانون اصلاح ل حزب  
کونیست امریکارا تصویب کند تازه حزب کونیست طرفداران چندانی  
میان توده مردم نداشت . بعضیها معتقدند اگر حزب کونیست امریکا  
واقعا خطرناک بنظر می رسید خیلی زود تر میتوانست آراضل نماید .

از آنجا که تغییرات قانونی بطبی هستند غد شورشگر ممکن است  
یک قدم بجلو بردارد و اعمال خود را در خارج از حدود قانونی انجام  
دهد و لذا یک سری از محدودیتهای استبدادی شروع کرد . طست  
بزیوی خود را تحت فشار خواهد دید و مخالفت زیاد تر خواهد شد شورشگر  
از مخالفتهای جدید بهره برداری میکند . بنابراین میتوان گفت که  
عمل مستقیم وقتی اثر خواهد گذاشت که :

۱ - انگیزه شورشگری جذاب نباشد و میان مردم خواهان و طرفدار  
بهدانگند ( اما در گذشته گنیم که هر شورشگرها فی دست بنوشوری  
نخواهد زد مگر آنکه از یک انگیزه جذاب قابل قبل برای مردم برخوردار  
باشد ) .

۲ - غد شورشگر به طرارت قانونی مجهز باشد .

۳ - غد شورشگر بتواند مانع اشتباه شورشگر شود .

سوم : نفوذ کردن در شورشگر

يك جنبه شورشگر در روابط اجبار کوچک و محدود است لذا  
تأیلات و نظریات اضافی آن در اوایل اهمیت و اثر بیشتری در مسیر  
گذاردند تا در سایر دورانها . تاریخ برآزنیته های از نهضت های  
سیاسی کم نام که بزودی پس از آنکه بوجود آمدند به علت عدم توافق  
موسسین آن از هم پاشیده شده و سرگردیده اند . در این مرحله  
فد شورشگر میتواند با دو هم زنی سازمان را خفه کند . يك جنبه  
شورشگر در اوایل کار ضرورتاً بدین تجربه است و نفوذ در آن توسط عوامل  
و جاسوسهای فد شورشگر بسیار آسان است . این جاسوسها کمک  
خواهند کرد تا سازمان از داخل متلاشی گردد . اگر این عوامل موفقی  
باین امر شوند حداقل میتوانند در آنجا بمانند و مرتباً فعالیتهاى سازمان  
را به فد شورشگر گزارش دهند . مثال نمونه این نفوذ کردن نهان یاد است .  
يك نمونه معروف آن نفوذ عوامل و جاسوسهای نزار در جنگ بسا  
پلشویک ها بود . تنها موفقی کمونیستها بر سر اروپایگانی دولت تزاری  
دست یافتند لنین بی بردگ بعدی از نزدیک ترین و طمطم ترین  
هنگاران او جاسوسها را تراز کرده اند . در این مثال کوشش تزار از نظر  
سیاسی در هر حال بی نتیجه ماند اما در آمریکا حزب کمونیست بآن حد  
توسط ماهرین P.B.I نفوذ شده است که علا حزب بگلی به ضرر  
شده است ، مزایای بسیار زیادی در سیاست نفوذ کردن وجود دارد اما  
باید بخاطر داشت که هر قدر جنبش پیشتر اقی بماند شانس زنده ماندن  
و گذراندن بهاری کودکی بیشتر است و خواهد توانست ریشه بدواند .

چهارم - تقویت ماشین سیاسی

برای آنگه بتوان برای همیشه شورشگر از تنیده مردم جدا ساخت ایجاد  
و خلق يك سازمان سیاسی بنفع فد شورشگر نهایت ضرورت را دارد . در  
فصل بعد در صحت جنگ گرم انقلابی بهترین مطلب را بحث خواهیم  
کرد . اما از آنجا که اهمیت آن در جنگ سرد کمتر از جنگ گرم نیست بسیار  
مستحب است تا آنراست که تشکیل چنین ماشین سیاسی بعنوان پیشگیری  
هر چه زودتر آغاز گردد .  
اختیار يك چنین استراتژی توسط فد شورشگر حداقل سائل را باید بخت  
و شانس را هتیکند و از امکانات محدود اکتبهره برداری را منتهایند . باید بخاطر  
داشت که ماشین سیاسی زمان صلح . اساساً بر تشویق و ترغیب و حمایت  
ساخته میشود .



فصل پنجم

جنگ گرم انتقال بی

در يك جنگ انتقال بی وقتی زور بران . ایهای نقش خود بمسلمان  
میآیند علاوه بر حل بسیاری از مشکلات فد شورشگر دارای يك حسن  
مخصوص بخود نیز میباشد که بسیار قابل توجه است .  
يكی از مشکلات اساسی فد شورشگر در اجرای عطیات فد شورشگری  
محدودیت " اخلاق " است . و اعمال بسیاری از عطیات از نظر  
توده مردم برخلاف اصول انسانیت و اخلاق است . لذا فد  
شورشگر ممکن است با بحران اعتراضات روبرو شود . اما وقتی اصل  
زور و جنگ بمیدان میآید انتظارات اخلاق بزودی از بین میریزند .  
دشمن هم بنوع خود برجسته تر میآید مقررات زور خلیسی  
آسانتر عمل خواهد شد . اما از مشکلات جدیدی را با خود همراه  
دارد .

در لحظه ایکه جنگ گرم انتقال بی آغاز میگردد دوران زمانی است  
که مآل آنرا زمان محدود است و حرکت نیروهای صلح فرس کرده ایم  
وضیعت عمومی بشر زیباست :

شورشگر با موفقیت سازمان سیاسی خود را تاسیس نموده است .  
شورشگر با يك حزب برگزیده ای که جبهه واحد راهبری  
میکنند در کنترل و اختیار خود دارند تا آنکه مستقیماً جنبش انتقال بی  
را با انگیزه انتخابی قوی اداره مینماید . جز عطیات اخلاق لگرا  
و خرابکارانه تمام عطیات شورشگر مخفی و زیر زمین و غیر قابل رویت  
است . از نظر تقسیم بندی قدرت نقشه کشیده سه خطه زیر  
قابل تقسیم است :

- الف - مناطق " سرخ " : جاهائیکه شورشگر بطور موثری مردم را  
کنترل میکند و جنگهای چریکی در جریان است .
- ب - مناطق " صورتی " : جاهائیکه شورشگر کوشش مینماید باین  
مناطق رخنه نماید . کوششهایی برای سازمان دادن مردم در  
جریان است . بعضی فعالتهای چریکی نیز دیده میشوند .
- ج - مناطق سفید : مناطقی که هنوز آرام است و فد شورشگر  
آنجا را کنترل مینماید اما در هر حال مورد تهدید هستند .  
گنجی و سردرگمی در اردوگاه فد شورشگر اهمیت عادی تشخیص  
و در يك حالت غیر عادی ( اوضاع ) وجود دارد .

احساس بحران در روابط دولتی و مراکز حکومت بیشتر و وسیع تر است  
تا در میان توده مردم . در مناطق صورتی و حتی سفید صداقت

وفاداری مردم فرداً فرد نسبت بحکومت مورد شک است .  
ساختمان و طرز کار سازمانهای سیاسی - قضائی و نظامی که برای  
روزهای عادی بنا شده و قابل اجراست هنوز با شرایط و احتیاجات  
اوضاع و احوال جدید وفق داده نشده اند .

اقتصاد سلطنت بسرعت روز بروز است . در حالیکه درآمد دولت رو  
بفشان است . عارف دولتی بسرعت زیاد میشوند . روز مینه  
روانی و میکولویکی کارت برنده را شورشگر درست دارد . انگیزه  
آوان اندازه جلب و مستدل بوده است که توانسته با استفاده  
از آن دست به عملیات ترویجی و پاپریکی بزند .

نیروهای ضد شورشگر منظم و اجرای وظائف مختلف نظیر حراست  
و نگهبانی ضابط ویرا کراساسی مهم تاسیسات ثابت ، حفظ امنیت  
شخصیتها تر کرمائی . و بالاخره جنگ با چریکها بطور وسیعی بر اکرده  
و تقسیم شده اند . با این چنین تصویر از اوضاع عمومی راهبای  
متنوع و متعدد قابل استفاده را ( برای ضد شورشگر ) مورد بحث قرار  
مده هم . قوانین و اصول جنگهای ضد شورشگری

#### محدودیتهای جنگهای عادی :

فرض کنیم که مشکلات سیاسی و اقتصادی با همجزه حل شده  
باشند و با قابل کنترل باشند . البته جنگ ضعیف روانی

( پسیکولوژیک ) تنها با طولی زمان و ادامه جنگ تخفیف پیدا  
خواهد کرد . تنها راه حل آنستکه ضد شورشگر بدون آنکه قدرت  
خود را از دست بدهد محرك و انگیزه شورشگر را مورد استفاده و بهره  
برداری قرار دهد و اگر ضد شورشگر نتوانست چنین نماید روشن است  
که انگیزه شورشگر از نقطه نظر تاکتیکی یک محرك و انگیزه خوبی  
نبوده است . بنابراین فرض ما اینستکه فعلا یک جنگ آنهم  
شکل نظامی باقی مانده است و سؤال این استکه چگونه  
نیروهای شورشگر را میتوان ، از نظر نظامی ، شکست ساخت .

شکل ضد شورشگر مسئله وسائل نیست . چه آنکه هنوز نیروهای ضد  
شورشگر همیزان زیادی بر نیروهای شورشگر تفویج و برتری دارند .  
و لواتکه نیروهای اودر ضابط مختلف بر اکرده باشند .

شکل ضد شورشگر از نقطه نظر نظامی در مرحله اول یک شکل  
استراتژیکی و تاکتیکی وسیله مدت و سازمان است . در جنگهای  
عادی استراتژی عبارتست از فتح و تسخیر ضابط دشمن و نابودی  
نیروهای او . اما در جنگ انقلابی شکل اینستکه شورشگر سبب  
ندارد تا فتح گردد . او از جنگیدن و دفاع از یک منطقه خاصی  
گریزان است . شورشگر در همه جا هست و هیچ جانیست . با

تحرک نیروهای نظامی ، ضد شورشگر میتواند در هر موقع که بخواهد به  
ضبطه سرخ حطه کرده و آنجا را تصاحب نماید . اگر چنین عملی  
بنحویستی اجرا گردد نه فمالتی چریکی تخفیف پیدا خواهد کرد و  
اگر شرایط برای چریکها ضابط مقاومت و نگهداری بشود آنها  
ضبطه را تخلیه و بساط خود را در جای دیگری پهن خواهند  
کرد و جنگ نه تنها بلک نشده است بلکه چه بسا وضعیت بر مراتب  
خراشتر و بدتر میشود و بخصوص اگر چنانکه این تحرک نیروهای پاپی  
تضعیف نیروهای ضد شورشگر در ضابط تمام شده باشد .

برای آنکه بتوان نیروهای شورشگر را شکست ساخت باید آنها را در  
یک منطقه ای متحرک و محصور ساخت . اما واحدهای چریکی بقدری  
سیال و کوچک هستند که بسا درکی قابل تعقیب نیستند . برای  
تعقیب آنها جاسوسی بهترین عامل محسوب میشود اما جاسوسی  
باید توسط مردم انجام گیرد و مردم هم صحبت نخواهند کرد مگر  
آنکه احساس امنیت نمایند و احساس امنیت نخواهند کرد مگر آنکه قدرت  
شورشگر در هم شکسته شود . اینطور نیست که بتوان بلا فاصله با  
اطلاع یافتن از موضع چریکها آنها را محاصره و شکست ساخت .  
اگر ضد شورشگر نیروی موجود در محل را با کارانداز احتمال آنکه کافی  
نبوده و شکست بخورد زیاد است و اگر صبر کند تا نیروی کافی اضافی

برسد وقت را تلف کرده و احتمال غافلگیری از بین خواهد رفت .  
درست است که وسائل مدرن و جدید در حال و نظر بخصوص هلیکوپتر  
همیشه ضد شورشگر را اینامکان را میدهد که بسرعت و با قدرت عمل نماید  
و این درست است که عملیات سیستماتیک وسیع ( 1 ) بهلت  
و مستحشان نواقص سیستم جاسوسی ضد شورشگر را تخفیف میدهد  
اما عملیات عادی هرگز به تنهایی اثری بهتر از یک " مگر کن " <sup>ما</sup>  
ندارند .

بعضی اوقات چریکها چاره ای جز تسلیم شدن ندارند اما سربازگیری  
نفرت جدید بسرعت جای دستگیرند گای را خواهد گرفت . اما اگر  
عملیات ضد شورشگر مستمر برای مدتهای طولانی ادامه یابد ترمیم  
تلفات برای شورشگر آسانی صبر نخواهد بود بنابراین سؤال این  
خواهد بود که :

#### آیا عملیات ضد شورشگری میتواند استمرار یابد ؟

اگر چنانچه ضد شورشگر آن حد قوی باشد که بتواند تمام سلطنت را با  
عملیات نظامی و نیروهای مسلح اشباع نماید البته جواب سؤال بالا

( 1 ) منظور همان عملیات پاک کردن بطور منظم است .

صفت است و بنابراین شورشگر قادر نخواهد بود از حد بیشتری رشد نماید. به تبع آن آرام و ساکت و بالاخره مستهلک میگردد. اما خبیبی بندرت میتوان کسری را با نیروهای صلح و صلحیات نظامی اشباع نمود. چرا تکنیک جنگهای شورشگری قابل استفاده برای هد شورشگری نیستند؟

جنگهای شورشگری بویژه بخاطر آن طرح و تنظیم شده اند تا در یک جنگ انقلابی غرضی که ذاتاً ضعیف و ناتوان است بتواند بتدریج و در طی جنگ انقلابی خود را قوی نماید. ضد شورشگر طبیعتاً قوی است و احتیاجی ندارد تا در طی جنگ خود را قوی کند دستزدن به جنگهای شورشگری از طرف ضد شورشگر نظیر این خواهد بود که خیلی سعی کند لباسهای یک کتوله را بر تن نماید.

ضد شورشگر چگونه و طبعی چه کسی تا تکنیکهای چریکی را بکار برد؟ او خودش هدف تا تکنیکهای چریکی است. اگر او قادر باشد دست به عملیات چریکی بزند یعنی او از پشتیبانی موثر توده مردم برخوردار است. یعنی او دارای یک سازمان وسیعی است که توانسته توده های مردم را بطرف خود بسیج نماید و اگر چنین باشد ظهورش آنست که شورشگر از حمایت مردم محروم است و نتیجه اش آنستکه او قادر به اجرای عملیات چریکی نیست. بنابراین وقتی شورشگر این حد ضعیف باشد دللیلی وجود ندارد که ضد شورشگر دست به عملیات چریکی بزند.

آیا ضد شورشگر میتواند تشکیل یک سازمان مخفی زیر زمینی بدهد و شورشگر را از همان راه خود را شکست بدهد؟

در این مورد نیز با نظریات مخفی تنهائی میتواند برای شورشگر مفید باشد. قدرت ضد شورشگر از سرمایه ها و امکانات غنی او سرچشمه میگردد. اگر او یک نیروی مخفی بسیار از نظر قدرت یک نیروی دست دوم و بالایش کثرت خواهد بود بخصوص اینکه در جنگهای انقلابی اثر سازمانهای سری بسیار کم و صدمه و است.

تجربه نشان داده است که در یک جامعه ای با غلبت بالقوه انقلابی حتی در سازمان مخفی سری نمیتواند برای مدتی ادامه حیات بدهد و در نهایت از آنها همیشه جذب دیگری شده است.

در چنین کمونیستها در نواحی اشغالی توسط و این توانستند سازمانهای کمین تانگ را بخود جلب نمایند و در مراحل نهائی انقلاب چریکیها به هر کجا وارد میشدند گروههای راهزنان محلی و مرفه ای که در آن موقع در سرتاسر چین شغلی محسوب میشد به سرعت از زمین میروفتند. در روکلاوی

نیز نیروهای مین تیلوچ را بخود جلب و جذب کرد و چون اگر کمونیستها نتوانستند سازمانهای مقاومتی را از زمین ببرند و در خود مستهلک سازند

برای آن بود که آنها در طول جنگ تماماً به کمکهای متفقین وابسته بودند و لذا مجبور بودند در این راه کوشش ننمایند و راجعاً بر وجهه آزادی بخش تمام گروههای رقیب و حزب مردم الجزایر از زمین برد. معمولاً وقتی شورشگر خلاصه موجود در اوایل پر کرده باشد سعی برای آنگه جنبش دیگری بتواند رشد کند بسیار کم است.

آیا ضد شورشگر نظیر شورشگر میتواند دست به تروریسم بزند؟ انجام چنین عمل بشکست خود او منجر میگردد چه تروریسم یک ضعیف بینظمی و اخلا لگزی است و هدف ضد شورشگر توقف بینظمی و حفظ و ایجاد نظم و آرامش است. اگر تا تکنیکهای شورشگری قابل استفاده برای ضد شورشگری نباشند نتیجه آن چه خواهد بود؟

ضد شورشگر باید دست با جرای آن نوع عملیات بزند که خاص خود او و موافق با شرایط خود او در جنگ انقلابی باشد. با توجه باوضاع و احوال ضد شورشگر قرائین جنگ انقلابی، او باید استراتژی و تاکتیکهای خود او را حساب نماید. قرائین زیر اذهانی برای ضد شورشگر میباشد. قانون اول:

حمایت پشتیبانی توده ها همان اندازه که برای شورشگر ضروری است برای ضد شورشگر نیز ضروری میباشد.

برای ضد شورشگر معاد رکاست؟ معاین نیست که چگونه باید یک ضلعه ای را تصفیه نمود. ضد شورشگر میتواند هر موقع بخواهد با شمر کر ساختن نیروهای خودش در یک ضلعه، ضلعه را از عوامل شورشگر تصفیه نماید. اما بهترین تصفیه، آنست که چگونه یک ضلعه تصفیه شده را حفظ نمود؟ بطوری که نیروهای ضد شورشگر نتوانند آزادانه به ضلعه دیگری بروند بخصوص اگر اشباع نظامی بندرت امکان پذیر است. بنابراین نیروها باید به ضلعه دیگری بروند (بعلاوه عمل تصفیه با نیروهای نظامی ممکن است، اما حفظ و ادامه آن غیر ممکن است.)

انجام این امر فقط با برخورداری از حمایت مردم ممکن میباشد. نیروهای ضد شورشگر نمیتوانند واحد های چریکی شورشگر را متلاشی سازند اما از زمین بردن سازمان سیاسی شورشگر باطلات و وسیع باسی شده به تنهایی غیر ممکن است، غیر ممکن است بتوان مانع بازگشت نیروهای چریکی شد مانع تجدید ساختمان شبکه حزبی گردد. مگر آنکه توده مردم را بتوان به حد کافی وارد ساختن برای این توده مردم همانطوریکه هدف شورشگر است هدف ضد شورشگر نیز میباشد: حمایت محلی مردم از ضد شورشگر بجز آنطاعت آنها از مقررات و نظم که در زمان عادی امری مسلم و غیر قابل بحث است با فعالیت شورشگر همه از زمین خواهند رفت و همه قابل شلوال و مورد تردید است.

حقیقت اینست که هرچگونه در ارزیابی قدرت عامل قدرت مردم را بخواهیم حساب کنیم نهضت شورشگرایان سازمان های خود را مطابق توده مردم از ضد شورشگر قوی تر خواهد بود  
قانون دوم :

### حمايت از طريق يك اقليت فعال بدست ميآيد

مشکل اصلی اینست که چگونه حمايت مردم را بدست آورد حمايت نسه بشکل طرفداري و تائيد ( همدردی ) ، بلکه بشکل شرکت فعالانه در جنگ علیه شورشگروها هستی .

جواب این سؤال که تئوری قدرت سیاسی در جامعه می باشد آن اینست که در هر وضعیتی انگیزه هر چه سخاوتمندانه تر است اقلیت طرفدارانگیزه، واقعی و مخالف آن است ، و اکثریت بی طرف و بی نظرتکیک کسب قدرت مهارتست از تکیه کردن بر یک اقلیت موافق و همراه برای تشکک اکثریت در مرحله اول و بیطرف کردن و ناآرامی کردن اقلیت مخالف در مرحله دوم .

در موارد خاصی انگیزه از یک طرف و اوضاع و احوال از طرف دیگر بطوری عادی ممکن است بقدری مساعد باشد که بصورت یکی از دو اقلیت را از زمین ببرد و اکثریت بیطرف را که و باطنی یکی از دو اقلیت بسج نماید البته چنین مواردی بسیار نادر است در مجازات مراجع تقلید در ابتدا قبل از مشروطیت وقتی احزاب توتون و تنباکو از طرف ناصرالدین شاه بانگس هاداد شده اند انگیزه تحریم استعما بقدری قوی بود که دولت ناصرالدین شاه چاره ای جز تحبب نشینی و شکست نداشت . شاید نتوانیم از شهریور ۱۲۰۲ انگیزه ملی کردن صنعت نفت را بتوان از جهت بسج نیروها تاحدی با تحریم امتیاز تنباکو توتون مقایسه کرد .

در شرایط عادی در هر نوع جامعه ای خواه با رژیم خشن دیکتاتوری و یا با یک رژیم نئین دموکراسی هاتو این اساسی و موجود در آن جامعه برای دولت مردم محدودیت نهایی را ایجاد نمینماید. صرف نظر از آنکه هدف و مقصد چه باشد قانون بطور ناخود آگاه اجرا میشود و مردم تبعیت میکنند و تقابلاً احترام و اجرای آنرا از دولت انتظار دارند . اما در یک کشوری که شرایط جنگ انقلابی بر سر آن حاکم است قوانین نه دیگر بطور ناخود آگاه اجرا میشوند و نه میتوان وجود این قوانین و سنن را نادیده گرفت. خطری که در آنجا ضد شورشگر را تهدید میکند مسئله قدرت است که توسط شورشگر با اقلیت اخلا لگرنه و آشنگری. مورد شک و تردید قرار گرفته است. مردم تا این زمان نسبت به " طغیان " علیه قوانین بطور آگاه

فکر نکرده بودند تصور اینکه علیه قدرت مستقر دولت قیام کنند برای آنها تصور نبوده است اما شورشگر با اقلیت خود در واقع مدراسی شکست پیدا فاصله مردم می میرند که نصیبتی ناخود آگاه از این قوانین که بخیر آنهاست تبعیت نمایند و آنها، میتوانند و باید این قوانین را که شاید بی نفعه برای خود آنها باشد است اما نتیجه نهایی ب نفع استقرار قدرت حاکم ضد شورشگر تمام میشود در هر یک بشکند .

در مقابل این عکس العمل مردم، عکس العمل ضد شورشگر نیز قابل توجه است. در حال عادی در بسیاری از موارد ضد شورشگر در اجرای کامل قوانین احوال مینماید اما در شرایط انقلابی آن ضد شورشگر که از استعمال و یکا بریدن قانون با تمام قدرت خود در نا امید و ناخود را با محدودیتهای زمان صلح محدود و منحصر سازد بدون آنکه امید به پیروزی داشته باشد به توسعه جنگ ب نفع شورشگر کمک نموده است .

با گذردن خشونت علیه مردم البته یک مسئله اخلاقی است یک مسئله اخلاقی بسیار جدی اما جدی بودن آن از بهاران مردم غیر نظامی در یک جنگ عادی بیشتر نیست تمام جنگهاستگروهرم و غش هستند و جنگ انقلابی شاید از تمام انواع جنگها خشن ترهی رحم تر باشد چه آنکه در جنگ عادی تمام قشرهای جامعه بطور مستقیم به صحنه عملیات کشانیده نشده و نمی شوند اما در جنگ انقلابی بی برعکس هر یک از اعضاء جامعه صرف نظر از تالیات خود از توسط شورشگر محبت احتیاجی که بدانها دارد و نمیتواند بی طرفی آنها را تحمل نماید به صحنه مبارزات کشانیده شده و یا خواهند شته به صورت همدرد بلکه بصورت یک همدست فعال .

ضد شورشگر بدون شک با شرکت و تن دادن در یک جنگ طولانی مرتکب جرم بزرگی میشود . اما اگر در همان ابتدای کار هم تسلیم شورشگر نشود باز مرتکب جرمی چه بسیار بزرگتر میگردد .  
مشکل استراتژیک ضد شورشگر این است که به ترتیب زیر مشخص وحل کرد .

\* جستجو یافتن یک اقلیت مناسب که متشکل شده و سازمان بیابند و سپس مردم را علیه شورشگر مجبور بسج نمایند " هر عملیاتی خواه نظامی و سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و پارلمانی باید با این هدف ختم گردد . هدف رانگیزه ای که ضد شورشگر بدان استفا

میکند بهتر باشد و اوضاع و احوال مناسبتر باشد کسب اقلیت طرفدار  
این بزرگتر و پیشه آنها آسانتر خواهد بود .

هدف اصلی و صده تبلیغات ضد شورشگر بر محور این واقعیت  
باید بچرخد و برای توده مردم توضیح بدهد که انگیزه ضد شورشگر  
و شرایط او از انگیزه و شرایط شورشگر بهر وجه استروطنی نراست . و از  
این بهر توجه باین ضرورت اصلی است که انگیزه ضد شورشگر باید  
پایک " ضد انگیزه " قوی علیه شورشگر توأم و همراه باشد .

پهیزی در جنگ ضد شورشگری :

حالا بآنچه به توضیحات بالا می توانیم شخص کم کم که  
پهیزی بطور ضمنی و مثبت برای ضد شورشگر یعنی چه ؟  
این پهیزی نابودی و انهدام نیروهای شورشگری  
سازمان سیاسی او در یک منطقه خاصی نیست . اگر کسی از  
اینده و نابود شدن به وسیله دیگری دوباره تجدید فعالیت خواهد  
کرد . اگر هر دو در منطقه ای ازین رفتند هر دو هاشنگ و ترکیب  
جدیدی در منطقه دیگری برپا خواهد نمود . پهیزی  
نه تنها باید شامل مراحل ذکر شده بشود بلکه با آنها نبودن شورشگر  
توأم باشد . تنها یکس ( ایزوله ) کردن شورشگر با زیر دست  
نمایند باید بدست خود مردم و حامیل خود آنها انجام گیرد و ضمیر  
اینصورت بی اثر خواهد بود .

۶۰ - ۱۹۵۹ در منطقه ایران حبه ازادی بخش الجزایر  
بفوری در تنهایی و فشار بود که فعالیت این سازمان قابل توجهی  
تظلم پیدا کرد به موجب آثار متوسط تخریبی مجاهدین در این  
منطقه از یرتاب بمب بیک گافه تا بریدن سهمای تلفن بد وصل  
در روز تعطیل یافته بود . ( معلوم میشود که توسط عملیات خیلی  
وسیع بوده است که نظایر بد وصل در روز برای نیروهای فرانسوی  
پهیزی بزرگی بوده است ۴۰)

یک چنین پهیزی ممکن است میرستقیم بدست آید .  
اماد هر حال عامل تعیین کننده ای خواهد بود . مگر آنکه  
نظیر الجزایر سیاست گی ضد شورشگر تفسیر نماید .

قانون سوم :

حمایت مردم مشروط است

به محض اینکه شورشگر توانست کنترل خود را بر مردم مستقر  
سازد . اقلیت دشمن او - طرفداران ضد شورشگر - باید بی  
شوند بعضی از آنها بطور فزاینکی ازین رفعاوند و لذا سرشقی و

شاهدی برای سایرین خواهند بود بعضی دیگر به خارج از  
منطقه فرار کرده اند . اکثریت آنها از ترس احساسات خود را  
پنهان کرده اند و اصلا میان مردم نوب شده اند . کسی  
از آنها حتی بهر امانی و همدردی با شورشگر متظاهر میشوند ( مناقضین ) .  
مردم در تحت کنترل و نظارت طرفداران شورشگر قرار دارند پس  
طرفداران مرتبا اعمال مردم را به حزب گزارش میدهند . اعمال  
مخالف توسط نیروهای مسلح پاسخ شدیدی داده میشود .  
تا زمانیکه فشار شورشگر بر مردم و وحشت و ترور و سمعیت نهافته باشد  
و تا زمانیکه مردم و اقوام مطمئن نشوند که ضد شورشگر جدی است  
جنگ است و علاوه بر آن دارای لیاقت و قدرت برای کسب پهیزی  
است . مردم طبع شورشگر تکان نخواهند خورد و وقتی حیات یک  
انسان در خطر است برای تکان و حرکت دادن او مطالب و وسایلی  
بیش از یک پهیزاگانده احتیاج است .

برای تخفیف چنین وضعیتی :

الف : عمل سیاسی در میان مردم باید با عملیات نظامی طبع واحد های  
چون یک عملیات پلیسی طبع واحد های سیاسی شورشگر توأم باشد .  
ب - اصلاحات اقتصادی ، سیاسی ، اجتماعی و سایر اصلاحات  
هر قدر هم که مورد لزوم مردم پسند باشند تا زمانیکه کنترل مردم در دست  
شورشگر است غیر قابل اجرا میمانند .

در ۱۹۵۷ در الجزایر وقتی مجاهدین چند زارع سلطانرا که از دولت زمینی  
در یافت کرده بودند ترور نمودند برناه اصلاحات ارضی بگی متوقف شده  
ضد شورشگر برای آنگ بتواند نشان بدهد که او از امر او و کفایت ولایت  
بر خود ارادت و دارای وسائل لازم جهت پهیزی میباشد بیک سری از  
موظفین های مطمئن کننده احتیاج دارد .

ج - ضد شورشگر اگر برای تحقیق طرح وارد مذاکره بشود در حالیکه فاقد قدرت  
است نه تنها چیزی کسب نمیکند بلکه طرفداران جدی او چه بسا بار و وگا  
ضد شورشگر طبع شوند .

د - در جنگهای شهری می خواهند قدرت یک طرف را بر آورد کنند و ازین  
نمایند به عوامل و سنجشهای نظامی و عوامل قابل لمس دیگری نظیر  
کمیت نیروها و وضعی که تحت اشغال دارند که شاخ صنعتی و غیره  
توجه میکند .

در جنگ انتقال بی عامل سنجش برای قدرت در مرحله اول وسعت و  
عق سازمان سیاسی میباشد . ضد شورشگری از یک پایگاه قوی و  
استحکم برخوردار خواهد بود که نیروهای او در یک سازمان سیاسی صنعت  
از مردم مورد حمایت جدی و شدیدی آنهاست بر میجم شده باشد .

قانون چهارم : شدت عملیات ( کوششها ) و وسعت وسائل ضرورت‌های اساسی مدخفه ماهیت عملیات ضد شورشکن باید طوری باشد که مردمراتز تهدیدات شورشگر آزاد ساخته و آنها را مطمئن سازد که برنده نهائی ضد شورشگر خواهد بود . تحقق این امر نیاز ک طرف با عملیات وسیع طولانی امکان پذیر است و از طرف دیگر به تمرکز فراوان گیمه کوششها و فعالیتها ؛ ضایع قدرت و نیروهای انسانی احتیاج و بستگی دارد . مفهوم این امر آنستکه فعالیت‌های ضد شورشکن نمیتواند در تمام کشور بطور وسیع و دقیق اجرا گردد بلکه باید قسمت به قسمت در کشور اجرا شوند .

### استراتژی ضد شورشگری

آنچه در بالا نکرده استراتژی عمومی ضد شورشگری بود . اصولی که در قوانین مختصر نکرده حاصل میشوند اجرای عمده بقدم و مرحله ای عملیات زیر اداریه خطه انتخاب شده بپیشنهاد میباشد :

- ۱ - نیروهای مسلح بآن اندازه که برای نابود ساختن و یا اخراج قسمت عمده نیروهای مسلح شورشگر کافی باشند تمرکز ساز :
- ۲ - برای جلوگیری از بازگشت احتمالی شورشگر باید در منطقه باندازه کافی نیرو متمرکز سازی این نیروها در مراکز تمرکز جمعیت در دهکده و شهر مستقر میشوند ؛
- ۳ - بانوده مردم تماس برقرار ساز . جنبش و حرکات مرد مراکتز کن -

### ارتباطات آنها را با هم چسباندن

- ۴ - سازمانهای سیاسی شورشگر در سطح محلی تا ملی ؛
- ۵ - از طریق انتخابات آزاد مسئولین جدیدی را برای اداره منطقه تعیین تا ؛
- ۶ - مسئولین جدید انتخاب شده را با دادن مأموریتها و وظائف معین و مشخص مورد آزمایش قرار بده . آنها را که ضعیف یا فاعده صلاحیت هستند تغییر بده . رهبران را به طور کامل حمایت کن . واحدهای " دفاع از خود " در میان مردم تشکیل بده ؛
- ۷ - رهبران از خود محلی و اداریه سازمان سیاسی کشور دستخیز بندی نموده و سپس آنها را آموزش بده ؛
- ۸ - به آخرین بقایای شورشگر باقی بماند کن با یکی آنها را از بین ببر . وقتی چنین جریان در یک منطقه بطور کامل اجرا و آرامش برقرار شد ، این طرح را میتوان در جای دیگری آغاز کرد . البته لزومی ندارد که منتظر ماند تا تمام قسمتهای بالا اجرا شوند . در مراحل آخری میتوان مراحل اول را در منطقه دیگری آغاز کرد . این استراتژی در تئوری و بحث ممکن است بسیار منطقی و جذاب باشد اما اگر چنانکه در عمل آنرا

با خشونت بکار برند در موارد خاصی خطرناک میشود . اما به هر حال نمیتوان ضکراهیت و واقعیت آنهاست . این قوانین و واقعیتها که استراتژی منجر حاصل آنهاست بسیار ساده بوده و آسانی میتوان آنها را در زندگی سیاسی روزمره هر یک از جنگهای انقلابی دوران اخیر تشخیص داد . این استراتژی برای بدترین مناطق سرخ پیش بینی شده است . در جائیکه شورشگر کنترل کامل را در دست دارد و اما در مناطق صورتی میتوان از اجرای بعضی مواد صرف نظر کرد . این استراتژی را باید بطور کامل و یکجا و با رعایت نظم و ترتیب نکرده در نظر گرفت . تعریف آنها چه بسامت فراموش کردن و یا تخطی از اصول جنگهای ضد شورشگری میشود . بعنوان مثال وقتی شورشگر قادر است نیروهای جدیدی را بسج و تجهیز کند و طبعه یک گروه کوچک حمله نماید نمیتوان چنین نیروی کوچکی را در دهه ای ضکر ساخت و یا آنکه در منطقه ای که سلطه های سیاسی شورشگر کاملاً از بین نرفته باشند نمیتوان دست بانتخابات آزاد زد چه آنگه احتمالاً انتخابات ممکن است برفع عوامل شورشگر تمام شود .

### اقتصاد نیروها :

گفتم عملیات طولانی است ، به عبارت دیگر در " زمان " برآینده شده اند بنابراین نمیتوان در " فضا " هم برآینده باشند . ( یعنی در آن واحد هم وسیع و هم طولانی باشند . نمیتوان یک سلسله عملیات وسیع را برای مدت طولانی ادامه داد . ) در جنگی که شورشگر با خرج و سرمایه گذارن کن " ره آورد " بسیاری را بدست میآورد و برعکس ضد شورشگر مجبور است خرج و سرمایه گذارن زیاد بنماید تا " امار " کن " کسب " نماید استراتژی اقتصاد نیروها یک اصل حیاتی است . در حالیکه ضد شورشگر مرمکم اجرای عملیات در یک منطقه انتخابی است که سلسله امرگرمی او در این منطقه وضعیت او را در سایر مناطق دچار تزلزل میسازد ؛ نیروهای او در مناطق منور چه نقضی را میتواند ایفای نماید تا حداقل خطر نتیجه این مناطق بشود ؟ نیروهای ضد شورشگر در این مناطق میتوانند با عملیات عادی نظامی بدون آنکه مانع تحریک قسمت اعظم نیروهای خود بشوند مانع توسعه عملیات شورشگر گردند - با ادامه حیات خود مانع شوند که شورشگر بشکند و استقرار پایگاههای ثابت ساحلی دست بزنند . با تعقیب این استراتژی جنبش شورشگری بسرعت و با اطمینان به عقب رانده میشوند . بزرگی که منطقه ای آرام و ترتیب نکرده تحت کنترل ضد شورشگر

درآمد قسمت عمده نیروهای اوستوانده به منطقه دیگری اعزام و مابقی خود  
انتقال نیروها را می توان بدینجای پس از پایان قدم اول آغاز نمود .  
عدم قابلیت بازگشت :

خدشورگرها اجرای عملیات پیشنهادی وضعیت را بهبود می آورد  
که غیر قابل جبران بازگشت هستند . تا زمانی که سربازان خدشورگر در  
حان مردم زندگی میکنند و آثار باران بر ابر حمله ت خدشورگر محافظت مینمایند  
و تا زمانی که خود مردم با کمک مختصری قادر هستند از خود دفاع نمایند  
قدرت خدشورگر آسانی نمیتواند مجدداً ظاهر شود . اما با اطمینان که این  
مسئله ارد هنوز چندان مهم نیست ، نقطه عطف و چرخش وقتی خواهد  
بود که واقعاً رهبران خود مردم ظاهر شده و مسئولیت پذیرند و با خدشورگر  
هدست شوند . روی این هدستی آنها می توان حساب کرد و هم  
از جهت آنکه وفاداری و صداقت خود را در صل نشان داده اند و هم  
از جهت آنکه با بازگشت خدشورگر آنها خیلی چیزها را درست خواهند  
داد .

### ابتکار و روشی :

استراتژی مورد بحث یک استراتژی تهاجمی است هدف آن  
باز پس گرفتن ابتکار از دست خدشورگر است . او هر منطقه او را که حایل  
باشد برای شروع عملیات انتخاب میکند و وقتی اثر شروع کرد دیگر نتایج  
اراده خدشورگر نیست .

در سطح محلی نیز در این استراتژی ابتکار در دست خدشورگر  
است چه آنکه او خدشورگر بر سر یک دوره ای قرار میدهد یکی قبل مبارزه  
و در نتیجه وضعیت ذهنی و دیگری ترک منطقه و در نتیجه از دست دادن  
امکانات منطقه با استراتژی خدشورگر . در جنگهای عادی وقتی  
نیروهای " آبی رنگ " در منطقه الف به " قرمزنگها " حمله میکنند  
قرمزها میتوانند فشار با حمله متقابل به نیروهای آبی در منطقه " ب " بجا بیاورند  
و آبی ها نمیتوانند صل " خدحله " قرمزها را بلا جواب گذاشته و با جابجایی  
بدهد .

در جنگهای انتقالی وقتی خدشورگر در منطقه الف دشمن را  
تحت فشار قرار میدهد خدشورگر نمیتواند در منطقه ب با صل خدحله  
خدشورگر تحت فشار قرار دهد خدشورگر محلت فعالیت خود میتواند بسیاری  
در برابر صل " خدحله " خدشورگر جابجایی بدهد .

در همدوچین وقتی ویت مینه پادگان مین بین فراد در شمال  
شرقی تحت فشار قرار در نیروهای فرانسه برای تقابل فشار به علی  
متقابل و تهاجمی طبقه نیروهای ویت مینه در منطقه ( ATLANT )  
در مرکز همدوچین دست زد تا تکمیل یکی به پاینده بود نیروهای ویت

مینه در ATLANT مستقل . با واحدهای ژنرال جیاب که حمله  
طبقه مین بین فراد رهبری می کرد بدین ارتباط بودند .

در این استراتژی یک واقعیت دیگر نیز باید توجه داشت .  
وقتی هدف چنین استراتژی جلب حمایت مردم و تسخیر نمودن مردم  
یعنی بزرگترین ضعیف قدرت خدشورگر میباشد خدشورگر نمیتواند چند آن آزاد  
از شرکت در نبرد خودداری کند چه اجرای موفقیت آمیز این برنامه  
شکست او خواهد بود .

### بهره برداری کامل از سرمایه های خدشورگر

درست است که خدشورگر سیال است اما مردم را نمیتوان مرتب  
باین طرف و آنطرف گمانید . خدشورگر حاضر گرا ساختن تمام فعالیتها  
خود روی جلب حمایت مردم میتواند خشونت خود را به حداقل برساند و از  
سایر امضا زات خود بهره برداری نماید اما گمانات تسهیلات اداری خد  
خدشورگر ضایع اقتصادی ، وسائل اطلاعات و تبلیغات برتری نظامی محصول  
سلا حیاتی سنگین و واحدهای بزرگ مجهزه در برابر واحدهای  
چریکی سیال که اساس تاکتیکهای او نیز در روایت بسیار در دست  
و نسبتاً به پاینده هستند . این امکانات خدشورگر وقتی بپوششهای خود  
را مجدد داد دست می آورند که آنها را مامور مسئول جلب حمایت جمعیت غیر  
متحرک ساخت .

در این چنین استراتژی عدم تحرك وجود خدشورگر چه اهمیتی دارد ؟  
اینست که خدشورگر نمیتواند نیروهای مجهز و صلح خدشورگر را که مامور منطقه  
انتخابی شده اند از آنجا بپوشانند ، برانند و با بقدری در تنگنای قرار دهد که  
خدشورگر نتواند آنرا بپوشد خود را برای جلب حمایت مردم بکاراندازد .

### سازگاری

چرا در جنگهای عادی ابهام و سردرگمی بطور واضح از جنگهای  
خدشورگر کمتر میباشد ؟ در حاط این واقعیت را توضیح میدهد .  
وقتی جنگ عادی شروع میشود انتقال ناگهانی از صلح به جنگ ،  
طبیعت و ماهیت خود جنگ بسیاری از مشکلات و مسائل را برای طرفین  
مفاسمه بخصوص دفاع کننده حل میکند . موضوع و طت جنگ هر چه  
میخواهد باشد با شروع جنگ موضوع اصلی به شکست دادن دشمن  
تبدیل شده است . هدف تا آنجا که جنبه نظامی دارد عبارتست از انهدام  
نیروهای دشمن و اشغال زمینهای هدف آن در واقع روشن است  
که میتواند عامل سنجش برای ارزیابی بیشتر و تهاجمی و تهاجم نشینی  
باشد . راه وصلی به هدف نیز واضح است که باید با عملیات نظامی  
توام و همراه با دیپلماسی و محاصره اقتصادی باشد . سازمان دولتی  
برای جنگ ساده است و دولت رهبری میکند نظامیان اجرا مینمایند مردم

ولت : زارکار را در دسترس او قرار می دهند .

در جنگهای انقلابی دیدیم که وضع این چنین نیست  
انتقال از صلح به جنگ بسیار درجی است . طت و موضوع هرگز  
روشن نیست . هدف کلیت و توده های مردم هستند . اعداد نظامی  
و سیاسی نمیتوانند از هم جدا باشند . عمل نظامی بسیار اساسی  
است . اما نمیتواند تنها شکل اصلی و صده عملیات باشد . جنگهای  
عاری در طی قرون بتدریج اما بطور وسیع و دقیقی تجزیه و تحلیل  
شده اند و در حقیقت این جنگها بر ستم خود تاریخ ثبت شده اند  
و عملیات جنگی و جریان نبرد به مراحل ( فازها PHASE )  
مشخص تقسیم بندی شده است .

پیشروی بطرف دشمن و برخورد و مقابله با دشمن ، آزمایش قدرت و  
زیر دشمن و سپس حمله ، بهره برداری از موفقیتها یا احتمالاً عقب  
نشینی ضریه . دانشجویان در مدارس نظامی می آموزند که  
در هر یک از این مراحل بر اساس تئوری باید گریزهای نظامی چه  
باید بکنند برای کسب تجربه مانورهای انجام میگیرد .

وقتی چنین دانش جویی در صحنه نبرد در تحت شرایط  
جنگ قرار میگیرد مسئله فکری برای او اینست که حساب کرده و  
بفهمد که در چه مرحله او از نبرد قرار دارد و سپس قوانین عمومی  
مربوط بآن مرحله خاص را با وضعیت و موقعیت خود تطبیق داده  
و اجرا نماید . هوش و استعداد و نقاط اوتقل در این موارد بکار میروند .  
در جنگهای انقلابی مسائل باین صورت حل نمیشوند مثلاً  
چگونه میتوان برای کسب تجربه در جلب حمایت مردم مانورهای  
نظامی برای دانشجویان نظامی ترتیب داد ؟

در چنین مانورهایی کدام طرف چگونه میتواند نقش  
مردم و تمام عکس العملهای روانی انسانی را بازی نماید . و  
کدام طرف چگونه میتواند نقش شورشگر را ایفا نماید ؟

سادگی در تئوری و عمل لازمه هر دو گریز و تئوری ضد  
شورش گری میباشد . استراتژی پیشنهاد شده دارای سادگی  
در تئوری و عمل هر دو میباشد . کافی نیست که بطور کلی گفته  
شود که جلب حمایت مردم ضروری است . بلکه باید چگونگی  
آفرینش همان کرد و باید چگونگی طوری باشد که سلی برای ابتکار  
شخصی نظرات ضد شورشگر باقی نگذارد . نگرانیهایی که از گروههای  
مختلف سیاستمداران ، کارمندان ادارات ، مصلحتین ، کارگران اجتماع  
سربازان و ضریه تشکیل شده اند و در همین حال بآن اندازه دقیق

باشد که تمام فعالیتها در یک صورت واحد و حساب شده ای هدایت  
شوند . تقسیم کردن جریان کلی به مراحل مختلف جزئی و مرتب  
و پشت سر هم و بطور منطقی و منوط بهم . وظائف تاکتیکی را روشن  
و اجرای آنها را تسهیل مینماید . ماورین ضد شورشگر میدانند هدایت  
هر مرحله ای چیست و آنها باید چکار کنند تا آنها برسند .  
فرماندهی یعنی کنترل :

با تقسیم بندی جریان عمل به مراحل مختلف ضد شورشگر  
میتواند هر زمان به پیشرفتهای حاصله و وضعیت خود را ارزیابی  
نماید و لذا میتواند کنترل خود را توسعه دهد با انتقال وسائل از  
یک منطقه به منطقه دیگر ( منطقه پیشرفته به یک منطقه عقب  
مانده ) با یاد دادن اختیارات و مسئولیتهای بیشتر به فرمان زیر  
دست که با کسب پیروزی به ایالت خود را نشان داده اند و اعزل  
آنها که بیگانهی خود را نشان داده اند عملیات جنگی را رهبری  
نمایند .

بصارت دیگر میتواند عملیات را اداره نماید چونکه میتواند آنها  
را بنظم درآورد .

— اگر ضد شورشگر نتواند بخشی همه مسائل را کنترل نماید چه اتفاق  
خواهد افتاد ؟

— فعالیتهای عمومی ضد شورشگر ایجاد یک کلاف سردرگم و  
موزائیک و مجموعه جهل تکه ای خواهند بود که یکی از آنها شکن  
است بسیار خوب و ضایع بخش باشد ولی درست در کار آن بکسری  
دیگری از عملیات ناقص و درهم . و باحتی ممکن است تحت کنترل  
شورشگر باشد . چنین وضعیتی یا ، ایده آل برای شورشگری  
باشد . چه او قادر خواهد بود در میان چنین مجموعه ای براحتی  
و بدخواه مانور دهد در حالیکه یک قسمت را بحال خود واگذار شده  
است قسمت دیگری از نیروهای ضد شورشگری را مورد حملات خود  
قرار دهد . ضرورت تمرکز فعالیتهای تحت کنترل ضد شورشگر در یک  
منطقه بالکنه و خودی خود مانند ازه کافی ایجاد موزائیک و در  
هم برهمی و مشکلات مینماید . وقتی ضد شورشگر نتواند جریان  
را کنترل و هدایت نماید معلوم است که چه نتایجی به بار خواهد  
آید چه هرج و مرج بوجود میآید .

\*\*\*

## فصل ششم

### از استراتژی تا تاکیکها

شکلات فرماندهی : سیروچیت واحد - رهبری واحد نابود کردن یا بسوزاندن قسمت عمده و اصلی نیروهای چریکی از یک منطقه جلوتر از حرکت آنها است. استقرار اسد اران برای حفاظت مردم، تعقیب بقایای چریکها، پناهگاه تمام و ترانسوعلیات نظامی هستند. شناختن، تعقیب کردن، بازداشت کردن، بازجویی کردن عوامل سیاسی شورنگر مهاجمه کردن آنها، اصلاح آنها، تکمیل قابلیت اصلاح و هدایت رادارند، همه وظائف پلیس و دستگاه قضایی است. برقرار ساختن ارتباط با توده مردم، اجراء با تقویت طفرات کنترل کننده مردم، تنظیم انتقادات محلی، آزمایش رهبران جدید و انتخاب شده و سازمان دادن و ترغیب آنها در یک حزب واحد کمپوزی،

انجام تمام کارهای سازنده به منظور جلب و تقویت حمایت های رواقی مردم، همه اساساً در مرحله اول عملیات سیاسی هستند که باید توسط سازمان سیاسی ضد شورنگر اجرا و هدایت شوند. نتایج مورد نظر با مهارت دیگر شکست نهائی شورنگر جز مجموعه تمام این عملیات متنوع چیز دیگری نیست. اینها همه اساسی بوده و بهم مربوط هستند. اگر یک کدام از آن ها ناقص یا هیچ شود که محصول صفر خواهد بود. واضح است که پیش از هر نوع جنگی رهبری واحد در جنگهای ضد شورنگری اهمیت فراوان دارد. یک رهبر با هر گروهی واحد باید تمام عملیات و الزامات تا آخر کنترل و هدایت نماید. تا سقفان سه ساله زیاد ساده نیست. وظائف و مسئولیتها را نمیتوان بروشنی به سه نظامیان و غیر نظامیان تقسیم کرد. وظایف هر کدام با وظایف دیگری بسیار مخلوط میگردد. اینطور نیست که بعضی آنکه عملیات نظامی و وسیع در یک منطقه ای خاصه یافت سازمان بهادگان با هر گشته بدون آنکه عملی انجام دهند به صرف باقی بمانند. آنها بطور دائم مجبور هستند با سداری کنند. کین کنند، تجسس کنند، بعضی اوقات مجبورند دست به تشکیل و تجهیز واحدهای دفاع از خود بزنند و آنها را تعلیم بدهند.

پس از همان ابتدای کار، مجمع آوری اطلاعات و اخبار میرود از اما وقتی حوزه هارتیک های سیاسی شورنگر تلاشی میشوند نقش پلیس تمام نمیشود چه شورنگر گوش خود برای تشکیل مجدد شبکه های سیاسی ادامه میدهد. کارگردان غیر نظامی ضد شورنگر نمیتواند صبر کند وقتی کار خود را شروع نمایند که نیروهای مسلح چریکها را یکی

از این برده و مناطق رانضیه کامل نموده باشند. علاوه بر اینها هیچ نوع عملیاتی نمیتواند محدود به نظامی و سیاسی باشد. اجرای هر یک از آنها اثرات روانی ایجاد میکند که وضعیت عمومی را بدتر یا بهتر خواهد کرد. مثلا اگر دستگاه قضایی شورنگر را که هنوز بطور کامل پنهان نشده و تویه نکرده است آزاد نماید اثرات آن بزودی توسط پلیس و مأمورین اداری و سر بازار محسوس خواهد بود. و اهمیت دیگری نیز وجود دارد که وضعیت را پیچیده میسازد. هر قدر سازمانهای اداری در زمان صلح و آرامش توسعه یافته و کارها کامل باشند هرگز با احتیاجات دوران جنگ انقلابی متناسب نخواهند بود. اگر هدف وسیع جلب حمایت و تسخیر توده های مردم را در مراحل اجراء در نظر بگیریم وظائف و احتیاجات هر دو با هم ترکیب و ترکیب مردم را با هم در آنها که در منطقه پخش و پراکنده هستند در نظر قرار دهیم و تعداد کارهای ویژه و قابل اعتماد و اتکا را حساب نمایم در دوازده بلند خواهد شد آنهم در یک کشور کوچک مانده که در شرایط عادی با رهبران کارهای ویژه و پیوسته معیولاً در چنین شرایطی نیروهای صلح به تنهایی نمیتوانند این احتیاج را کاملاً تامین کنند. اما در آن صورت حکومت ضد شورنگر بر سر یک دوراهی قرار میگیرد. واگذاری مأموریتهای سیاسی و پلیسی ویژه به نیروهای صلح و اینکه نیروهای نظامی تمام جریان را نه در تمام کشور بلکه حداقل در بعضی مناطق رهبری نماید. حالت اول قابل گریز نیست.

محدود کردن و محصور ساختن سازمان و طفرات نظامی به صرف عملیات خاص نظامی آنهم در شرایطی که وظایف و مسئولیت حیاتی و ضروری دیگری وجود دارند بدین آنکه کارهای کافی برای انجام آن وجود داشته باشد به معنای وظیفه است. بنابراین باید سازمان را طوری آماده ساخت که بتوانند کار معلم، پرستار، مهندس، جراح، کارنده عادی و غیره را انجام دهد. البته بهترین است وقتی این وظائف را بر سازمان واگذار نمود که راه دیگری وجود نداشته باشد. چه همیشه بهترین است وظایف غیر نظامی را به غیر نظامی واگذار کرد. اتخاذ چنین تاکیکی برای ارتشهای روسی است که کمونیستهای چین بارها بکار برده اند. در طول چهار دهه پانزده ساله ۱۹۴۹ کمونیستها در آستانه ورود به قسمت جنوبی چین بیش از ۷۰ هزار محصل را بسیج کرده و آنها را در مدارس خصوصی تعلیم دادند. وظائف آنها این بود که بدنه ارتش حرکت کرده و در خدمت اجتماع، کارهای تبلیغاتی، اشتغال،

کارآموزی و تشبیهز توده ها بارتش گم کند . تقلید با پیروی از این روشها: سط ضد شورشی کار ساده ای نیست . چگونه می توان يك چ گروه بزرگی از مردم غیرنظامی پیدا کرد که بآنها بتوان اعتماد کرد در حالیکه در شرایط جنگ انقلابی وفاداری هر فردی مورد شک و سؤال میباشد اما این کار بالاخره باید انجام گیرد .

اماره حل دوم سپردن اختیار اداره تمام جریان بارتش به قدری خطرناک است که باید باتمام قوا در برابر آن مقاومت کرد . برتری ( اولویت ) قدرت سیاسی بر قدرت نظامی : در اینکه قدرت سیاسی باید فرمانده و رهبر باشد بحثی نیست . موضوع هم اصولی است و هم عملی . آنچه در اختیار است رژیم سیاسی سلطنت است . دفاع از آن هم يك مسئله سیاسی است . این امر گرچه به عمل نظامی احتیاج دارد اما کامل عملیات بطور دائم و مستمر در جهت يك هدف سیاسی هدایت میشود .

عمل نظامی ولو آنکه بسیار ضروری و اساسی باشد نسبت به عمل سیاسی در مرتبه دوم اهمیت است . هدف اولیه عمل نظامی آنستکه برای قدرت سیاسی محیط مناسبی بوجود آورد که بتوانند با آزادی کامل با مردم کار کنند . نیروهای مسلح یکی از وسائل متعدد ضد شورشیگراست . قدرت سیاسی سایر ابزارها را وسیله غیرنظامی را با گردمانند از ناشرایط و مقتضیات ضروری و مناسب برای عملیات نظامی در موقع معین و مناسب فرابرد .

يك جنگ انقلابی ۲۰٪ نظامی و ۸۰٪ سیاسی است . این فرمولی است که حقیقت را عکس میبازد . سپردن سرنوشته با مسئولیتهای غیرنظامیان به سران با شخصیات اصلی این نوع جنگ تناقض دارد . در عمل بطور اجتناب ناپذیری این کاره وارینه کردن اهمیت نسبی عمل سیاسی بر عمل نظامی خنجر خواهد شد و نتیجه جنگ انقلابی جنگ عادی تبدیل میگردد .

در شرایطی که ساختمان سازمان سیاسی و نظامی طوریست که رهبران نظامی خود از اعضای برجسته حزب هستند و نیروهای مسلح ابزار کار میباشند و این نیروها مرتباً تحت کنترل و راهنمایی کسبهای سیاسی حزب که مستقیماً با مردم رهبری در تماس میباشند / اعطای سلطنت و هدایت تمام به نظامیان ممکن و موثر میباشد اما این وضعیت ساختمان سازمان شورشی را با هم میگذرد و این میگذرد ضد شورشیگرا .

شد  
بنابراین سلطنت کلی در هر سطح باید بدست درتهای سیاسی باشد  
در هر مورد که با کمبود و خلا کادرهای اداری روبرو شد آنوقت بزرگ کردن  
خلا با استفاده از نظرات نظامی و غیردستهای غیرنظامی و تحت  
رهبری غیرنظامیها نامی نخواهد داشت .

اگرچه هرچه سنگ است مال پای لنگ است .

( بهای لنگ میخورد ) و هرچه سنگ است بدسته میخورد معذک  
باید گوشه تاپرنامه را مطابق طرح پیش بینی شده اجرا کرد .

### هماهنگی فعالیتهای :

رهبر ضد شورشیگر که بنا بر فرض ما غیرنظامی است قبل از اتخاذ هر تصمیمی  
باید مشکلات و مسائل افراد و نظرات نظامی و غیرنظامی خود را در نظر  
بگیرد و روی آنها حساب کند . مخصوصاً توجه نماید که اصل آنها بطور  
پهچیده ای بهم مربوط هستند و چه با احتیاجات يك قسمت با قسمت  
دیگر تناقض داشته باشد .

رهبری باید تمام فعالیتهای هماهنگ ساخته و آنها را در يك صورت واحدی  
هدایت نماید . انجام چنین امری از نظر عملی چگونه ممکن است ؟

دوره حل سازمانی وجود دارد . اول : تشکیل کمیته و این کمیته در  
سطح منطقه یا استان در تحت ریاست يك اضطرر منطقه یا شرکت  
اضطری از همسایه مردم غیرنظامی و سران سازمان تشکیل میشود . نمونه آن  
در مالا بام بود .

دوم : تشکیل ستاد مشترک نظامیها و غیرنظامیها که در آن نظامیها تحت  
نظریه رهبر غیرنظامیهای محلی میباشند . نمونه ای از این قسم وجود  
نداشته است بلکه عکس آن وجود داشته یعنی کمیته با رهبری نظامیها  
و نمونه های آن فراوان است .

در رژیم ویدال جزایر که در سال ۱۹۵۸-۵۹ تمام قدرت در دست  
در دست نظامیان بود . هر يك از این دوره حل دارای معایب  
و مزایای میباشند .

کمیته بسیار انعطاف پذیر است و اعضای خود آزادی زیادتری میدهد.  
میتوان آنرا کوچک و محدود نگه داشت. اما کارش بسیار گد است . در ستاد  
مشترک امکان رهبری و فرماندهی بیشتر و حساستر است اما در عوض سختتر  
و دشوارتر و بیشتر مستعد برای بیروگرایی میباشند . ظاهر آنرا جنگ ضد شورشیگر  
هر دو قابل استفاده هستند .

کمیته برای مقامات بالاتر فرماندهی که با مسائل و برنامه های دوررس  
سرکار دارند بسیار خوب است . ستاد مشترک برای طبقات و اخلاقیهای  
پایین تر که کارهای اجرایی دارند و سرعت خیلی ضروری است بهتر

است . در جنگهای ضد شورشی در سطحهای پایین ، فرصتها و امکانات بسیار کوچک محلی میباشد اما بسیار زیاد در کربنده هستند و باستی سرعت و غیریت تصمیم گرفت و از امکانات و فرصتها استفاده کرد . در اضلونیهای بالاتر که کمیته تشکیل میگردد هر یک از قسمتهای نظامی و سیاسی نظامی شرکت کننده ، سازمانهای خود را حفظ میکنند و آنها را طوری تنظیم میکنند و مرتب می نمایند که بتوانند همکاری خود را با هم هر چه بهتر توسعه بدیندره در جنبه های عادی ، ستاد یک واحد بزرگ نظامی بطور خلاصه از رشاخه و قسمت عده تشکیل شده است :

یکی " جاسوسی عطیات " و دیگری " لوزیستیک " ( لوزیستیک شاخه هائی از نظم نظامی است که کارر عبارتست از حرکت دادن و تدارکات دیدن و جابجا کردن نفرات ) .

در جنگهای ضد شورشی شاخه با قسمت سوسی بنام شاخه سیاسی که باندازه در شاخه دیگر اهمیت دارد مورد نیاز است .

اقتدر سلول این شاخه ، تخییرات و توسعه مسائل مربوط به سیاست و عطیات اجتماعی را مورد تجزیه و تحلیل قرار میدهد و نظریات شورشی خود را بر پیش خوبی گزارش میدهد و در مرحله تنظیم برنامه ها نسبت با اجرای عطیات نظریه دهد . از طرف دیگر ستاد های غیر نظامی در جنگهای ضد شورشی باید یک شاخه نظامی در سازمان خود بوجود بیاورد که در ارتباط دائم با رئیس غیر نظامی خود باشد . بوسیله این دوشاخه ارگانیک که از نزدیک با هم کار میکنند خطر را کدگی و متضیق بودن فعالیتهای در قسمت نظامی و غیر نظامی احتمالاً بسیار تقلیل خواهد یافت .

هر سیستم باره حلی که انتخاب شود در هر حال خوبی بایستی آن باندازه خوبی بایستی لفظه و محتوی آن خواهد بود . با تخییر بعضی از اعضای ناراحت و ناخوش میتوان شدت مسئله را تخفیف داد و از راحتی در بهترین سازمانهای قابل تصور و تجسم نیز باز نواز شخصیتهای همیشه مسئله ریز خواهد بود .

اما این تخییرات لفظه شکل تمام کمیته ها و ستاد های مشترک را حل نخواهد کرد . بنابراین سؤال بعدی اینست که این سازمانهای منتظم را چگونه بنیان بگذاریم صرف نظر از عوامل شخصیتها در یک جنگ ضد شورشی بتواند حد اکثر خود را بر واقع شود ؟ با فرص اینک هر یک از این سازمانها با همین شخصات کل که بیان شد کار خواهند کرد آیا چگونه میتوان از موارد و نتایج پرت و پلا و نامربوط عطیات آنها بهره ریز کرد و آنها را بعد اهل تطبیق داد ؟

البته اگر هر یک از اعضای سازمان گزارش را بر حسب یک طمسرح ، استناد ادری انجام میدهد مسئله حل شده بود . آیا واقعا این همان چیزی نیست که یک دکتربین انجام خواهد داد ؟ دکتربینی که اجزاء آن کاملاً بهم وابسته و مربوط باشند و لفظه آنرا بخوبی فهمیده باشند و در ک وقبول داشته باشند ؟

بهتر از هر چیزی ، چنین بنظر میرسد که جواب عطفی به مسئله و شکل چگونگی رهبری و هدایت کوششها در یک جهت واحد ، مجبزی بودن یک دکتربین کامل میباشد .

#### بزرگترین فرماندهی محلی :

نیروهای مسلح ضد شورشی در تمامیت دارند که باید انجام بدهند :

الف - پایمال کردن و انهدام قدرت نظامی شورشی .

ب - تامین امنیت در هر منطقه و وضعی . طبیعتاً که نیروهای ضد

شورشی باید در نوع سازمان ببایند . یکی واحدهای شحرک ، بیشتر به

سبک هادی بچنگ و دیگر ثابت ( غیر شحرک ) که باتوجه مردم سرو

کار داشته و برای محافظت آنها و تکمیل فعالیتهای سیاسی در محصل

باقی میمانند . واضح است که واحدهای ثابت آنهاست هستند که

وضعیت محلی و جمعیت و مشکلات مردم را بخوبی میدانند اگر اشتباهاتی

رخ دهد آنها هستند که باید این اشتباه ها را ترمیم نمایند . وقتی یک

واحد شحرک برای اجرای برنامه ای بطور موقت بمنطقه ای می رود باید

تحت نظر فرمانده محلی و وظایف خود را انجام دهد و لو آنکه اضر فرمانده

محلی از نظر درجه و رتبه پائین تر از فرمانده واحد شحرک باشد همانطور

که یک سفیر کبیرا بر کادر شورشی محل گزارش رهبر فرمانده کل تمام سازمانها

آمریکائی در آن کشور میباشد . فرمانده نظامی منطقه ای و محلی نیز باید

فرمانده بر همه بر تمام نیروهائی باشد که در نظر او فعالیت میکند .

انطباق ( وفق دادن ) نیروهای مسلح با شرایط و ضرورت

#### های جنگ ضد شورشی :

تا زمانیکه شورشی در بعضی به تشکیل یک ارتش قوی عادی نشده

است ضد شورشی هرگز وارد استعمال بمبارکی برای نیروهای سنگین

و کاملاً مجهز خود که مخصوص جنگهای عادی هستند نخواهد داشت .

برای نیروی زمینی ضد شورشی که بهاده نظام ولی بپاده نظامی

که بمبارک شحرک و بجهت سلاح های سبک باشد احتیاج دارد .

تبخانه مختصری برای حمایت بپاده نظام در موارد نادر و

تصادف و هنگام زخمی و آنهم اگر شرایط زمین مساعد برای

استفاده باشد و بالاخره سواره نظام برای عطیات تعقب و

تجسس در جاده ها .

برای نیروی هوایی ضد شورشگره هواپیماهای با سرعت کم  
ولی بادوام و تحمل زیاد و قدرت آتش و تیراندازی که بتوانند  
طبقه آتش را حقای کوچک زمینی دفاع کند احتیاج دارد .  
هم چنین هواپیماهای زود خیز که سرعت متوانند پرواز کنند و  
هلیکوپترهایی که در عملیات ضد شورشگری دارای نقش حیاتی  
میباشند مورد احتیاج است .

اگر نیروی دریایی وجود داشته باشد ما میتوانیم از نوع عملیات عادی  
است و هدفش تقویت محاصره در قسمت مرزهای ساحلی میباشد .  
علاوه بر اینها ضد شورشگر یک سیستم بسیار متراکم احتیاج دارد .  
بنابراین ضد شورشگر باید در اولین فرصت نیروهای موجود خود را  
طبق این احتیاجات تنظیم و ترمیم نماید . تا آنجا که میسر است  
نیروهای ضربه‌زور خود را به پاره نظام تبدیل سازد . اما بهر  
حال انتظاری و ترمیم بیشتری لازم است . در جریان جنگهای  
ضد شورشگری واحدهای غیر متحرک خود را با وظایف غیر نظامی متنوع  
مواجه می‌روند و خواهد دید و اگر نخواهد حمایت مردم را جلب نماید باید  
بتواند آنها را انجام دهد و صحت کمبود کارهای ویژه اجبار آنفرات  
واحدهای نظامی باید این وظایف را انجام دهند . این وظایف  
عبارتند از :

تهیه آمار سرشماری جمعیت - تقویت و اجرای مقررات جدید برای  
حرکت اشخاص و مواد - اطلاع سفین مردم - اجرای تبلیغات  
تک تک ( نفره نفر) - جمع آوری اطلاعات توسط بحوال  
سیاسی شورشگر - اجرای اصلاحات اقتصادی و اجتماعی  
تعدد و پیوسته همه اینها فعالیت‌های اولیه آنها خواهد بود . آنها  
باید در مرحله دوم سازمان دیده و مجرب شوند . لذا یک مأمور  
پلی کی ممکن است از یک صلح مسلح موقتتر باشد . سر بازی که  
تعلیمات خاص برای مصالحه بهاران و کودکان دیده باشند ،  
بهتر از یک خبره توپخانه باشد . میان ضربه ترازیم خردار  
بشود و منشی و نویسنده و باهگان از تفنگ دار و تیرانداز بیشتر  
مورد احتیاج باشد .

انتظاری دادن افکار و عقاید : بهمان اندازه که انتظاری نیروها  
با شرایط زمان جنگ ضد شورشگر مهم است ترمیم و اصلاح عقاید  
و افکار انسان‌ها و بهرمان این نیروها مهم است . باید اعتقادات و  
نظریات آنها را از نظامی و غیر نظامی را با احتیاجات مخصوص  
جنگهای ضد شورشگری تطبیق داد . مسائل و تصمیماتی  
که در جنگ عادی برای سازمان و در زمان صلح برای کارندان

غیر نظامی درست و صحیح هستند ضربه‌زورهای شرایط انقلابی  
ضد شورشگری درست نخواهد بود . سر بازی که در جنگ عادی  
وقتی بسوی او تیراندازی میشود باید باتمام قوا بدان جواب به  
دهد ، در اینجا باید خود را با قانون حداقل تیراندازی تطبیق  
بدهد . در جنگ عادی سر بازی که کاردار و آن نابودی دشمن  
میباشد . شمار " سیاست نه " جز " خیره او در رهنما دوست .  
اما در جنگ ضد شورشگری وظیفه او جلب حمایت مردم است .  
و برای انجام وظیفه اش باید علاوه بر سیاست دخالت نماید .  
در جنگهای عادی ، دادن نشانها و لقبها و تهنیتها بر اساس کشتن  
و یا اسیر گرفتن هر چه بیشتر نفعات دشمن میباشد که در نتیجه  
آن او در نجات و وسعت عملیات نظامی خود را تشدید خواهد نمود .  
اما چنین روشی در جنگ ضد شورشگری فاجعه آور میباشد .

به بیان اداری در زمان صلح نسبت بتوده های مردم و افکار  
عقاید آنها بر پایه سیاسی به طرفان او را اتخاذ میکنند و عده ها  
خفته شکوفا کرده و عده ها افکار جدید به پرورش مباد .

اما در زمان جنگ ضد شورشگری وظیفه بران است که مواظبت  
کند که فقط گی های سالم رشد کرده و شکر کاشتند نه هر طرف  
هیزه ای .

واضح است که حکومت ضد شورشگر احتیاج به رهبرانی دارد که  
ماهیت و طبیعت جنگ را درک کرده باشند . در احتمال برای  
یافتن این رهبران وجود دارد :

- ۱ - تلقینات ( اینده کسینه کردن ) . تعلیم تکلیف های جنگ  
ضد شورشگری .
- ۲ - انتخاب اصلاح بطور طبیعی .

نظری جنگ های ضد شورشگری را میتوان نظیر سایر جنگها در سر  
را نباید مواظب بود که این نظریه با تمام کارها و نفعات نیروهای  
نظامی و غیر نظامی آمیخته شوند . شکل عده . تعلیمات  
علی است . اجرا و تمرین و تعلیم عملیات نظامی آسان است  
اما بسختی میتوان عملیات غیر نظامی را تمرین کرد .

چه . عامل " روحیه توده مردم " و دخالت و تکرار العمل او در میان  
دو فشار شورشگر و ضد شورشگر چیزی نیست که بتوان آنرا در ترمیم  
با قاعدهت پیش بینی کرد . در عملیات غیر نظامی تصمیم هائی  
که اتخاذ میگرد و اجرا میشوند اثراتشان بعد از مدت مدیدی ظاهر  
میشوند . در حالیکه صحت یک عمل نظامی بلا تا صله و فوری

پس از اجراء ظاهر میگردد. در این گام باید تعلیمات زیادی داده شود. بعد از خلا بحث خواهیم کرد.

تلفیقات فکری و تعلیمات حریان گد و آراهی دارند. و برهبرانی بسیار لایق نیاز مند است. برای آنکه بتوان لیاقت و کفایت رهبری

کسی را که قبلا در هیچ حلقه فد شورنگری شرکت نفاخته است منجمه هیچ مطالعه ساده و آسانی وجود ندارد. یک راه علی آتشکه ابتدا ما هم نظریات جدید و دشواری فد شورنگری را برای افراد خود شرح نمود و آنها فهمیدند سپس آنها را که خوب درک کرده اند تشخیص داد و انتخاب کرده و آنها مسئولیت واگذار نمود. آنها را که در عمل لیاقت و کفایت از خودشان نشان میدهند بجلوراند. در میان نیروهای مسلح هستند کسانی که نمیتوانند نظریات و افکار و عقاید جنگهای عادی را فراوانی کرده باشند. با آنها باید فقط در واحدهای ضحک که نوع عملیات پیشرفته عملیات عادی شهادت دارد مطهرت داد. در جنگ انتقالی مسئله اعتماد و قابلیت سیاسی جنگ بزرگی است. اما معدالک باید مطمئن ترین کادرها برای کار و تلاش با جمعیت توده مردم مطهرت بود. انتخاب منطقه فعالیت - مسئله استراتژیک.

دوره کاملا متفاد و نگاه سوم میانه در برابر فد شورنگری وجود دارد. طرز برخورد دوره حل اول شروع از جنگ ترین قسمت بوده و ساده ترین راه ختم میشود. تمام کوشش ها در مرحله اول و آغاز کار در منطقه سرخ متمرکز میگردد و همه ریح بخاطر صورت و سپس سفید توسعه میدهد. این راه اگر موفقیت آمیز باشد سر بهترین نوع میباشد. طرز برخورد و باره دوم بزرگترین اولی از ساده ترین به جنگ ترین میباشد. در شروع بکار احتیاج بوسائل کفتری میباشد. بسیار کند و بطی است شورنگر فرصت بسیاری دارد تا خود را در منطقه سرخ مستقر سازد. انتخاب هر یک از این دو طرز عمل بستگی بقدرت نسبی هر یک از دو طرف متخاصم دارد. در جنگ بیژان ابتدا طیون راهی میان این دو راه یافت که بهتر براه اول انتخاب کردند. آنها ابتدا این نیروهای شورنگر در منطقه THESSALLY در مرکز بیژان گلاویز شدند و سپس بطرف تاسمات ایت آنها در شمال و شرق بیژان رفتند. کمونیستها بر ارضی با آن طرف مرز عقب نشینی کرده و از جای دیگری مجددا ظاهر میشوند. اولین برنامه تهاجمی طیون شکست خورد. در بار دوم در ۵-۱۹۴۹ استراتژی آنها عکس استراتژی بار اول بود. آنها ابتدا کمونیستها را در منطقه پلویوند سوس از بین بردند. سپس با قدرت و قوت بیشتری در شمالی عمل کردند و بالاخره در خاتمه بناواحی مرزی ( سر ) برداختند.

این بار موفق شدند البته باید از اختلا ف میان تیتو و استالین تشکر نمود که اینها را مانع از آن تشکر کمونیستها بر ارضی بآن طرف مرز بودند و برگردند و تمام حوشک بازی کنند.

در چین بعد از تسلیم ژاپن و تخلیه خاک چین وقتی جنگ انقلابی بسی مجددا از سر گرفته شد طیون سه راه در برابر خود دیدند:

اول تمرکز تمام نیروها در رهبری - جایی که قدرت حکومت مرکزی بسیار ضعیف و کمونیستها بسیار قوی و با انواع سلاحهای ژاپنی مجهز شده بودند. دوم ابتدا متصفه چین مرکزی و سپس شمال و بالاخره جنوبی. سوم اجرای عملیات پراکنده و وسیع در همه جا.

در شهری آزادی انتخاب عمل وسیع اما در عمل بسیار محدود بود. جنوبی ضعیف ترین و صنعتی ترین ایالت چین بود واضح است که طیون نمیتوانستند تحمل کنند که دشمن آنان در چنین منطقه ای باسانی

و با خالری آسوده به تقویت خود به پردازند و با روسیه شوروی در تماس مستقیم باشند. از طرف دیگر جمهوری در روزهای آخر جنگ توسط سربازان روسیه اشغال شده بود. حکومت طی مرکزی مجبور بود برای حفظ تمامیت ارضی خود عملا اقدامی ننماید. اما آنها احساس میکردند که مجبورند بهترین واحدهای خود را در این منطقه متمرکز سازند. آنها شانس بیشتری برای طیون اگر راه دوم را انتخاب میکردند بیشتر بود. یانه، مورد شک است. چه تا سال ۱۹۴۵ بهر حال کمونیستهای چین غیر قابل تسخیر شده بودند. اما معدالک انتخاب راه دوم شانس بیشتریست به راه اول داشت.

در الجزایر در ۱۹۵۶ فرانسه و پانزدهم از نیروهای نظامی فراوانی بر مجاهدین برخورد را بردند. فعالیت فرانسه و پانزدهم در جزایر پراکنده بود. آنها با تمرکز کوششهای خروشان در مرزهای مراکش و تونس و منطقه کوهستانی و به جمعیت قبیله، توانستند نیروهای مجاهدین را متلاشی کنند اما فقدان دشمن و ایدئولوژی و عدم اطلاع از اینکه بعد از فتح و پیروزی چه باید بکنند با اضافه سایر عوامل و مسائل مانع از پیروزی قطعی و مشخص فرانسه گردید. در سال ۶۰-۵۹ استراتژی فرانسه

از شرق به غرب ادامه یافت. از ORAN شروع شد و پس از کوههای OUARZENTIS به منطقه قبیله و بعد به کستانین ختم شد. این با آنها تجربه کافی پیدا کرده بودند. دوره ابهام و گیجی تمام شده بود. با پایان سال ۱۹۶۰ که سیاست دولت فرانسه از نابود ساختن شورنگر به جد ساختن ساله الجزیره" تغییر یافت تعداد مجاهد ها در تمام الجزیره به ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ نفر که به میزان زیادی از مردم مجزوات آنها مانده بودند تقلیل یافته بود. اگر

بکروههای کوچک ویران شده می اثرند به دلیل شده بودند. همچنین آنها با ۱۵۰۰ سلاح که بسیاری از آنها به ملتقدان مهاجرت می اثر شده بود صلح بودند. حتی یکی از رهبران ولایات با مرکز فرماندهی در خارج از کشور و تماس و ارتباط نبود. نه تماس بیک و نه تماس را بیونی.

برنامه تعضیه ( از جانب دولت فرانسویها ) افراد آنها را از بین برده بود. بعضی از رهبران عالی مرتبه پیشنهاد تسلیم داده بودند. هرزها به کسی بسته و نفوذ غیر قابل امتنان بود. نیروی فرانسه صرف نظر از واحدهای دفاع از خود در دعوات، بالغ بر ۱۵۰۰۰۰ مسلمان الجزایری میشد. آنچه که باقی مانده بود که اجرا شود، اگر میخواستند تغییر نصیحت از این برین برین بقایای مجاهدین سرسخت و جان سخت بود البته این آخرین قسمت بانوجه به وسعت الجزایریک برنامه طولانی بود. در مالایا اجرای آخرین قسمت برنامه حداقل ۵ سال طول میکشد.

انتخاب اولین منطقه واضح است که با استراتژی انتخاب شده بستگی در آن آنچه مهم است اینست که ضد شورشی که پیروزی سریع در کوتاه ترین مدت احتیاج دارد. بانوجه به جایا و اثرات روانی در جنگناظرایی کسب چنین پیروزی ارزش آن را دارد که ضد شورشیگر موفقیت خود را در جای دیگر به خطر اندازد.

فد شورشی باید سرعت در عملیات فیر نظامی که بسیار ضروری هستند تجربه بدست آورد بانوجه به مسائل بالا چنین نظر میسرود که باید انتخاب منطقه طوری باشد که تمام بایک پیروزی سریع نزدیک باشد. و اینطور نظر میسرود که بهترین است که از آسان شروع کرد و به تدریج به مناطق سخت ( سرخ ) پرداخت مگر آنکه ضد شورشیگر سارقوی بوده و به تواند استراتژی ضد آنرا انتخاب نماید.

نیروهای تاکیکی -

در انتخاب منطقه برای عملیات تمام عواملی که عمود در جنگهای عادی مورد توجه قرار میگیرند در جنگ انقلابی نیز ارزش خود را حفظ خواهند کرد. این عوامل نظیر وضع زمین، تسهیلات و امکانات حمل و نقل آب و هوا و غیره میباشند.

فد شورشیگر مخصوصا نتیجه کند که آگاهان منطقه مورد نظر را به سرعت و آسانی به قسمتهای کوچکتر و مجزا از هم با استفاده از موانع طبیعی نظیر دریاچه و جلگه و دریا رودخانه و غیره تقسیم کرد یا نه که رهبا و باطلابها و جنگها نمیتوانند موانع طبیعی خوبی باشند چه آنها بهترین محل برای شورشیگر میباشند جلگه ها بنوع ضد شورشیگر میباشند. اگر موانع طبیعی وجود دارند باید موانع مصنوعی ایجاد نمود نظیر آنچه که فرانسویها

در موزههای تونس و مراکش ساخته بودند این راه حل ممکن است بسیار گران تمام شود اما نتایج حاصله صرفه جویی در نیروی انسانی بهتری است که به بهای آن مایزید اگر آنجا جمعیت هدف است عوامل مربوط به جمعیت نیز اهمیت خاصی دارند بعضی از این عوامل عینی و قابل لمس هستند.

۱ - تعداد جمعیت - هر قدر بیشتر باشد خطر بزرگتر است.

۲ - تمرکز یا پراکندگی جمعیت - آیا جمعیت در شهرها متمرکز است و یا در دهات؟ یا در مناطق مسطحه؟ یا که جمعیت متمرکز خیلی بیشتر قابل کنترل است. یک گروهان پیاده نظام آسانی میتواند یک شهر ۱۰ تا ۲۰ هزار نفری را کنترل نماید ( جز در موانع قیام عسوی ) در حالیکه اگر همین جمعیت در یک منطقه ای پراکنده شوند کنترل آسان نیست.

۳ - چقدر رونقچه مردم به تدارکاتی که باید توسط سازمان اداری ضد شورشیگر از خارج منطقه برسد متکی هستند؟ آیا فدا و سایر احتیاجات آنها باید از خارج شهر برسد؟ آیا تجارت در شهر مهم است و میتواند بایک اقتصاد مستقل و مجزا زندگی کند؟

بالا تر از اینها عوامل ذهنی هستند. نظر مردم نسبت به دشمنانشان چیست؟ نسبت دشمنان و دوستان و بیطرفان چقدر است؟ آیا میتوان از قبل این نسبتها را پیش بینی کرد؟ آیا میتوان روش رویه ای را که هر طبقه در پیش میگیرد قبلا پیش بینی کرد؟ مثلا بورژوازی ملی، زارمین غنی، زارمین کوچک، مالکین جز، و غیره این رویه و آنان رویه را در پیش خواهند گرفت؟ آیا وسایلی برای اصال نفوذ در میان آنها وجود دارد؟ آیا عواملی که حیاتی و موثر باشند و بتوان بادست آورد قرار دادن این عوامل هر یک از این طبقات را بیشتر و صیق تر از هر یک از طرفی مشخص جدا ساخت وجود دارند؟ و آنها چه عواملی هستند؟ و چگونه ضد شور میخوانند از این عوامل طبقه شورشیگر و نفع خود استفاده نماید؟

اینگونه تحلیلهای سیاسی در جنگهای انقلابی باید از مطالعه نقشه های جغرافیایی در جنگهای عادی مهم و شاید مهمتر باشند. این تحلیلهاست که بطور تقریبی نشان میدهد آیا کار کردن در منطقه مورد نظر آسان یا خیلی مشکل است. به عنوان نمونه در الجزایر فرض این بود که سربازان فدی مسلمان که از حرکت فرانسه حفریق تقاضا باز نشستی دریافت میکنند بخودی خود دشمنان مجاهدین خواهند بود! و با زمانیک در نرحت اوضاع واحوال الجزایر صورت برده زندگی میکنند از آزادی خودشان استقبال خواهند کرد! صرف نظر از بعضی موارد جزئی این فرضیات در عمل نشان دادند که درست بوده اند؟

## فصل هفتم

### عملیات

در فصل چهارم استراتژی کلی بیان شد در این فصل مسائل تاکتیکی که بطورهای، محصول آن استراتژی خواهند بود مورد مطالعه قرار میگیرند البته پیشتر بحث روی اصول خواهیم پرداخت تا بدستور العمهای واقعی و عملی .

#### مرحله اول در تلاش ساختن با استخراج نیروهای شورشگر

تحقق چنین هدفی در منطقه انتخابی و اتمام آن چیزی است که ضد شورشگر باید برای آن بکوشد یک مسئله راه باید همیشه در نظر داشت: این عملیات خود بخود پایان کار نخواهد بود .

چریکیان نظیر " مارافانه ای " هستند . دارای آن استعداد اختفا میباشند که اگر همه آنها در یک زمان از این برده نشوند مجدداً درند میکنند بنابراین هدف عمیق تر اولین عملیات آماده کردن صحنه برای توسعه هرچه بیشتر عملیات ضد شورشگر میباشد .

اگر واحدهای غیر متحرک ضد شورشگر حرکت و سپس به مناطق بیض بندی شده خود برسند هدف همین این مرحله از عملیات رسیده باشد در نتیجه عملیات آنها نیروهای چریکی ممکن است از منطقه بیرون رانده شده باشند و با صورت دستجات بسیار کوچکی و از هم پراکنده در محل بطور مخفی باقی مانده باشند در چنین مراحل ضد شورشگر مجبور است که یک واحد از نیروهای متحرک خود را در محل نگهدارند تا نیروهای غیر متحرک بتوانند مستقر شوند و آسودگی با مردم تماس برقرار سازند و آنها را تحت کنترل خود در آورند و در موقعیتی قرار گیرند که خود بتوانند با نیروهای پراکنده چریکی مقابله نموده و از الحاق آنها بهم و تشکیل گروههای بزرگتر و خطرناکتر جلوگیری نمایند .

با پدیدت کردن و اصرار نمودن که نتایج اولین عملیات ضد شورشگری بخاطر نتایج بهتر نظامی، از این نیروند و لجن مال نشوند: صاره تاکتیکیا در این عملیات بسیار ساده هستند .

۱ - واحدهای متحرک با اضافه واحدهائی که برای تقویت واحدهای غیر متحرک باید در منطقه باقی بمانند بطور ناگهانی در اطراف منطقه متحرک میشوند . از خارج بداخل پیشروی میکند هدفشان محصور کردن چریکیان در یک دایره میباشد .

بواحدهائی که در مناطق مجاور مستقر هستند دستور داده می شود که فعالیتهای خود را در اطراف منطقه انتخابی نشاندند تا پدیدند .

۲ - حلقه از داخل بخارج بمنظور بیرون راندن چریکیا .

تفاوت بعنوان ضابطه آزمایشی اولیه انتخاب میشوند . در این ضابطه شرایط تفاوت پیشرفت با عقب ماندگی، اطمینان های مذهبی، تمرکز با پراکندگی جمعیت، ضعف یا قدرت حزب، همه را در نظر میگیرند . سپس پیروزه شماره ۲ محرمانه در مناطق آزمایشی به مرحله اجرا در میآید . با حداقل تبلیغات محلی، کادرهایی که از سایر مناطق و از میان طبقات مختلف به محل آمده اند اجرای پیروزه را بدقت نظارت میکنند و سعی تجربه تمام شد یک انتظارد جدی و کامل نسبت به تمام عملیات از طرح تا اجرا بعمل میآید و سپس مجدداً تمام برنامه مورد بحث قرار میگیرد . باید باتصویر میشود اگر برنامه با اصلاحات بعد از انتقادات تصویب شد آن وقت بعنوان برنامه رسمی دولت طنائها تبلیغات و سرورهای زیادی در دسترس قرار میگیرد . ناظرین به مراکز مستهای خود بر میگردند و برای آنکه خود آنها برنامه را در مناطق خودشان عملی کنند با بلگ بعنوان معلمین و متخصصین در سطح مقامات خودشان برای توده های محلی . باین ترتیب بود که چین کمونیست اولین سرشمار دقیق جمعیت را در چین در ظرف چند هفته انجام داد و بدین ترتیب یک ماه برنامه چیره بندی گندم را اجرا نمود .

اگرچه مثال بالا وضعیت یک ضد شورشگر نبوده است اما اصل مسئله را میتوان در حقیقت مورد بهره برداری برای ضد شورشگر قرار داد .

\*\*\*

۳ - بالاخره عطیات کلی به چندین قسمت از عطیات کوچکتر تقسیم میگردد . هریک از واحدهای غیر متحرک چه واحدهای اصلی ( غیر متحرک ) وجه آنها که برای تعقیب طحق شده اند ، تحت فرماندهی قسمتهای کوچکتر مربوط قرار میگیرند . تنها یک قسمت از نیروهای متحرک مستقل و تحت فرماندهی مرکزی باقی خواهند ماند بقیه واحدها بطور مستقل به قسمتها و آگاهی مییورند . تمام واحدها برای تصفیه و از بین بردن چریکها که هنوز در منطقه باقی هستند اقدام خواهند نمود .

عطیات در این مرحله ، نظیر سایر مراحل ، با اطلاعات تاکتیکی و جنگ اصابت که هدی آنها شورگر نیروهای ضد شورگر مردم میباشد تکمیل میگردد .

تلهیفات ( پیریاگاندا ) برای نیروهای ضد شورگر -

در این مرحله ، عطیات ، بر تاسیرونگ نظامی است و بالا جباری است خرابی زمینهای خواهد شد . شورگر خواهد کوشید از این خرابیها حد اکثر استفاده را برده و متحرک ، تصادفات میان مردم و نیروهای ضد شورگر را تشدید نماید . از آنجا که رنجاندن مردم و تحریک آنها از طرف ضد شورگر به حل مسئله کفکی نخواهد کرد ، لذا باید مگر العمل نیروهای ضد شورگر را بسختی کنترل کرد و مانع اصل عبولانه آنها شد . واحدهای در این عطیات شرکت میکنند میباشد کاملاً تحت نظارت مؤثر فکری و سیاسی قرار گیرند تا نام کار با آنها بسختی مجازات شوند اگر این مجازات با سخت جلب توجه مردم میگردد باید آنها را ملتی و تلهیفات انجام داد . هر گونه خرابی با زبان و بازاری مردم باید بدون هیچگونه تاخیر و تشریفات اداری جبران گردد .

تلهیفات برای مردم - در این مرحله درخواست از مردم برای همکاری دسته جمعی و ملتی بهایده و صحت شکست خود ضد شورگر خواهد بود . مردم هنوز بر کنترل شورگر هستند و نمیتوانند آنها را انجام دهند علاوه بر این اگر بعضی از مردم ملتی در این موقع و بطور پخته و قبل از وقوع باشد شورگر همکاری کنند و سپس توسط شورگر سختی مجازات شوند اثرات روانی آن روی سایرین بسیار خواهد بود . برای ضد شورگر در این مرحله بهتر است که بگردد مردم را نسبت به هر دو طرف بی طرف نگه دارد . خطوط کی چنین میتواند باشد :

" بیطرفی بدان " صلح بزودی به منطقه باز میگردد . اگر شورگر کله کی صاحبوریم عطیات نظامی خود را تشدید نمائیم . و در نتیجه خرابی بیشتری بهار خواهد آمد . "

تلهیفات برای شورگر :

بزرگترین اشتباه شورگر در این مرحله که ضد شورگر فکری است

این خواهد بود که در سطح زمانی که ضد شورگر انتخاب کرده است دست به جنگ بزند هدی جنگ روانی در این مرحله افوا و تحریک اوبه قبل و تن دادن به جنگ میباشد . اگر ضد شورگر زمایاتی را که در دوره " تمرکز " وحله " غافلگیری " بدست آورده است از دست بدهد و سپس تظاهر نماید که میخواهد در سطح باقی بماند و برای جلب حمایت و پشتیبانی مردم محل ، کار نماید شورگر شکن است نگران شکست احتمالی خود و قطع رابطه با مردم در این مرحله و در نتیجه در مراحل بعدی شده و ممکن است در نتیجه افوا و تحریک شده و در جنگ شرکت نماید .

مرحله دوم :

توسعه و تکمیل نیروهای غیر متحرک ( ثابت یا مستقر ) : از بین

بردن کامل چریکها تنها با عمل نظامی میسر نیست . تازمانیکه با تاهای چریکها در سطح ملتی بمانند و سلطه های خرابی در میان مردم فعال باشند نفرات جدیدی مجدداً بسج شده و واحدهای چریکی جدیدی را تشکیل داده و عطیات را از نو شروع خواهند کرد . از بین بردن کامل آنها فقط وقتی امکان پذیر است که توده مردم با ضد شورگر همکاری نمایند . اما جلب همکاری توده مردم طی مراحل بعدی جریان عطیات اگر همه چیز طبق نقشه و حساب پیش برود ، امکان پذیر خواهد بود . لذا باید نیروهای ضد شورگر هر چه زودتر توجه خود را از چریکها بر مردم ملتی مطلق سازد البته این بدان معنی نیست که عطیات نظامی متوقف شده بلکه بزرگی واحدهای ثابت به تحقیر چریک ها ادامه خواهند داد . غنچه بیشتر از طریق عطیات کوچک نظیر کمین و غیره . و باین شرط که این عطیات هرگز آنها را از انجام وظیفه اصلی که کسب حمایت و جلب حمایت توده مردم است باز نماند . نیروهای متحرک در منطقه مواظب خواهند بود که نیروهای چریکی مجدداً با قدرت بیشتری دست به عطیات ( حملات تهاجمی ) نزنند و اگر زودتر ، دفاع برهمه نیروهای متحرک است .

نظیر از تشکیل واحدهای غیر متحرک ایجاد یک شبکه نظامی در منطقه میباشد تا بتوانند مردم و کارهای سیاسی ضد شورگر را محافظت نمایند و در مواقع لزوم درجاها نیک ضد شورگر کار نمایند از کالی ندارد در دست های غیر نظامی انجام وظیفه نمایند . منطقه به قسمت و قسمتها به خود به بخشهای کوچکتری تقسیم شده است . هریک از این قسمتها واحد ثابت خود را خواهد داشت . قسمتها جزئی باید تا پایان ترین مراحل تا آنجا

که رهبر واحد در تماس دائم و مستقیم با مردم باشد پیش برود. در این سطح است که محضرتین واحدهای ضد شورشی قرار دارند. در چنین سطحی است که اکثر مشکلات بریز میگذرد و این جاست که سرنوشته جنگ تعیین میگردد.

اندازه این واحدها در مورد متفاوت است و نسبت به وضعیت بخصوص خود فرق میکند. در تشکیل واحدهای غیر متحرک نکات خاصی را باید مورد توجه دقیق قرار داد. باید تمام سطح ها و حدود و مسائلی نظامی و اداری با هم تطبیق داده شوند و پس آنکه این عمل از نظر نظامی خالص چرند و بی معنی بنظر برسد. تصور را اجرای این اصل نتیجه اش گچی و گنگی در اردوگاه ضد شورشی نخواهد بود. و شورشیگران استفاده خواهد کرد. در مرحله اول مرکز منطقه باید دارای شبکه قوی نباشد، تا در اطراف که هنوز قسمت اعظم نیروها سرگرم عملیات نظامی خالص میباشند واحدها باید در جاتی سکونتگزینند که بانوده مردم صلا زندگی کرده و در آنجا متحرک هستند. بر اساس ظاهر نظامی در جنگ های در هر منطقه نقاطی وجود دارند که دارای اهمیت استراتژیک هستند. در جنگ های انقلابی يك واحد ضد شورشی میتواند ماهها در چنین نقاطی متحرک باشد بدون آنکه کفرین ککن به شکست شورشی نماید. در جنگهای ضد شورشی این مناطق دارای همان اندازه ارزش نیستند و نباید وقت و انرژی را برای آنها تلف کرد. البته این بدان معنی نیست که بهای و مراکز خطوط ارتباطی و سایر تاسیسات نباید محافظت شوند. در صورتیکه بزرگ جمعیت آن حد باشد که نتوان برای هر گروهی از جمعیت يك واحد نظامی را ماهها در دسترس ساخت، ضد شورشی با مسئله تجدید اسکان مردم رهبر خواهد شد. نظیر آنچه در مالایا، کمپون و الجزایر انجام شده اکنون در وقت نام درست اجراء است. چنین اقدامات افراطی بسیار پیچیده و خطرناک هستند. پیوسته از این جهت هستند که مردم را باید کوچ داد. مسکن داد.

تسهیلات لازم را برای تامین زندگی بطور مستقل خواه بسبب قهیم و ایجاد بد فراهم ساخت. خطرناک است چون هیچ کس دوست ندارد از خانه و گاشانه اش ریشه کن شود. اجرای عملیات مسکن است باعث تحریک و مخالفت توده مردم بشود و در يك شرایط بحرانی ایجاد درد سر جدیدی بنماید تجدید اسکان و نقل و انتقال اگر بهر اندازه صحیح انجام گردد مزایای اقتصادی و سیاسی زیادی برای مردم خواهد داشت. اما این مزایا معمولاً نمیتوانند بزودی

ظاهر شوند و اثر خود را نشان دهند. تجدید اسکان در اصل يك عمل تدافعی است در نتیجه ضد شورشی در مشاهده اقل آزادی فراوانی در مناطق روستائی خواهد داشت. اما از طرف دیگر این عمل دارای معایبی است؛ انتقال مردم از " منطقه چریکی " به منطقه جدید با هدفهای نهائی. استفاده فعالانه از مردم بعنوان ضایع خبر و اطلاعات و وسیع گاردهای طی علیه چریکها مفایرت دارد.

در الجزایر فرانسویها برای تکمیل بازده بستن میزهای تونس و مراکش بوسیله شبکه های سم خار در ابرامیان برق قوی نظام ساکنین اطراف میز را به خاطر جدیدی منتقل نمودند و يك " میزین " بدون انسان " در دسترس میز وجود آوردند. در ۱۹۵۹ وقتی وضعیت ناخوش و نازیدی بهبود پیدا کرده بود فرانسویها ساکنین میز را مجدداً به مراکز قبلی خود منتقل نمودند. این بار مجاهدین این ساکنین میز را بزودی داخل میز تونس منتقل نمودند. چه آنها مرتباً اخبار رفت و آمد های میز فرانسویها اطلاع میدادند.

نباید فراموش کرد که تجدید اسکان آخرین تیر تیر ضد شورشی است. فقط وقتی باید بدان دست زد که چشم انداز عمومی جنگ صحیح ریزنه امیدی را برای استقرار نیروهای ضد شورشی و اجرای عملیات نشان نمیدهد. در آن صورت ابتدا باید تجدید اسکان در يك منطقه محدودی آزمایش شده و با مشکلات آن آشنا شد، تجربه آموخت و راههای حل مناسبی برای مقابله با مشکلات تعبیه نمود. عمل باید با اندرگات بسیار وسیع و شدید روانی و لوژستیک پیشهنگام کرد. حجم و اندازه تجدید اسکان باید با محدوده اکثر امکانات نیروهای محلی ضد شورشی هم آهنگ باشد. در يك منطقه ای که يك گردان، گروهانهای خود را بتوانند براحتی پخش نماید، چهار منطقه سکونی هر يك با مسافت لازم برای سکونت ۲۰۰۰ نفر مراتب بهتر است از يك منطقه سکونی با مسکه ۸۰۰ نفر.

مناطق را که جمعیت بسیار زیاد است و محلت وضع زمین و وصل با آنجا بسیار شگال است مسکن است بمناطق منزه تبدیل نمود. کسانی را که از این مناطق عبور میکنند در میز منطقه دستگیر و با راجوع مشاهده با تیراندازی از هوا بمیان از زمین بقتل رسانند. در هر سطحی فرمانده منطقه باید يك واحد نیروهای متحرک بعنوان ذخیره داشته باشد. هر واحد های غیر متحرک ( ثابت ) بیشتر را کرده باشند به واحد متحرک ذخیره بیشتر احتیاج خواهد بود. اما در چنین متحرک ای نمیتوان واحد میز را مصرف اینکس ذخیره است بیگانه نگه داشت. آنها نمیتوانند باید در عملیات غیر

نظامی شرکت کند. بهیارت دیگر این واحدهای ضحک ذخیره نیروی ثابتی است که فرمانده محلی بایک اختیارات کوچک و در نرف چند سکت میتواند آنها را بصورت آماده نموده و حرکت دهد. در بخش و توزیع نیروها از ویسی ندارد که از یک طرح معینی تبعیت شوند. مثلا در هر دهه یا قصبه یک دسته گروهان مستقر ساخته. بلکه باید فرمانده منطقه خود نسبت به شرایط و اوضاع و احوال تصمیم بگیرد و هر قدر کار ضد شور شرک توسعه و تکامل یابد، باید وضیت در منطقه زیاد تر میگرد و واحدهای غیر ضحک باید بیشتر بخش گردند تا وقتی که فقط تعداد کم و محدودی از نفرات به عنوان هسته پشتیبان واحدهای دفاع از خود در محل باقی خواهند ماند. باید از ساختن بناهای سنگین و کران قیمت خودداری کرد. هم بنا به علت نکرندگی در بالا و هم به جهت مخارج سنگینی که ایجاد میکند و همسرتراز همه از جهت روانی. سر از نظیر هوانسانی دارای این خصوصیات میباشد که وقتی وابسته به خانه و سر باز خانه شد نسبت به حرکت و انتقال از زندگی مستقر ساز خانه و قبول زندگی ناراحت محیط خارج از سر باز خانه بی محل بوده و با گراه حرکت میکند. علاوه بر این وقتی سر بازان در سر باز خانه زندگی میکنند در نظر نموده مردم همیشه خارجی غریبه و غیر محلی هستند. اگر هیچ گونه ساختنهایی جز جدا افل آنچه برای مراکز اداری ضروری است ساخته نشود نیروهای ضد شور شرک مجبورند نظیر نموده مردم در کلبه ها و خانه های محقر موجود در محل زندگی کنند و این خود به نزدیک شدن نیروها به مردم و احساس مشترک کمک خواهد کرد. اصل آزمایشی بودن هر منطقه ای همیشه قابل اجراء است. تا زمانیکه واحدهای اساسی تجربه کافی بدست نیآورده اند بهترین است که بلا فاصله در تمام منطقه خود بخش ویرا کنده نشوند. و لوانکه انجام آن خالی از خطر باشد بلکه باید ابتدا اگر از یک ده شروع کرد، تجربه آموخت و سر بازان را تعلیم داد. وقتی آنها به هات دیگر میروند خواهند دانست که چکار باید بکنند و چکارها را نباید انجام دهند. در طول این مرحله نکات زیر میتوان در جنگ روانی و اطلاعات در نظر گرفت.

#### تعلیمات برای نیروهای ضد شور شرک:

بنا توجه باینکه بتدریج فعالیت نظامی بسیاری انواع فعالیتها تبدیل خواهد یافت نهایت درجه اهمیت را دارد که ظل این تغییرات به نیروها گفته شود و وظائف آینده آنها بطور کلی تشریح گردد. این برنامه توضیح دادن اگر چه در یک جهت آزاد صورت میگیرد

امان باید نمیتوان از آن برای ملاحظه اجرائی استفاده کرد. بر حسب عکس العمل شرکت کنندگان فرمانده میتواند وظائف هر کس را تعیین کند. آنها نیز که برای کار نزدیک و مداوم با نموده مردم ضاسب بنظر می رسند و یا آنها که بکار نظیسی مده نشانداده اند شناخته و به پرسنل کار ضاسب را واگذار نماید.

#### تعلیمات برای مردم:

بخش ویرا کندهگی نیروها موضع گیری واحدهای ثابت و غیر ضحک نشانده فعالیت طولانی برای تکان دادن مردم و تغییر آنها از حالت به طر فی، اگر در حالت دشمنی نشانند میباشد. موضع گیری واحدها خود حکایت از آن میباشد که آنها در این ضاملی باقی خواهند ماند. آنها با این ضاملی نیامده بودند که بعد از اجرای یک سری عملیات کوتاه و ضربه زدن بدشمن مجددا بر اثر خود برگردند. توضیح این امر و قبولاندن آن بر مردم هدف تعلیمات برای مردم میباشد. یکی از طرق موثر اجرای آن انتشار شایعات ساده و کک مردم برای آنکه خودشان از غلال شایعات مطالب را درک نمایند. مثلا مذاکره برای عقد صلح در دریا سه ساله برای اجاره ساختن بازمن بایک یا چند نفر از ضاملی هلسلطان این مذاکرات ایجاد شایعات مناسب خواهد نمود.

#### تعلیمات برای شور شرک:

موضع گیری نیروهای ضد شور شرک در تمام منطقه نمیتواند آتی و باحتی همزمان با هم باشند در طول این مدت نیروهای ضد شور شرک هنوز خیلی متحرک هستند. لذا هنوز بیخ اوست که سیاست ضابطه مرحله اول را در مورد شور شرک تمقیب نماید. کوشش کند تا چریکها از نموده مردم جدا نمایند. آنها بازی را خواهند باخت فشار وارد بر آنها و اینکه با ضطقه را ترک کنند و یا تسلیم شوند. مسکن است در فرماندهان آنها اثر معکوس گشته و آنها را به جنگ وادار سازد.

#### تماس و کنترل مردم

( مرحله سوم )

هدفهای این مرحله عبارتند از -

- ۱ - استقرار مجدد قدرت حاکمه ضد شور شرک در میان مردم
  - ۲ - جدا کردن هر چه بیشتر مردم از چریکها
  - ۳ - جمع آوری هر چه بیشتر اطلاعات برای اجرای مرحله بعدی ( از این برن حوزه های سیاسی شور شرک)
- بعلت شخصیات انتقالی این دوره از تعلیمات نظامی به

## ۲ - کنترل مردم -

کنترل مردم باید که سرشاری دقیق جمعیت شروع میشود هر يك از ساکنین محلی باید مشخصات کامل خود را ثبت کرده و ورقه هویت کامل همراه خود داشته باشند. دفترچه های خانوادگی باید تهیه و بخش گرد و تا کنترل خانه بخانه را تسهیل نماید و بزرگ خانواده را باید مسئول گزارش هر نوع تغییرات در داخل خانواده نمود این اقدام آخری نه تنها باعث میشود که آمار سرشاری همیشه دقیق بوده و آخرین تغییرات را نشان بدهد بلکه تمهید و واگذاری چنین مسئولیتی برعهده رئیس بزرگ هر خانواده عملاً او را در برابر بطور غیر مستقیم شرکت میدهد.

شورشگرالبنه نمیتواند آمار سرشاری را ندیده بگیرد او به خوبی میتواند موارد استعمال آنرا پیش بینی نماید و بطور متأسفانه خواهد کرد که در آن خرابکاری نماید. يك راه خرابکاری آنست که دهقانان را وادار نماید تا کارت مشخصات خود را از زمین بپوشانند. اما از آنجا که در شرایط انقلابی بدون کارت مشخصات بودن در سرزبان و ایجاد میکند این تاکنیک در میان مردم غرضگرا بسیار خواهد نمود که شورشگر مجبور خواهد شد که از آن صرف نظر نماید. او سخن است از راه دیگری وارد شود با استفاده از این اطلاعات ماهورین ضد شورشگر و همبستگی مردم با سکوت آنها کارهای خود را وادار کند تا ثبت نام کرده کارت دریافت نمایند برای مقابله با چنین تاکنیک زیرا که موجودیاته ای ضد شورشگر میتواند از هر يك از اشخاص سالن و قادر بر کارگه شامل مقررات سرشاری میگردد و بخواهد که در نظریات معتبر خارج از خانواده اوصحت ضد رجعات پرستشنامه هارا کاملاً قبل از صدور کارت مشخصات و هویت تحقیق و تائید نماید. این اقدامات بنوعی خود باعث خواهد شد که مردم را بیشتر نظریه شورشگر تحریک کند.

يك آمار سرشاری که دقیقاً عمل شده و متناسب مورد بهره برداری قرار گیرد خود يك منبع خوبی برای اطلاعات میباشد مثلاً بعنوان نمونه این آمار نشان خواهد داد که چه کسی با چه کسی قابل است. این خبر در جنگ ضد شورشگری اطلاع بسیار مهمی است چونکه در سطح فعالیتهای های دهقانی توسعه فعالیتهای شورشگر بر پایه هیئتگی خانوادگی قرار دارد. و نظرات جدیداً اول از میان اعضاء خانواده عضوگیری میشوند. یا آنکه از روی این آمار میتوان فهمید که چه کسی در خارج دهک کار میکند و دلایل خوبی برای مسافرتهای دائم خود دارد یا آنکه منبع درآمد هر کس در دهک آنگاه چه مقدار است. این خود مشخص میکند

صاف سیاسی و اینکه در این مرحله هر دو نوع عملیات بحثی با هم توأم شده اند این مرحله بحرانیترین قسمت از یک جریان میباشد. در این مرحله است که توجه و کوششها و تلاشها به سطح اصلی آن، آنجا که جنگ و تیرد اصلی در جریان است منتقل میگردد.

۱ - تماس با مردم - این تماس در واقع اولین برخورد و برود شدن میان دروازه گاه برای کسب حمایت مردم میباشد. تا قبل از آنکه مردم و شاید نتیجه نهایی جنگ در خطر است. ضد شورشگر نمیتواند شکست این نبرد را در این مرحله تحمل نماید. مردم تا همین اواخر در تحت کنترل طغی شورشگر بوده اند و احتمالاً هنوز هم در تحت کنترل مخفی و سری شبکه های سازمان سیاسی شورشگر قرار دارند و نمیتوانند باشد شورشگر همکاری نمایند حتی اگر تمام شواهد و دلایل حاکی از آن باشد که مردم از شورشگر طرفداری نخواهند نمود. يك فاصله و دیواری میان مردم ضد شورشگر وجود دارد باید این دیوار در هم شکسته و فرو ریخته شود. برای درهم ریختن و از بین بردن این فاصله میتوان باید از زیر استفاده کرد.

آنچه را که ضد شورشگر از مردم میخواهد که انجام دهند باید بسیار زود از آنها خواست و آنها را وادار کرد اما مصلحتاً با مردم هرگز نباید نظیر دشمن رفتار نمود. باید برای اجرای يك سری از وظائف دسته جمعی و مفردی که بازه مزدی آنها داده خواهد شد از توده مردم ابتدا درخواست و سپس آنها فریمان داد. با افعال زود وادار کردن مردم با انجام کاری ضد شورشگر بمانه خوبی بدست مردم میدهد تا با او همکاری نمایند. بدترین اشتباه وقتی است که فرمان صادر شود اما برای اجرای آن باندازه کافی نتوان افعال زود نمود.

در صدور فرمانها ضد شورشگر باید خیلی مواظب باشد تنها وقتی صادر نماید که مطمئن باشد مردم میتوانند انسان وار خودشان آنها را انجام دهند. با القای برنامه هائیکه نتایج آنها مستقیماً با خود مردم میشود نظیر تمیز کردن ده و اصلاح و ترمیم خیابانها ضد شورشگر ساکنین محلی را بتدریج حتی بشکلی مخفی وادار میکند تا در برنامه های ضد شورشگر شرکت کنند در مراحل بعدی میتوان از آنها در کارهای نظیر ساختن راههای نظامی، کلهکهای ساختمانی و تاسیسات نظامی دهکده، حمل و تدارکات، همکاری و همکاری بصورت راهنمائی های محلی بانگهبانی استفاده نمود.

که چه کسانی میتوانند و قادرند مخارج فعالیت‌های اضافی را تحمل کنند و چه کسانی نمیتوانند بنابراین آمار سرشماری باید بسیار خوب طرح ریزی شده باشد. دو سیستم تائید اجرا گردد و نتایج آن در نواحی مختلف با هم فریب نداشته باشند. هدف کنترل، این است که ارتباط و تماس میان مردم و پویشکار با مطلع کرده و با بطور محسوس تقلیل داده. این امر امتیاز بانظارت حرکات مردم تا همین نمود. بعد از آنکه کارهای خدمت‌رسانی مردم محلی آشنا شدند و ساکنین محلی راز و نزدیک شناختند آنوقت رفتارها و کردارهای غیرمادی را میتوان باسانی تشخیص داد. جریان آشنا شدن با مردم را ممکن است با تقسیم دهات اشغال شده بقتلهای مختلف و ایجاد هیئت‌های هر قصبه بگروهی از سرایان که همیشه در آن قسمت کار خواهند کرد تسریع نمودیم. چنین با برقراری منویع و محدودیت عبور و مرور و اجرای دو قانون ساده حرکات مردم را کنترل نمود:

اول همیشه نمیتواند دهکده را برای مدت بیش از ۲۴ ساعت ترک مگر با داشتن اجازه نامه. دوم: هیچکس حق ندارد کسی را خارج از دهکده ببرد مگر با اطلاع و اجازه قبلی.

البته هدف جلوگیری از حرکات مردم نیست مگر ضرورت ایجاد ناپه بلکه هدف کنترل این حرکات می باشد با ایجاد چنین اشکالاتی خدمت‌رسانی خوبی جهت مردم در مردم همکاری و کمک بشورنگر بدست آنها میدهد. اگر چنانچه نتوان این مقررات را شدیداً و منظم اجرا نمود فایده ایش خواهد بود. از آنجا که این مقررات همیشه با مخالفت و قانون شکنی افراد روبرو خواهد شد باید یک سیستم مختصر و سریعی برای جریمه کردن و مجازات ترتیب داده شود و مردم از آن مطلع گردند مسئله مجازات کردن نتایج این مقررات بآن اندازه مهم است که ایش دارد در مقامات بالاتر مورد بحث قرار گیرد و نمیتوان آنرا با بتکرات و رهبران محلی واگذار کرد.

مسئله بسیار جدی است، مجازات ممکن است با بسیار سخت و با خطی آسان و در هر حال ایجاد هرج و مرج نماید. تعدد در چرکهای که در آخر مرحله اول در منطقه انتظامی باقی میمانند بسیار کم و اکثر بارکنده هستند. آنها برای زنده ماندن خود احتیاج بتدارکات کمی دارند برای قطع منابع این تدارکات باید کوشش زیادی بکار برد و اکثر بارکنده بسیار ناچیز است. اگر کنترل کالاها ضروری بنظر برسد باید آن مواد را محدود کرد که برای چرکها بسیار خردند و ضایعاتی هستند نظیر غذاهای گسرونده را در پویشگری کفشن و نظائر آنها. اگر چنانچه چرکها در یک منطقه جغرافیایی در آرزو جمعیت محدود و محصور شده باشند کنترل مواد

خفای بسیار ضروری از آن تمام خواهند شد نظیر مالایاک چرکها در داخل جنگل محصور بودند و خدمت‌رسانی مردم اطراف جنگل را بمناطق دیگر کوچ داده بود.

### ۳ - حفاظت مردم -

خدمت‌رسانی با تحمل اراده خود بر مردم با آنها بیامانه میدهد که در برابر شورنگر خود را تبرک نمایند. عکس قضیه نیز درست است شورنگر با تهدید مردم عدوی بیامانه و دلیل خوبی بدست مردم میدهد که از همکاری با خدمت‌رسانی امتناع کرده و درخواستهای او را بلا جواب بگذارند. اگر توده مردم طبع شورنگر حفاظت نشوند احساس نکند که امنیت ایشان تا همین شده است خدمت‌رسانی نمیتواند چنان موفقیتی بد آورد. بنابراین خدمت‌رسانی احتیاج دارد که فعالیت نظامی خود را در دهها سده‌ای (پاکر) و طبقات کوچک در روز و یکبار کردن در شب را چند برابر نماید. بالاتر از همه آنها باید باین وضعیت که هر کجا بود روز حاکم است شورنگر در شب حکومت میکند "خانه دهد. برای عکس العمل سریع طبع هر نوع حرکتی از جانب شورنگر باید برنامه‌ای تنظیم و ترتیب داد این برنامه باید طوری باشد که نیروهای خدمت‌رسانی در هر لحظه ای که حرکت را مشاهده کردند بتوانند حرکت نمایند.

### ۴ - جمع آوری اطلاعات ( جاسوسی ) :

هر موقع که سازمانی برای جمع آوری اطلاعات تشکیل شد اطلاعات خود بخود سرزیر خواهند شد خواه بصورت مراجعه مطلقین بسازمان و بصورت آنکه سازمان برود بسراغ مطلقین و منابع خبر. مسئله اینست که چگونه تلحه اولیه را بگیراند اخت و جریان را تسریع نمود. در این مرحله خیلی مشکل است اطلاعات بخودی خود سرزیر شوند چه مردم با هنوز از شورنگر وحشت دارند و نباید شورنگر اعتماد دارند برای رفع چنین مانعی میتوان وسائل مختلفی تعبیه کرد بطوریکه منابع خبری مطلقین بتوانند اخبار خود را بدون آنکه از خودشان اثری باقی بگذارند بعد شورنگر برسانند از همه محتراین که نه تنها ما مومنین اطلاعات بلکه تمام کارهای خدمت‌رسانی باید در جمع آوری اطلاعات شرکت کنند.

برای جستجو منابع خبری اگر چنانچه خدمت‌رسانیهای خود را مردم آن کسانی که در مراحل دارای موقعیتهای خاصی هستند و از اخبار زیادی مطلع میگردد مشترک سازد نتایج بهتری به دست خواهد آورد و کسانی که با پویشی شورنگر پیش از آنجه باید آنها بنود زبان خواهند دید. برنامه شورنگر حیوانات شخصی میکند این افراد با لغز چه کسانی باید باشند با گسر چنانچه هنوز جریان وصل اخبار بطبیعی و کد است ممکن است زود با بکار انداخت. حتی در یک دهکده بسیار بی بدی هم هیچ کس

نیستند برای مدت طولانی عدم همکاری مقامات اداری را تحمل نماید، شرایط جنگ انقلابی عقربان زندگی ریزانه را که باید بدان کردن نهادن زیاد تمیز است. شرایط اداری میتواند اسلحه قوی در دست ضد شورشگر باشد. شروط بر آنکه آنها را بلا بحث و احتیاط بکار برد و هرگز آنرا طبعه پاک گروهی بطور دسته جمعی افعال نکرد بلکه فقط علیه افسران معدودی بکار انداخت. یکی دیگر از طرق کسب خبر توأم با سایر موارد انتشار گرفتن با مردم در تحت اسم و نهاده شورشگران بطور بلا بی میانشینان ترتیب هم میتوان اطلاعات جمع آوری کرد هم میان مردم و در هر یک پای واقعی تمام سوطن هدیه بیتی کاشت.

### ۵ - آغاز پیروی جلب حمایت مردم

اجرای اصلاحات سیاسی در این مرحله اگر توسط حکومت تهیه و اعلام شده باشند غیر موقع و نهخته خواهد بود. بهترین موقع مناسب وقتی است که حوزه هاوشبکه های سیاسی شورشگر کاملاً متلاسی شده و رهبران محلی مردم ظاهر شده باشند. در زمینه سیاسی وظیفه رهبر ضد شورشگر در محلی اینست که با مطالعه احتیاجات مردم نوع اصلاحات ضروری را تشخیص داده و آنها را به مقامات بالاتر گزارش دهد. همانکه اصلاحات اعلام شده را بررسی کند که آیا مطابق با تقاضای و آرزوهای مردم هست یا خیر؟ به عبارت دیگر ضد شورشگر میتواند بلا فاصله آن دسته از طرلهای عمومی بزرگی (اصطلاحی) اجتماعی و فرهنگی را که نتایج آن کاملاً به همکاری فعال مردم بستگی ندارند شروع نماید و اگر این برنامه ها واقعاً مفید بحال مردم باشند میتوان حتی آنها را بزرگوار کرد. بزودی وقتی نتایج آنها آشکار گردد مردم زیر فشار وارده را فراموش خواهند نمود.

ضد شورشگر هم چنین باید او هرگونه امکاناتی استفاده کرده مردم را در استفاده از منابع انسانی و سایر مسائل کمک نماید و در حال باید از نظرها و خود فروشی خودداری کرد چون افعال او از خوب با بد همیشه از طریق شایعات عمومی مورد تفسیر و تفریق گویی قرار خواهد گرفت.

در طی مرحله سوم در زمینه اطلاعات و جنگ روانی، مسائل و وظایف بسیار متعددی وجود دارند.

### تولیمات برای نیروهای ضد شورشگر

وقتی نیروهای ضد شورشگر در میان مردم پراکنده شوند و آنها را زندگی کند دیگر احتیاجی نیست که آنها گفته شود که جلب حمایت و همکاری مردم چه ضرورت دارد. آنها خودشان با زندگی در

میان مردم بطور فیزی می توانند تشخیص بدهند که سر نوشت آنها چقدر بر روابط خوب یا بد آنها با مردم بستگی دارد. عملاً آنها میبایست با مردم روابط حسنه ای داشته باشند. تنها مسئله اینست که ماورین ضد شورشگر چگونه میتواند در همین حال که وظایف خود را انجام میدهند روابط خود را با مردم حسنه نگه دارند؟ وظایف آنها با آنها دوست باشند؟ مسئله دیگر اینست که چگونه میتوان هر یک از ماورین ضد شورشگر را در نظر از شغل و مقام و درجه اش. او را به یک ماورین خبر گیری و خبر دهی تبدیل ساخت؟ در مراحل قبلی الحاح شد به از او از سروریت غیر قابل اجتناب بود اما در این مرحله ابتکار و خود جوشی امری ضروری میگردد. کوششهای هر یک از لفظاً باید در همان مسیر واحد هدایت شوند. انحرافات و اشتباهات بیخبرانه باید بعد از تعقیب یا بند در اینجا فرامانده محلی باید وظایف هر یک از افراد را بطور اختصاصی تعیین کند و با صبر و حوصله مقاصد و نظیر از آنها را برایشان تشریح نماید و سپس برای انجام وظایفشان راههای کلی پیشنهاد کند و در مشکلاتی که احتمالاً بروز خواهند کرد با آنها تشریح صمیمی نموده راه حلهای مناسبی را پیشنهاد نماید.

پس از اختتامه هر یک از تعلیمات فرماده باید با شرکت نفرات خود جلسه ای تشکیل دهد. با اظهار نظر ها و تفسیرهای آنها را گوش کند از میان آنها نکات آموزنده را استخراج نماید و تجارب حاصله را با سایر گروهها منتقل سازد.

### تولیمات برای مردم

در طی این مرحله سه هدف اساسی را در مورد مردم باید در نظر داشت.

- ۱ - درک و تفاهم وحدان موافقت مردم را نسبت باصلی که ضد شورشگر انجام میدهد و در وضع مردم اثر میدهد. از جمله جذب نماید نظیر سرشماری، کنترل حرکات، تحمیل وظایف و غیره...
- ۲ - شالوده ریزی برای قطع نهائی روابط مردم با شورشگر
- ۳ - آماده کردن عناصر طرفداری را با بطرف

نکته اول هیچگونه ضللی وجود نخواهد آورد. باید برای مردم توضیح داد و تشریح کرد که چرا و چرا؟ مشکلات در دنیای بعدی هستند.

متأسفانه از میان تمام ابزار جنگ، تولیمات از همه ظریفترین کار بودن آن با احتیاط و درک واقعیت و داشتن برنامه های خیلی دقیق و حساب شده احتیاج دارد. تولیمات، نظیر توریسم دارای عکس العملهای ضعیف در میان مردم میباشد. محذرات آن اگر هدف تولیمات، مردم غیر شهری و مستوی آن مربوط بمسائل

محلی است میتوان آنرا از طریق ناسهای مستقیم فردی یا با گروههای مورد نظر اجرا کرد .

۳. به تنظیم و آماده ساختن چنین نوع از تبلیغات برای مردم ضابطه توسط مقامات عالیترتبه بسیارشکل است اما از طرف دیگر وظایف فرمانده محلی بسیار سنگین میباشد و چگونه میتواند وظایف خود را بدون کمک مقامات بالا انجام دهد. سازمانهای مرکزی ضد شورسگر باید با اعزام مأمورین متخصص و مجرب در مسائل تبلیغاتی و اداری اورا کمک نمایند؛ موصلا خطوط کلی تبلیغات تاکتیکی همیشه توسط مقامات یک یا دو مرحله بالاتر در مرکزی که مقامات مسئول هرروز در تماس با اوضاع و احوال محلی هستند تهیه شده و در دسترس فرمانده محلی قرار میگیرد. در واقع احتیاج باید با اعزام مأمورین متخصص در جنگهای روانی اورا کمک نمود .

### تلیغات برای شورسگر

در میان چریکها نظیر هر گروهی از انسانها میتوان همه نوع احساسات را مشاهده کرد و وابستگی و علاقه و ایمان آنها نسبت به انگیزه شورش یکسان و یکسو است و یکدگره نمیبندد. رفتار یکدیگر با هم آنها صلاصحت و وحدت و هم بستگی بیشتر آنها خواهد شد. از این مرحله به بعد هرکس سیاست تبلیغاتی ضد شورسگر باید بر اساس ایجاد شکاف و اختلاف درجهبه شورسگر باشد. اجرای این امر از حد و وظیفه فرمانده محلی خارج است چه او فقط یک وسیله ارتباطی با چریکها در آن مردم هستند. و چریکهای پراکنده و محول در یک ضلعه بزرگتر از حد و مسئولیت او در حرکتند و آنها نمیتوانند موقع تنظیم برنامه ای که باید از طرف مقامات بالاتر هدایت و رهبری شود شرکت کرده و نظردهنده آنکه خود اورا آنها را اجرا نماید .

### مرحله چهارم؛ تلاش ساختن سلولان سیاسی شورسگر

ضرورت این برودن سازمان سیاسی شورسگر واضح است. اما سؤال این است که چگونه آنرا بسورت بطور موثر و با حداقل اشتباه انجام داد. بطور خلاصه این عمل وظیفه پلیس است نه طبع مجرمین عادی. بلکه طبع کسانی که انگیزه آنها ولو آنکه ضد شورسگر آنرا قبول ندارند؛ ممکن است کاملا شرافتندانه باشد. علاوه بر این، اینها مستقیما خودشان در مسائل تهریستی و چریکی شرکت ندارند و اصطلاح

از نظریه دستشان بخون آلوده و آشفته نیست؛ از آنجا که این اشخاص محلی هستند و دارای وابستگیهای خانوادگی و دوستانه با مردم محلی میباشد و توقیف آنها توسط "ضابطه" خارجی "ضرب" محلی انجام میگردد یک احساس همدردی و همبستگی و طرفداری خود بخودی نسبت به آنها در بین مردم وجود دارد. در تحت هر شرایطی عمل پلیس نمیتواند مانع بروز مسائل و موضوعات ناسامی برای مردم و نیروهای پلیس بشود. لذا از این برودن عوامل سیاسی شورسگر باید خیلی بسورت صفا قاطعیت انجام گیرد. اما چگونه میتوان ضمانت کرد که اشتباه رخ نخواهد داد و اشخاص بیگناه اشتباهات توقیف نخواهند شد؟ یکی از حیل های شورسگر همین است که ضد شورسگر را گمراه کرده باعث شود که اشخاص بیگناه و بیطرف و بیاحتیاج آنها که مخالف شورسگر هستند اشتباهات توقیف شوند نباید اجازه داد که مأمورین حرفه ای این بار اشتباهات با جزوئی کنند تمام عملیات باید فقط توسط مأمورین متخصص انجام شود که در تحت هیچ شرایطی در برنامه های جلب حمایت مردم شرکت نداشته باشند. اگر میتوان پلیس فعلی اعتماد کرد باید نیروی پلیس مخصوصی برای اینکار وجود آورد. در حالیکه تمام مأمورین و کارکنان ضد شورسگر در جمع آوری اطلاعات شرکت میکنند فقط پلیس باید بکار عوامل ظنون رسیدگی نماید. تمام عملیات باید تحت نظر فرمانده محلی اجرا شود. اما باید در تمام طول عملیات مرتبا با پلیس در تماس دائم باشد. چه موقع تصفیه باید شروع شود؟ بسته به تصمیم فرمانده است که باید در وظایف او در نظر گرفت :

۱ - آیا اطلاعات کافی برای انجام موفقیت آمیز تصفیه در دسترس هست یا خیر؟

۲ - آیا تصفیه را میتوان تا آخر بطور کامل ادامه داد یا خیر. رضایحی و رضایحی از این نقطه نظرا تا توجه به سازمان سیاسی شورسگر در حدود زیر است : رهبرها فرمانده کی و اعضا برجسته شکی آنها را به انگیزه و امید و شورسگر وابسته شده اند که نمیتوان انتظار داشت آنها در موقع بازداشت و بازجویی آزادانه صحبت بکنند یا افکار خود تفسیری بدهند. اعضا ساده نیز چه دسته جمعی و هائیک تک با جزوئی شوند خواه بملت ترس و یا سایر عوامل لب به سخن نخواهند گفود. معدلهک هر یک از مردم بوسی میدانند که چه کسانی عضو شکی سیاسی هستند و این نشان میدهد که برخورد غیر مستقیم نتیجه بخشتر از برخورد مستقیم است. چگونگی عمل میتوانه بر اینهاست :

۱ - در يك موقع معين گروه بزرگي از عناصر مظلوم را بازداشت بايد كرد . البته اين عمل توأم با يك ريسك است . اعضاء شيك باحركت اول وقت از توقيف هاى دسته جمعى هشيارتر شده و پنهان خواهند شد . اما بهر حال خيلى مهم نيست چه آنها چكار ميتوانند بكنند ؟ اگر ناپايه بقايى چريكها مطبق شوند عملا محدوديت بهتريى براى خود بوجود آورده اند بدون آنكه به ضد بودن خود چيزى بطور محسوس اضافه كند اضافه شدن چند چريك تغيير زيادى در وضعیت عمومى نميدهد در حاليكه از اين رفته يك سلول سياسى در محل يك تخمير سياسى در آنجا ايجاد خواهد كرد . اگر آنها مناطق ديگرى برون در آنجا غير محلى بوده و وابستگان بعنوان عامل سياسى بلكه از زيادى تقابل پيدا ميكنند اضافه براييك آنها در مناطق جديد بزرگى شخص شده و بازداشت خواهند كرد بدينجهان ترنمى كه بديون راندن چريكها در مرحله اول رضايتمنشى بوده همچنان اندازه نيز بديون راندن عوامل سياسى قابل قبول و موثر خواهد بود .

براي اقتضائات تصفيه احتياجى نيست كه صبر كرد تا تمام عوامل شيك را كاملا شناخت . چون اينكار طول ميكد و سر نوشت مسائل زيادى را پيچيده تر پيچيده ميكد . بلكه در اولين فرصت كه اطلاعات كافى نصبت بعهده اى عناصر مشكوك دهكده جمع آوري شد بايد عمليات را آغاز كرد . اگر چنانچه دهكده تصفيه شده را نيمرواى ضد شورشگروا و با يافتن فاصله پس از تصفيه اشغال نكنند عمليات تصفيه بيفايده خواهد بود چونكه بقايى چريكها با فاصله مرد ميراك فاه حفاظت هستند نه بد كرده و شيكه هاى جديدى تشكيل خواهند داد . اگر چنانچه ضد شورشگروا ميتواند براى اشغال دهكده واحده<sup>ك</sup> و الزام نمايد بهتر است عمل تصفيه را آغاز نكند و آنرا بوقت ديگرى موكل سازد .

اعضاء بازداشت شده بايد مطابق قانون مجازات شوند اما در مراحل در جنگ انقلابى هيچ چيز عادى و اخلاقي نيست . اگر ضد شورشگر ميخواهد زود تر جنگ را تمام كند بايد بعضى مظاهر قانونى را كه براى شرايط عاديست بديون برون برون بدهد بگيرد .

اجراى ضد به مقرات قانون دانگها را با موارد بزرگ و كوچك نيز آنها را از مردى كه شايد بتوان همكارى آنها را جلب كرد و همچنين شورشگران خطرناك تر خواهد كرد . بكن از سياستباي مفيد در اين موارد خصوصى و شخصى همگاني است اما نه كه كوران بلكه انتخابى . از عوامل شورشگر آنها كه با خلوص نيت اظهارند است ميكنند ميتوان نيمى آزاد ساخت بدون آنكه خطر داشته باشند . اما آنها را كه پشيمان نباشند بايد

بسخن مجازات كرد . در حال امتحان براى سنجش صداقت آنها بكاربرد  
 ۱ - اعتراف كامل از تمام فعاليتهاى گذشته .  
 ۲ - تمايل و جزم جزم بشركت فعالان در مجازات ضد شورشگرى .  
 بكن ديكر از زمابى خصوصى بخشش اينستكه تصفيه هاى بعدى را تسهيل ميكد . چون عناصر مشكوكي كه بازداشت شده اند وقت ميدانند كه اگر اعتراف كند نيمى آزاد ميشوند بهتر مرد خواهند زد .

ضد شورشگر در اين مرحله از تبليغات خود بايد بگذرد تا اثرات احتمالى ضرر و محسوس اين بازداشتها را بروى مردم به حداقل تقابل دهد . بايد پس برده براى مردم توضيح داد كه چرا اين برون سلولهاى سياسى مهم هستند . بايد بسياسات ضرر گذشت از جرائم آنها كسى كه با اشتباهات خود اعتراف کرده اند و آزاد شده اند تكيه نمود . وقت مردم واقف ميشوند كه افراد نام آزاد شده اند اثر اين تبليغات خطى بهتر خواهد بود .

### مرحله پنجم - انتخابات محلى

آنچه تا بحال انجام شده است نجات مردم از تهديدات مستقيم شورشگر صلح و تهديدات غير مستقيم عوامل سياسى اميده است . اما از اين مرحله برنامه سازندگى ضد شورشگر آغاز ميگردد . از اين پس هدف فعاليتها كسب و جلب حمايت فعالان مردم ميباشد كه بدون آنها شورشگران ميتوان مثلا شى ساخت و از اين برون رويه مردم بعد از تصفيه و وضعت عمومى ضد شورشگر نشان ميدهد . اگر كارهاى قبلى بخوبى اجرا شده باشند دليلى وجود ندارد كه مردم همكارى نكنند . از اين رفته سلولهاى سياسى شورشگر بايد بطور محسوس يك تخمير ضد يى را ايجاد نمايد و چون بهتر وسيله تى را بوجود آورد . مردم با متناع خود از تماس و همكارى با ماحرين ضد شورشگر خانه خواهند داد . او امر شورشگروا بسادگى اطاعت نخواهند كرد و بالاخره قبايله ها و عوامل دوستانه بخود جلب خواهند آمد . اما اگر بويه مردم بعد از تصفيه هنوز تخميرى پيدا نكرده باشد معنائى آن اينستكه:  
 ۱ - تصفيه كامل نبوده است . اين را ممكن است با ملنى اصلاح نمود .  
 ۲ - مردم هنوز بطور كامل به ضد شورشگر اعتقاد ندارند و بطش نيستند كه امير برون خواهد شد . واقعت در بيازود برون تمايل و اكراه مردم فائق خواهد آمد .

۳ - مردم عيانا با طمانناگي ضد شورشگر اعتقاد دارند . اين امر بسيار جدى است وضع ايد فلولوى ضد شورشگر نشان ميدهد . و نشان ميدهد اگر ضد شورشگر خواهد حمايت مردم را جلب كند بايد روى اصلاحات

اساس فشار بیشتر بر مردم . البته این بدان معنا نیست که ضد شورشگر جنگ را خواهد باخت اگر آزادی و قدرت او نتواند با میزان تنفس از او برابری کند او میتواند سرگرد و با هفت طرفه ارض تکیه نماید تا به درج انگیزه صلح و آرامش مسئله اصلی برای مردم بشود . قضیه بهر نحوی باشد مشکل تقاضای زمان دادن و شرکت دادن مردم در مبارزه است . راه عطف آستنگ رهبران محلی را تسطیل و در مقام قدرت قرار داد .

دولت بر خود متضاد را میتوان در نظر گرفت :

۱ - تمسین کسانی که ضلای بعنوان طرفدار شناخته شده اند و تحصیل آنها بر مردم . و این البته آخرین راه حل باید باشد چون که قدرت و نفوذ این اشخاص همیشه متکی به نیروی قدرت ضد شورشگر خواهد بود . آنها همیشه بعنوان آلت دست و نیروی خیمه شب بازی در دست ضد شورشگر خواهند بود . مردم بهیچوجه هیچگاه مسئولیتی در برابر آنها در خود احساس نخواهند کرد .

۲ - طرف بر خود دیگر انتخابات آزاد مطلق برای تمسین حکومت وقت خود مختار اعلام شود و این ترتیب امکان را اجازه داد که رهبران محلی خود بخود از میان مردم ظاهر شوند . در آن صورت آنها خیلی بیشتر مردم وابسته خواهند بود . چونکه آنها محصول رای و اختیار آزاد خود مردم هستند . خطر اینکه بطرفها یا طرفداران ناشناخته شورشگر انتخاب شوند بسیار کم است . چونکه مردم تشخیص میدهند که ضد شورشگر میداند چه کسی طرفدار چه کمیت و باصلاح سرش کلاه نیروی .

مخصوصا اگر ضد شورشگر شایع کند که این اطلاعات را از بازداشتیها بدست آورده است . احتمال بهترین است که مردم (سانسور) که به طرفداری از ضد شورشگر معروف شده اند و یا تا قابل بطرفداری دارند انتخابات کنند . خطر بزرگ اینست که مردم رهبران واقعی را انتخابات نگند بلکه کسانی را انتخابات کنند که برای آرام ساختن ضد شورشگر دارای کفایت و شایستگی فرضی باشند . یک علامت واضح این خطر که مردم انتخابات جوانان در انتخابات محلی است . نتیجه انتخابات هر چه باشد ضد شورشگر باید آتراضیل کند و در همین حال باید اعلام کند که این رهبران جدید موقتاً تا آرامش کامل برقرار گردد در ویران کار خواهند بود .

تفصیلاتی که در این دوره برای مردم میشود باید در آنها تکیه زیر و در نظر گرفت :

- ۱ - اهمیت انتخابات ۲ - آزادی کامل برای رای دهندگان
- ۳ - موثقی بودن حکومت محلی انتخاب زده .
- ۴ - ضرورت رای دادن .

### مرطبه ششم

#### آزمایش رهبران انتخاب شده محلی

نتایج نهائی فعالیتهای ضد شورشگر در جلب مردم بضمیمه بودن و موثر بودن کسانی که انتخابات شده اند بستگی دارد . اگر آنها دارای ارزش و لیاقت کافی نباشند ضد شورشگر بصورت خواهد زد و فقط روی نیروی خودش حساب کند و این یک خطر جدی دارد که ضد شورشگر بعنوان یک نیروی غیر محلی و خارجی باقی خواهد ماند و قادر نخواهد بود که قدرت خود را در منطقه بطور محسوس تنظیم داده و اثرات در جاهای دیگری که لازم دارند بکاراندازد .

بنابراین اولین کاری که باید انجام داد آزمایش رهبران جدید محلی است . اساس آن خیلی ساده است . باید بآنها وظائف مشخصی را ارجاع نمود بر اساس لیاقتی که در انجام این مأموریت از خود نشان میدهند نسبت بآنها اقتضات کرد . ارجاع وظائف و کارشکنی نیست . امر تصدیری هستند که میتوان بآنها ارجاع نمود . اداره حکومت محلی که انجام بعضی از وظائف پامس جمع آوری و اطلب برای واحدهای دفاع از خود تبلیغات و غیره ضد شورشگر بوزی در خواهد یافت که که امیک از رهبران انتظارات او را بر آورده میکند و سپس او آنها را تقویت و وضع آنها را مستحکم میکند . تمام مزایا و امکانات خود را در اختیار آنها میدهد و در بالعکس کسانی که از همه بر نیامده اند آنها را بتدریج کار میکند و از آنها بری

و حتی باتوافق مردم آنها را بر کار میسازد . در بعضی از مناطق ممکنست تمام کسانی که انتخابات شده اند فاقد ارزش مورد نظر باشند و اوظلمهان بهتری هم وجود نداشته باشند . البته این از دیدی ناسنس ضد شورشگر خواهد بود و میتوان کار کرد . یک راه حل اینست که در تقسیمات کسری تغییراتی داد . منطقه مورد نظر را مثلا بمناطقای که دارای مردان با لیاقت بیشتری است طبق ساخت تا در نتیجه انتخابات سرتاسری خلا آدمهای با ارزش در این منطقه جبران گردد .

وظائفیکه بر رهبران محلی ارجاع میگردد اینطور نیست که تنها بران آزمایش هستند بلکه اکثر در همین حال برای جلب مردم از طریق این رهبران نیز میباشد . بعضی از وظائف بمنظور شرکت دادن مردم در مبارزه و هدایت نمودن آنها باشد شورشگر میباشد . این وظائف نظیر : سازمان دادن به

واحد های دفاع از خود سربازگیری برای نیروهای فرعی و عادی و سازمان دادن به شبکه های اطلاعات، کنترل دستجات تبلیغاتی .

از میان مشکلاتی که در این مرحله ضد شورشگر با آنها روبرو میشود سه مشکل احتیاج به توجه خاصی دارند. رهبران انتخاب شده آماج های مشخص شورشگر هستند و باید آنها را حمایت کرد اما نباید این حمایت طوری باشد که آنها کاملاً متکی بحمايت ضد شورشگر باشند برعکس باید با آنها گفته شود که مردم بهترین حامی آنها هستند و این خود آنها هستند که باید حمایت مردم را جلب نمایند .

سرپرستی کردن ( پارتیزالیسم ) تا حدی غیر قابل اجتناب است چه رهبران محلی انتخاب شده هم ناشناس وهم فاقد تعلیمات هستند اما رویه آله گری و درانه از جانب ضد شورشگر باعث شکست خود اوست. این امر ضرر بر ضد افراد پله قربان گویم گردد و در حد این افراد طلوع قدرت ضد شورشگر خواهد بود باید هر چه زود تر حالت سرپرستی از این برود و بسو آنکه کسی با خطر توأم باشد .

برای انجام وظائف این رهبران به پهل که مسائل سرفرازان کارهای تخصص در قسمتهای مختلف احتیاج دارند . این احتیاجات باید بصورت تهیه شده و بدون تأخیر و تشنگی باطنی اداری با آنها تحویل داده شوند . در تمام این احتیاجات باید سیاست کلی را فراموش نداشت .

حق تقدم با مناطق - است که مردم بیشتر و میسر تر نفع ضد شورشگر فعالیت میکنند . نباید احتیاجات را بدون تمییز تامین نمود چه این اصلحه ضد شورشگر است و اصلحه ای است بسیار شورشی در یک منطقه ای وضعیت با آنها برسد که مردم فعالانه ضد شورشگر را که نماینده مضمون آن خواهد بود که شکست کامل شورشگر محقق شده است .

باید فوراً هر چه زود تر از این فرصت استفاده کرده و بهره برداری نمود و سایر قسمتهای دیگر که کمتر بیشتر تر کرده اند تحت نفوذ قرار داد . انجام این امور وظائف تبلیغاتی است .

تبلیغات خیلی بیشتر اثر خواهد کرد در صورتیکه توسط خود مردم انجام گیرد . ساکنین محلی را باید تحریک و تشویق نمود که بصورت مصلحت من سیاسی عمل کنند نه نهاد منطقه خود بلکه در سایر مناطق هم موقع آنها دست با آنها بزنند جنگ بطور قطعی در منطقه انتخابی بنفع ضد شور تمام شده است . یک علامت دیگر این پیروزی آنستکه اطلاعات بخودی خود و شدیدی زیاد از جانب مردم سازمانهای ضد شورشگر برسد .

مرحله هفتم  
تشکیل حزب

به تدریج که کارها پیشرفت میکند رهبران انتخابی آزمایش شده در دهات و شهرها ظاهر میشوند . موقعی خواهد رسید که این رهبران را در یک سازمان سیاسی واحد کمپوزی بهم مربوط و با هم متحد ساخت و یک حزب ملی ضد شورشگر را بوجود آورد .  
دلائل متعددی برای تشکیل این حزب وجود دارند :

۱ - حزب يك ابزار سیاسی است . سیاست اساس جنگ انقلابی است . بهترین روشهای سیاسی تا زمانیکه ضد شورشگر ابزار لازم را برای اجرای آن روش تهیه نکرده است ممکن است فاقد ارزش باشد .

۲ - سازمانهای شورشگر نه تنها در منطقه ها و در سطح محلی متشکل هستند و با هم رابطه دارند بلکه در سطح ملی و کشوری نیز با هم پیوسته و دارای شبکه های ارتباطی کاملی میباشند . لذا شورشگر از یک مزایای سیاسی فوق العاده زیادی برخوردار است که نمیتوان آن را ندیده گرفت . رهبران جدید محلی ضد شورشگر که ظهور کرده اند فقط در داخل منطقه خود عمل میکنند . در سایر مناطق به پیروی و جدا هستند . آنها فقط میتوانند در سطح محلی با شورشگر مقاومت کنند .

۳ - قدرت رهبران جدید در مقابل مردم اکثریت قدرت اداری است . اما اگر قرار است رهبریت آنها بر زمینه هاد سیاسی توسعه داده شود آنها باید فقط از طریق حزب انجام داد .

۴ - ارتباط رهبران محلی با توده مردم فقط از طریق يك رای رسمی بوده است تا زمانیکه این رهبران توسط يك ماشین سیاسی که عمیقاً میان مردم ریشه دوانیده باشد پشتیبانی نشوند شکست پذیر بوده و از این خواهد رفت . همانطوریکه ضد شورشگر برای پیدا کردن این رهبران کار کرده است این رهبران نیز باید بنوبه خود برای پیدا کردن کاردهانی از میان مردم کوشش کنند . برای آنکه آنها بتوانند این وظیفه را انجام دهند ، و این کار های ملی را با هم متحد و متضکنگ دارند بیک چهارچوب سیاسی متشکل حزب نیازمند هستند . آیا

بهتر است رهبران و کاردهای ملی را در حزب سیاسی ( ضد شورشگر ) موجود متشکل ساخت یا آنکه حزب جدید را ایجاد کرد . ؟

جواب بستگی کامل بشرايط صوبی . بافتار و وضعیت حزب موجود .

کیفیت رهبران ، جذابیت مواضع و خط مشی سیاسی عام دارد .  
اگرچه احزاب سیاسی در زمان صلح ، جز احزاب کمونیست ، برای توسعه  
وازدیاد اوضاع با اصلا توجهی ندارند یا توجه کمی میکنند اما در شرایط  
جنگ انقلابی وضع متفاوت است . در انتخاب اعضاء باید احتیاطات بیشتر  
کرد . حزب سیاسی ضد شورسگر باید بگیتی اعضاء بیشتر توجه نماید تا  
بکمیت آنها .

خلق یک حزب سیاسی جدید نه آسان و نه خیلی سریع امکان پذیر  
است اما بهر حال صافانی ندارد که هر موقع تمداد رهبران محل بعد  
کافی رسید ، آنها را در یک گام سیاسی متشکل ساخت اولین قدم  
برای این کار میتواند انجمنهای محلی باشد .

### مرحله هفتم

ظلمه برآخیز چریکها و تلاش ساختن آنها :

ضد شورسگر در همان حال که سرگرم جلب حمایت مردم و تسخیر  
توده هادر همین حال ادامه و تعمیق بقایای چریکها را که در منطقه باقی  
مانده اند فراموش نخواهد کرد . البته این وقت است که چریکها در همان  
محلات اول بگی ازین نرفته باشند .

مشکلات تاکتیکی برای ازین بردن آنها عبارتند از :

عدم تمرکز چریکها ، فعالیتهای تهاجی ( اوضاعیستیان ) ،

خودداری و انشاع آنها از تماس با مردم و در نتیجه عدم دسترسی  
ضد شورسگر با اطلاعات آنها و بالاخره در بعض موارد مشکلات جغرافیایی  
در زمین منطقه .

در تحت چنین شرایطی ، شکار چریکها با کمیت پاسداری عطیات  
واحد های کوچک محمولا بسیار طولانی و وقت تلف کن ، و کم حاصل  
است . با توجه باین نکات اجرای همان فعالیتهای وسیع نظامی  
که در مرحله اول شرح داده شد موثرتر و نتیجه بخش تر میباشد .  
باضافه که در این مرحله مردم بطور فعالانه در برنامه شرکت دارند .

اما اجرای این برنامه یک ناراحتی روانی در اردوگاه خود ضد  
شورسگر بوجود خواهد آورد . مقامات مسئول سؤال خواهند کرد که  
چرا حالا که همه چیز سرد است و نظم بنظر سرود دست با اجرای

چنین عطیات نظامی وسیع زده میشود ؟

اما واقعیت اینست که چریکهای که در منطقه پراکنده هستند و از نظر  
نظامی کمی هدف حرکت میکنند . مطمئنا عناصر سرسختی هستند  
که محصل انتخاب طبیعی بوده و اصطلاح فرزند طوفانها هستند .  
بهترین آنها خواه بلحاظ روحی و خواه بلحاظ جسمی هستند .  
با چنین کیفیتی بسختی میتوان پذیرفت که آنها را بحال خود را

کرد و فقط یک پادگان در محل برای مقابله با آنها بهرامت با مردم  
گماشت . این عطیات نهائی علاوه بر این ، عزم جزم ضد شورسگر را  
برای ازین بردن و تهاجد کردن مخالفین نشان میدهد . نمایش  
چنین اراده ای که نتایج سیاسی با ارزشی در تمام قشرها ایجاد  
خواهد نمود . هم در داخل و هم روی شورسگر هم روی نیروهای  
ضد شورسگر . از نظر نظامی باید برای ازین بردن چریکهای باقی  
مانده ، آنها را وارد ارساخت که مرتب حرکت کنند و از روی حساب آنها  
راطوری تحت فشار قرار داد که مجبور شوند از مناطق که ضد شورسگر  
میخواهد سرکند و در هنگام عبور از این شبکه هاست که ضد شورسگر  
باید آنها را گرفتار سازد .

با چنین تاکتیکی بود که کمونیستهای چین با موفقیت زیادی در سالهای

۱۹۵۰ - ۱۹۵۲ توانستند آخرین بقایای ارتش ملی را در جنوب

چین نابود سازند . لوازم احتیاجی سربازان زیاد است اما از آنجا

که چریکها در گروههایی مرکب از تعداد کمی نفرات که مجبورین با سلاحهای  
ضعیف هستند ممکن است شبکه عطیات را بخود مردم که مواضع جز  
وصلح شده اند واگذار کرد و کارهای حرفه ای لغزای از واحدهای

غیرضد شورسگر آنها را هدایت نمایند . از واحدهای ضحک ذخیره که

در منطقه وجود دارند میتوان در بعضی از موارد استفاده کرد تا چه مدت  
میتوان و یا باید باین روشها ادامه داد ؟ موضوع اوضاع احوال محلی  
است . بهترین عامل ضعیف برهم خوردن زندگی عامی مردم

بومی است . بهترین موقع برای عطیات وقتی است که

زراعت در حال رکود و یا تعطیل و توقف است ،

باید کوشش های نظامی را با اجرای برنامه های تبلیغاتی و جنگ

روانی تکمیل کرد . کارت برنده در اینجاست اعلام خصوصی است .

این تاکتیک بعضی خطرات را همراه دارد . اما خطر از هر موقع

دیگری کمتر است . چونکه ضد شورسگر مرحله ای از قدرت در

منطقه انتخابی رسیده است که توده مردم ابراحمایت میکنند

اما تازه بعد از تمام این عطیات وسیع نمیتوان انتظار داشت که

شورسگر در آن منطقه بگی ازین رفته باشد . تعداد کمی از

چریکها هنوز خواهند توانست باقی بمانند . در دسامبر ۱۹۶۲ چهار

ده سال بعد از آغاز جنگ انقلابی در مالا با هنوز ۲۰۰ مجاهد

در اوضاع جنگهای مالا با مستقر بودند و نیز از ۳۰۰ نفر دیگر در ریزها

مالا یا - تا بلند سرگرم عطیات بودند . اگر شورسگری خانه پذیرد

این عناصر را میتوانده ممکن است یادست بردارند و یا منطقه را ترک

کنند یا ممکن است همچنان در بناهای خود باقی بمانند . در  
مورد آخر هیچ زبان و خطری نخواهند داشت .

## نتیجه گیری و ملا حظات

مکانیزم جنگهای ضد شورشی بطور خلاصه این است :  
" يك سازمان سیاسی از انبوه و از میان مردم بسازد ، فکر خیلی ساده  
است اما عمل آن بسیار مشکل است .  
ناپلئون خاطرنشان ساخت که " جنگ يك هنر ساده است . تمام  
اشکال بر اساس اجرای آنست ، اگر چیزی که ضد شورشی ایجاد میکند همان  
برنامه شورشی را تعقیب نماید چه خواهد شد ؟ تنها جواب  
این است که : آن مسئله دیگری است . در مسائل انسانی چیزی  
هیچگونه راه حلهائی وجود ندارد . حزب مخلوق ضد شورشی  
همیشه ممکن است بهمان انگیزه شورشی برگردد . و در آن صورت  
تنها چیزی که ضد شورشی را جنگ آورده است تسکین موقت و تاخیر  
جریان است که بخودی خود يك عمل با ارزشی است . میتوان  
امیدوار بود که رهبرانی جدید برای تحقق انگیزه ها بجای روشهای  
خشن و اعمال زور از راه های مسالمت آمیز اقدام نمایند . ضد شورشی  
میتواند در آن صورت اعتراف کند که ( یا در حالت ) عدم قبول انگیزه های  
شورشی بخاطر خطیات ترویج بحث و اعمال زور بوده است . آیا این  
چیزی است که در ملا یا اتفاق افتاد ؟ که در آنجا انگلیس ها آنچه را  
که حاضر و آگاهی بکمیونستان نمودند به یگران اعطا کردند ؟ تا زمانی که  
وضعیت و شرایط انقلابی ، حتی بشکل خفته باقی بماند ، وجود دارد و تا زمانی که  
ظل و عواملی که باعث بروز و ظهور طغیان و شورشی هستند از بین برده  
نشده اند خطر ادامه خواهد داشت .

آیا همیشه امکان آن هست که نهضت شورشی را شکست داد ؟ در  
مدارس نظام وقتی دانشجویی دروس مربوط به نهجیم را فرا میگیرد  
چنین استنباط میکند که هیچ چیزی در برابر يك خطه حساب شده  
منظم نمیتواند مقاومت نماید و روش درسهای مربوط به دفاع را میخواند  
تصور میکند که هیچ نیرویی نمیتواند خطه دفاعی را درهم بشکند .  
واقع است که همیشه نمیتوان شورشی را شکست داد . نهضت شورشی  
در میان ازاوایل درهم و تلافی بود . و همین طور نیروی ضد شورشی  
( فرانسویها ) در هند و چین ازاوایل ضلالتی بود . با مستقای این دو  
مورد که ذکر شد . در سایر موارد از جنگهای انقلابی چند ساله اخیر  
بهریزی میتوانستیم است نصیب اردوگاه دیگری شود . نمیتوان ادعا  
کرد و باید بدینست که بهرزی وظیفه از قبل همین درجهن بنفع مائو در کوبا  
بنفع گاسترو در الجزایر بنفع مجاهدین بطور قلمی تعیین شده بود .

\*\*\*

است. نهضت‌های شورشگری در سال‌های گذشته دارای دوسم‌گرم و انگیزه اساسی بوده اند:

- ۱ - ظهور ناسیونالیسم در سرزمین‌های استعمارزده.
- ۲ - فشار کمونیسم.

فشار کمونیسم بعضی اوقات به تنهایی نهضت شورشگری را رهبری می‌کرده است و بعضی اوقات همراه با ناسیونالیسم می‌باشد و اما همیشه حضور داشته و فعال است.

در این صراحتاً استعمار جزیرک مورد استثنائی مرده است. انتظار صورت که با خانه کار استعمار در این ضلعی صراحتاً استعمار پیمان برسد اما ضلعی است که خنثی نشد. ظهور استعمار جدید بعد از استعمار کهن تنها یک شمار کمونیستی نیست. در آمریکا لاتین بجز چند جزیره کوچک و فیلیپین توجه که تحت نفوذ وسیطره انگلیس است استعمار خارجی دیگری وجود ندارد اما ممالک تمام قاره در آن ناضی و آسوپ می‌سوزد. جنگ کوبا که مستعمره هم نبود فقط یک علامتی از عظمت موجود است. ادوارد سانتوز EDWARDS SANTOS رئیس جمهور سابق کوبا می‌گوید: بتدریج که زمان جلوس بود بزرگترین حوادث تاریخی در آمریکای لاتین تکوین می‌یابد.

استعمار جدید خاص آمریکای لاتین نیست. در افریقا و آسیا اعتراضات دوستانه و خصمانه علیه استعمار و بهره‌کشی اقتصادی غرب فراوان است. تعداد کمی از جنبش‌های که آزاد شده اند نتوانسته اند واقعا از هر چه و مرص نانی از خروج استعمار نجات یابند تمداد کمی هستند که نشان داده اند استقلال یعنی ترقی و سعادت ملت. اگر مشکلات و ناراحتی‌های نانی از انتقال از یک کشور مستعمره به حکومت ملی مستقل به جنگ شورشگری و انقلابی بجز نتوانند یک مجزوه خواهد بود. هیچ نوع شواهدی در دست نیست که فشار کمونیستیها نظیل پیدا کرده است. خط مشی روسیه تغییر ممکن است پیدا کرده باشد اما ممکن است بسیاری تغییر پیدا کند که البته در گذشته تغییر پیدا کرده است اما امروز تنها روسیه شوروی مطرح نیست چین کمونیست آشکارا سیاست صدور انقلاب را تمقیب میکند. در جشن سی امین سال تولد حزب کمونیست چین، مسئول کمیته تبلیغات کمیته مرکزی حزب چنین گفت:

« اولین نمونه باز انقلاب در کشورهای سرمایه داری انقلاب اکثر است. اولین نمونه باز انقلاب در کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره انقلاب چین است که نجات آن بالاتر از همه چین برای مردم این کشور ها ارزش دارد.»

در ۱۹۵۱ یک نقشه جغرافیایی ایدئولوژیکی از دنیا توسط چین منتشر شد که بطور روشن ایده بالاراضکس ساخته است. این نقشه درست نظیر قرارداد تورزیلا (TORDOSILLA) می‌باشد. بموجب این قرارداد الکساندر ششم در ۱۴۹۴ تمام سرزمین هائیراک بیش از ۳۷۰ میلیون مسیحی در مغرب جزایر (COPEVERDOISLAND) قرارداد است با اسپانیا بخشید (بعنوان نمانده) و حق بهره برداری و اشتغال تمام سرزمین‌های افریقا را که در شرق مستعمرات اسپانیا قرار دارد به پرتغال واگذار کرد.

در نقشه ۱۹۵۱ چین با اتحاد استرالیا جزایر و سالک مستعمره قطب‌اندازه و آمریکا لاتین و ژاپن جزو کشورهای سرمایه داری. مطابق اظهارات بعدی چین با تغییراتی در نقشه ایدئولوژیکی دیدار کرده میشود. تمام آمریکا لاتین و ژاپن - که یک کشور نیمه مستعمره آمریکا ضلعی هستند. جزو کشورهای نو چین کمونیست، و استرالیا و کانادا که جزو کشورهای سرمایه داری هستند جزو کشورهای نو روسیه شوروی می‌باشد. بموجب این تقسیم بندیها سه نیرو که از جهات مختلف با هم برابرند دنیا را تشکیل می‌دهند.

- ۱ - رفا: کشورهای برادر کمونیستهای کمونیستی.
- ۲ - متحدین بالقوه: کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره.
- ۳ - دشمن: کشورهای سرمایه داری.

اینطور بنظر می‌رسد که استراتژی چین کمونیست (ضلعی نقش رهبری آنها) از طرف روسیه شوروی قبول شده باشد. پایه‌های این استراتژی عبارتند از:

مرحله اول - اخراج و محروم کردن سرمایه داران از کشورهای مستعمره  
مرحله دوم - کسب قدرت و کنترل کشورهای مستعمره  
بر اساس این تحلیل کمونیست‌ها به نسبت دوریک برسرمایه داری. هم از نظر وسعت منطقه و هم از نظر جمعیت، برتری خواهند داشت. آنها می‌توانند صرفاً با طبع ارتباطات تجاری سرمایه داران از این ضلعی سرمایه داری را بیزانند و آرنند با حداقل زحمت و سرمایه کمونیسم، نیروی نظامی کمونیسم، فقط به حفظ ره‌آورد های انقلابی و جلوگیری از آخرین عکس العمل سرمایه داری خواهد پرداخت.

تا چه حد توسعه سلاح‌های هسته‌ای و خطر تصادمات اتفاق و اختلافات اخیر چین و شوروی روی این استراتژی اثر گذاشته است خود بحث است. اما این واقعیت بقوت خود باقی است که اگر حتی خورشید روسیه ناگهان به یک صلح جوی قوی تبدیل گردد، چینی‌ها که در قدرت سرسختی آنها نمیتوان شکلی داشت به خط

ضی خود ادامه خواهند داد و عناصر افراطی را که معمولاً آنس  
اغرضان جنگهای انقلابی هستند بخود جلب خواهند نمود. بالاخره  
دلیل دیگری وجود دارد که قبول نمودن پیونده جنگهای انقلابی  
بسته و تمام نشده است. و آن اینست که : دست زدن بشور شرک<sup>ی</sup>  
خیلی آسانتر است از مقابله با آن. با الهام از شور شرک<sup>ی</sup>های پیروز شده ا  
ضمیمه در سال های اخیر برای یک گروه ناراضی و صمیم، در هر کجا  
که باشند تمایلی زیادی برای دست زدن بمطامیلات انقلابی وجود  
دارد. آنها ممکن است از ضعف غریزی و ذاتی ضد شور شرک استفاده  
نمایند آنها ممکن است روی یک حمایت این طرف و یا آنطرف دنیا

حساب کنند بالاخره آنها ممکن است روی دگرین جنگهای شور شرک<sup>ی</sup>  
و قدرت اثر آنها حساب کنند دگرین جنگهایی که دست زدن بدان  
بسیار آسان است و امروزه بطور وسیعی در همه جا پراکنده شده است.  
و تقریباً هر کس با نیروی میتواند آنها را آغاز کند.

فرض طغیان این است که در جنگهای انقلابی آینده دنیا<sup>ی</sup>  
غرب شرکت خواهد داشت. احتمال اینکه کوششهای یک طرف را تقویت  
کند بصورتی که او را دست و ضرب خواه ناخواه بران طالبه با آنها مجبور خوا<sup>د</sup>  
شد طرف دیگر یعنی ضد شور شرک را تقویت نماید.

..... و این است دلیل تنظیم و تدوین این کتاب

کبریج - ماساچوست اکتبر ۱۹۶۴





توزیع از :

مجاهد

PAYAME MUJAHID  
P.O. BOX 4485  
SPRINGFIELD, MO. 65804  
U.S.A.

بها ۷۰ ریال